



پرسمان نماز

**پاسخ به سؤال‌های پرتکرار
درباره نماز**

فهرست مطالب

فصل اول: چرا نماز بخوانیم؟	۵
چرا نماز بخوانیم؟	۵
چرا ما باید دائماً نماز خواندن را که یک عمل تکراری است انجام دهیم؟	۶
چرا خداوند نماز را واجب نموده است؟	۷
اگر خدا بی‌نیاز است پس چرا از ما می‌خواهد که برایش نماز بخوانیم؟	۹
چه کنیم که نماز در دید ما اهمیت پیدا کند؟	۹
چه کنیم نماز برای ما سنگین نباشد؟	۱۴
چه اولین‌هایی در نماز وجود دارد؟	۱۵
آیا واقعا نماز این قدر که می‌گویند، اهمیت دارد؟	۱۷
وقتی خدا به نماز ما احتیاجی ندارد، چرا باید خودمان را این قدر به زحمت بیندازیم؟	۱۹
نمی‌شود طور دیگری نماز بخوانیم؟	۲۱
چرا حتماً باید نماز را به عربی خواند؟	۲۲
چرا وضع مادی کسانی که اهل نماز و اطاعت از خدا نیستند، بهتر از کسانی است که اهل نماز و اطاعت هستند؟	۲۴
فصل دوم: چرا اینگونه نماز بخوانیم؟	۲۶
چرا نماز جزء اصول دین به شمار نیامده؛ درحالی که از مهم‌ترین واجبات و ستون دین است؟	۲۶
چگونه عبادت کنیم و نماز بخوانیم تا از ریا دور باشد؟	۲۶
چه کار کنیم که کیفیت نمازمان را بالاتر ببریم؟	۲۷
برای رسیدن به نمازی مطلوب، آیا چیزهای دیگری غیر از خود نماز هم هست که باید به آنها توجه کنیم؟	۳۱
چرا باید قبل از نماز وضو بگیریم؟ آیا اگر پیش از نماز حمام برویم کافی نیست؟	۳۱
چرا بعد از جنابت، غسل واجب می‌گردد؟ ارتباط آن با نماز چیست؟	۳۳
به فرموده قرآن، هر طرف رو کنیم خدا آنجاست؛ پس چرا حتماً باید رو به قبله نماز بخوانیم؟	۳۵
چرا خداوند کعبه را قبله مسلمانان قرار داد؟	۳۶
با اینکه شرافت کعبه بیشتر از بیت‌المقدس است، چرا خداوند از ابتدا قبله را کعبه قرار نداد؟	۳۷
چرا خداوند در ابتدا قبله را به سمت بیت‌المقدس قرار داده و پس از مدتی به سمت کعبه معظمه تغییر داد؟	۳۸
چرا باید در هر نماز سوره حمد را بخوانیم؟	۴۱
چرا در رکعت سوم و چهارم نماز تسبیحات اربعه می‌خوانیم؟	۴۴
سر اینکه در نماز، صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> و اهل بیتش <small>عَلَيْهِمُ السَّلَامُ</small> واجب شده، چیست؟	۴۵
خداوند که با همه محرم است، پس چرا خانم‌ها باید در نماز حجاب کامل داشته باشند؟	۴۶
فصل سوم: نماز خواندن چه اثری دارد؟	۴۸
اگر به فرموده قرآن، نماز بازدارنده از فحشا و منکر است، پس چرا بعضی افراد اهل نماز گناه می‌کنند؟	۴۸

- وقتی می‌بینیم برخی هم نماز می‌خوانند و هم گناه می‌کنند، بهتر نیست ما نماز نخوانیم و گناه هم نکنیم؟ ۴۸
- وقتی نماز، ما را از گناه باز نمی‌دارد، چه فایده‌ای دارد که بخوانیم یا نخوانیم؟ ۴۹
- اگر شرط قبولی کارهای خوب، قبول شدن نماز است، آیا کارهای خیر یک بی‌نماز، فایده‌ای دارد؟ ۴۹
- چه چیزهایی باعث می‌شود نماز ما پذیرفته نشود؟ ۵۱
- وقتی ما خدا را خوب نمی‌شناسیم، عبادت کورکورانه چه سودی دارد؟ ۵۳
- اگر نماز برای این است که نمازگزار به کمال برسد، نمازهای استیجاری چیست؟ ۵۴
- چه تفاوتی می‌کند که نمازمان را اول وقت بخوانیم یا بعد از آن؟ ۵۵
- آثار و برکات معنوی نماز برای انسان چیست؟ ۵۷
- آیا نماز در دنیا هم برای انسان آثاری دارد؟ ۵۸
- نماز چه آثاری برای انسان در هنگام مرگ و عالم برزخ و قیامت دارد؟ ۶۰

فصل چهارم: چگونه فرزند و همسر را به نماز علاقه‌مند کنیم؟ ۶۲

- چگونه فرزندانمان را به نماز علاقه‌مند کنیم؟ ۶۲
- چگونه کودکان را به نماز دعوت کنیم؟ ۶۵
- چگونه همسر را به نماز دعوت کنیم؟ ۶۷
- آیا از تشویق یا تنبیه در دعوت کودکان و نوجوانان به نماز می‌توان استفاده کرد؟ ۶۹
- من مربی مهد کودک هستم و با کودکان ۳ تا ۷ سال سروکار دارم. لطفاً من را در برخورد صحیح تربیتی اسلامی با آنها راهنمایی کنید. ۷۲
- من معلم دبستان دخترانه هستم. البته پسر خودم نیز دبستانی است. لطفاً راهنمایی بفرمایید که در این دوره چگونه می‌شود آنها را با نماز آشنا کرد؟ ۷۴
- در دوره نوجوانی چگونه با فرزند باید برخورد کرد که او به‌سوی نماز تشویق شود؟ ۷۶
- من روحانی یک مسجد هستم و در مسجد با نوجوانان و جوانان بسیاری در ارتباط هستم؛ لطفاً اصول دعوت آنها به نماز را بیان فرمایید؟ ۸۰
- کتابنامه ۸۳

فصل اول: چرا نماز بخوانیم؟

■ چرا نماز بخوانیم؟

علت‌های فراوانی برای ضرورت نماز خواندن می‌توان بیان کرد که ما به اختصار به چند تا از آنها اشاره می‌کنیم:

■ بندگی خدا

ما نماز می‌خوانیم زیرا هر موجودی در این عالم برای هدفی خلق شده است و هدف آفرینش هر موجودی را بهتر از هر کس دیگری، آفریننده آن موجود می‌داند؛ خداوند هدف از آفرینش انسان را عبودیت بیان کرده است. آنجا که می‌فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" و نماز یکی از راه‌های برجسته اطاعت و بندگی خداست.

■ سپاس‌گزاری

هر انسانی در فطرت و عقل خود باور دارد که در برابر هدیه‌ای که دریافت می‌کند، باید سپاس‌گزاری کند؛ آن هم به‌گونه‌ای که رضایت هدیه‌دهنده را در پی داشته باشد و خداوند نماز را وسیله‌ای برای تشکر قرار داده است؛ لذا واجب است نماز بخوانیم و هر روز حداقل ده بار بگوییم: الحمد لله رب العالمین.

■ یاد خداوند

نماز بهترین وسیله برای یاد خداست. خود خداوند عزیز به حضرت موسی عليه السلام می‌فرماید: "وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي" و این یاد خداست که انسان را در سختی‌های زندگی یاری می‌کند و او را به رحمت حق امیدوار می‌سازد.

■ کسب آرامش

نیاز به آرامش یکی از نیازهای فطری بشر است و نماز، آرامش‌بخش دل‌هاست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" و بالاترین مصداق یاد خداوند نماز است.

■ ایمنی از عذاب

وقتی روز قیامت از اهل دوزخ می‌پرسند: چه چیز شما را روانه دوزخ کرد؟ پاسخ می‌دهند: "أَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ" [گویند: ما از نمازگزاران نبودیم].^۱

■ رسیدن به بهشت

رسیدن به بهشت در پرتو عبودیت خداوند میسر می‌شود و نماز از بهترین مسیرهای عبودیت پروردگار و

۱. مدثر: ۴۲ و ۴۳.

رسیدن به بهشت الهی است.^۱

■ امرزش گناهان

پیامبر اکرم ﷺ در سخنی نورانی نماز را به چشمه آبی تشبیه کردند که انسان هر روز پنج بار در آن شستشو می کند که در این صورت هیچ آلودگی ای بر او نخواهد ماند. نماز نیز این گونه انسان را از گناهان پاک می گرداند.^۲

■ رهایی از معاصی

به تصریح قرآن: "انَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ"^۳؛ نماز بازدارنده از فحشا و منکر است؛ به این معنا که نماز باعث می شود کسی که اهل گناه است کم کم این آلودگی از او رفع شود و آنکه اهل گناه نیست، نسبت به گناه، نوعی عصمت پیدا کند و هواهای نفسانی بر او غلبه نکنند و گناه از او دفع گردد. به عبارتی نماز هم جنبه پیشگیری از گناه دارد و هم درمان بیماری گناه.

■ رهایی از شر شیطان

به فرموده قرآن کریم شیطان دشمن قسم خورده انسان است.^۴ او حاضر نشد در برابر روح خدا که در کالبد انسان دمیده شده بود سجده کند؛ لذا به انسان هایی که مقابل خداوند سجده نمی کنند، ارادت ویژه ای دارد! پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: همواره شیطان از کسی که بر نمازهای پنج گانه اش محافظت می کند فرار می کند؛ ولی اگر شخص نمازهایش را تباه کرد، شیطان بر او جرأت پیدا می کند و او را به ارتکاب گناهان بزرگ وارد می کند.^۵

■ چرا ما باید دائماً نماز خواندن را که یک عمل تکراری است انجام دهیم؟

آیا غذا خوردن تکراری نیست؟ آیا غذای دیروز مرا از غذای امروز بی نیاز می کند؟ همان طور که حیات و رشد بدن ما دائماً به غذا نیاز دارد، حیات روح ما نیز دائماً نیازمند غذاست. تابلوهای راهنمایی و رانندگی اگرچه تکراری هستند؛ ولی همیشه باید باشند چون همیشه به آنها نیازمندیم.

به طور کلی کارهای هدفمند گرچه تکراری باشند، مفید و گاهی نیز ضروری هستند. برای مثال بنا و معمار هر روز کارهایی تقریباً مشابه روزهای قبل انجام می دهند و اتفاقاً همین پیوستگی و دوام کار آنها سبب می شود که ساختمانی محکم و زیبا ساخته شود.

انسان نیز در این دنیا در یک سفر طولانی و پر خطر به سوی هدفی بزرگ و مهم در حرکت است. "یا

۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "مَنْ أَسْبَغَ وُضوءَهُ وَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ وَأَدَّى زَكَاتَهُ وَكَفَّ عَصْبَهُ وَسَجَنَ لِسَانَهُ وَاسْتَعْفَرَ لِدُنْيَاهُ وَأَدَّى التَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ وَأَبْوَابَ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةً لَهُ" (احمدبن محمدبن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۱).

۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ فِيكُمْ كَمَثَلِ السَّرِيِّ وَهُوَ النَّهْرُ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةَ يَغْتَسِلُ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَبْقَ الدَّرَنُ مَعَ الْغُسْلِ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَلَمْ يَبْقَ الدُّنُوبُ مَعَ الصَّلَاةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ" (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۲ و ۲۱۱).

۳. عنکبوت: ۴۵.

۴. یس: ۶۰.

۵. "لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ دَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا صَبَّحَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۹).

أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ".^۱

نماز وسیله نقلیه مطمئن و کارآمدی است که انسان باید پیوسته با آن باشد تا به سر منزل مقصود برسد.

■ چرا خداوند نماز را واجب نموده است؟

در پاسخ به این پرسش، علت‌های متعددی می‌توان بیان کرد که در ادامه به اختصار به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

جلوگیری از تحریف دین

امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال فرمودند: "اگر خداوند در فرستادن دین، تنها به فرستادن کتاب آسمانی اکتفا می‌کرد و عملی برای محافظت و یادآوری روزانه آن قرار نمی‌داد، حتما دین تحریف می‌گردید و به سرنوشتی دچار می‌شدند که ادیان گذشته گرفتار شدند؛ که دینشان از بین رفت و به عاقبتی دچار شدند که نایست می‌شدند".^۲

جلوگیری از فراموشی نقش پیامبر صلی الله علیه و آله در اسلام

امام صادق علیه السلام فرمودند: "یکی از علت‌های واجب شدن نماز این است که خداوند اراده فرموده است مسلمانان هرگز یاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کوشش‌های او برای اسلام را فراموش نکنند".^۳

جلوگیری از غفلت و فراموشی یاد خداوند

علت دیگر واجب شدن نماز، به فرموده امام صادق علیه السلام جلوگیری از فراموشی یاد خداوند می‌باشد؛ چون انسان موجودی فراموش کار است و برای جلوگیری از غفلت او نیاز به یادآوری دارد و چه یادآوری‌ای برتر از نماز که هر روز در پنج نوبت فرد با ستایش خالق خود، به یاد بزرگی و عظمت او بیفتد.^۴

۱. إنشقاق: ۶.

۲. حدثنا علي بن أحمد بن محمد رحمه الله قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن محمد بن إسماعيل البرقي قال حدثنا علي بن العباس عن عمر بن عبد العزيز قال حدثنا هشام بن الحكم قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن علة الصلاة فإن فيها مشغلة للناس عن حوائجهم و متعبة لهم في أبدانهم قال فيها علة و ذلك أن الناس لو تركوا بغير تنبيه و لا تذكر للنبي ص بأكثر من الخير الأول و بقاء الكتاب في أيديهم فقط لكانوا على ما كان عليه الأولون فإنهم قد كانوا اتخذوا دينا و وضعوا كتبا و دعوا أناسا إلى ما هم عليه وقتلوه على ذلك فدرس أمرهم و ذهب حين ذهبوا و أراد الله تبارك و تعالی أن لا ينسيهم أمر محمد ص ففرض عليهم الصلاة يذكرونه في كل يوم خمس مرات ينادون باسمه و تعبدوا بالصلاة و ذكر الله لكيلا يغفلوا عنه و ينسوه فيندرس ذكره. حدثنا علي بن أحمد بن محمد قال حدثنا محمد بن يعقوب قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله عن محمد بن إسماعيل عن علي بن العباس قال حدثنا القاسم بن ربيع الصحاف عن محمد بن سنان أن أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام كتب إليه فيما كتب من جواب مسائله أن علة الصلاة أنها إقرار بالربوبية لله عز و جل و خلق الأنداد و قيام بين يدي الجبار جل جلاله بالذل و المسكنة و الخضوع و الاعتراف و الطلب للإقالة من سالف الذنوب و وضع الوجه على الأرض كل يوم خمس مرات إعظاما لله عز و جل و أن يكون ذاكرة غير ناس و لا بطر و يكون خاشعا متذلا راغبا طالبا للزيادة في الدين و الدنيا مع ما فيه من الانزجار و المداومة على ذكر الله عز و جل بالليل و النهار لئلا ينسى العبد سيده و مدبره و خالقه فيبطر و يطغي و يكون في ذكره لربه و قيامه بين يديه زاجرا له عن المعاصي و مانعا من أنواع الفساد (شيخ صدوق، علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۱۷).

۳. همان، ج ۲، ص ۳۱۷.

۴. همان.

اقرار به ربوبیت پروردگار

امام رضا علیه السلام فلسفه واجب شدن نماز را اقرار انسان‌ها به ربوبیت خداوند معرفی فرموده‌اند.^۱

جلوگیری از شرک

نماز نماد توحید و نشانگر موحد بودن انسان‌هاست؛ زیرا اگر جز الله خدای دیگری هم بود، بایستی آن خدای دیگر نیز، نوعی پرستش برای خود معلوم می‌نمود؛ لذا خداوند بدین وسیله راه شرک را ریشه‌کن نموده است تا مبادا اشخاص به شرک روی آورند؛ بلکه همگان با نماز، وحدت و هم‌صدایی خود را در پرستش آفریدگار یگانه نشان دهند.^۲

اظهار خشوع و اعتراف به کوچکی خود در برابر خداوند

خالق یکتا کمال مطلق است. خداوند برای آنکه کوچکی و ناتوانی انسان، از سوی دیگر قدرت خویش را به او نشان دهد تا از ستم و تعدی و طغیان و سرکشی بندگان جلوگیری نماید، نماز را بر او واجب کرد؛ در واقع نماز راهی برای اعتراف بندگان به کوچکی خود در برابر پروردگار و سبب خاشع‌شدن آنها در برابر اوست.^۳

طلب آموزش گناه

خداوند نماز را واجب نمود تا راهی باشد برای اینکه انسان از خداوند بخواهد که گناهان گذشته او را ببخشد و بدین وسیله روح خود را از کتافات گذشته پاک کند.^۴

تعظیم برابر خداوند

امام رضا علیه السلام فرمودند: "خداوند نماز را واجب نمود تا بندگان با گذاشتن صورت بر خاک، در برابر خداوند، به بزرگی و عظمت خداوند اعتراف نمایند."^۵

افزایش معرفت دین

به سبب انجام نماز که ستون دین است، پایه‌های اعتقادی انسان‌ها تقویت می‌گردد.^۶

طلب برکت در زندگی دنیوی

خداوند نماز را وسیله‌ای برای طلب برکت در زندگانی مسلمانان قرار داده است که به وسیله آن روزی انسان وسعت یابد.^۷

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۱۷.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

بازدارندگی از گناه و انواع فساد

خداوند نماز را واجب نموده تا مایه دوری و انزجار انسان از گناه باشد و انسان به سبب آن به نوعی مصونیت عملی در برابر گناه، دست یابد.^۱

دوری از تکبر و خود پسندی

شیطان به سبب تکبر حاضر نشد به روح خداوند که در کالبد آدم دمیده شده بود، سجده کند؛ برای همین از درگاه خداوند رانده شد و او از سجده و تواضع برای خداوند متنفر است درحالی که انسان در هنگام نماز به بهترین شکل در برابر خداوند تواضع و خضوع می کند و به همین سبب تکبر از او دور می شود. به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام زهراء علیها السلام نماز را برای دوری از تکبر واجب نمود.^۲

■ اگر خدا بی نیاز است پس چرا از ما می خواهد که برایش نماز بخوانیم؟

برای پاسخ به این پرسش دو مثال بیان می کنیم: فرض کنید پدر و مادری به فرزند خود سفارش می کنند که درس بخوان؛ آیا این دستور به نفع والدین است یا که آنها از روی دلسوزی و علاقه به آینده درخشان خود فرزند چنین تقاضایی از او می کنند؟

مثال دیگر: پزشکی که بیمار را به مصرف دارو یا انجام ورزش دستور می دهد، خودش به مصرف آن دارو یا ورزش نیاز دارد یا برای حفظ سلامتی و بهبود یافتن بیمار است که از او چنین تقاضایی می کند؟ خداوند نیز بندگان خود را به عبادت دستور داده چون رشد و تعالی آنها و رهایی از چنگال شهوت ها و شیطان ها در گرو عبادت خالصانه اوست؛ وگرنه خداوند به این عبادت ها هیچ نیازی ندارد و این عبادت ها هم هیچ سودی به حال او ندارد.

■ چه کنیم که نماز در دید ما اهمیت پیدا کند؟

الف) شناخت حق نماز

امام سجاد علیه السلام فرمود: " وَ حَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ قُمْتَ مَقَامَ الدَّلِيلِ الْحَقِيرِ الرَّائِبِ الرَّاجِي الْخَائِفِ الْمُسْتَكِينِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظَمِ لِمَنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَالْوَقَارِ وَتُقْبَلُ عَلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَتُقِيمُهَا بِحُدُودِهَا وَحُقُوقِهَا"^۳

و حق نماز این است که بدانی که آن کوچ کردن به سوی خداوند عز و جل است و تو در هنگام نماز در برابر خدای عز و جل ایستاده ای. وقتی این معنی و موقعیت را دانستی، در موضع بنده ای می ایستی که ذلیل و بی مقدار و آرزومند و ترسان و امیدوار و بیمناک و فروتن و التماس کننده است و خداوند تعالی را که در برابر او ایستاده است با سکون و وقار خود، بزرگ می دارد و در این حال از صمیم قلب به نماز رو می آوری و آن را با حدود و حقوقش به پا می داری.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲. عن فاطمة الزهراء علیها السلام: "ففرض الله الإيمان تطهيرا من الشرك و الصلاة تنزيها عن الكبر" (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۶۸).

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴، باب ۱ جوامع الحقوق ...

ب) توجه به آثار و پاداش‌های نماز

توجه به مزد و پاداش و مقدار آن، در "اهمیت قائل شدن برای یک عمل" بسیار مؤثر است. مثلاً اگر سه نفر، از نجاری درخواست کنند که برایشان میزی بسازد و هر کدام مبلغی را پیشنهاد کنند؛ مثلاً اولی هزار تومان، دومی ده هزار تومان و سومی صد هزار تومان. طبیعی است که میزهایی که آن نجار برای هر کدام خواهد ساخت، از نظر استحکام و زیبایی متفاوت با میز نفر دیگر خواهد بود. در ادامه به نمونه‌هایی از آثار عظیم نماز اشاره می‌کنیم:

نماز، کفاره گناهان

سلمان می‌گوید: زیر سایه درختی در کنار رسول خدا ﷺ بودیم. آن حضرت شاخه‌ای از آن را گرفته، تکان دادند. برگ‌هایی از آن بر زمین ریخت. فرمودند: "نمی‌پرسید که چرا چنین کردم؟" گفتیم: بفرمایید. فرمودند: "هنگامی که مسلمانی به نماز می‌ایستد گناهانش مانند برگ‌های این درخت بر زمین می‌ریزد."^۱

همچنین پیامبر ﷺ فرمودند: "اگر بر در خانه شما نه‌ری باشد و شما در شبانه روز، پنج بار بدن را در نهر شستشو دهید، آیا اثری از چرک و آلودگی در بدنتان باقی خواهد ماند؟" گفتیم: نه. فرمودند: "همانا مثل نماز در میان شما، مانند نه‌ری است که هر بار نماز در شبانه‌روز، اثر گناهان گذشته را از بین می‌برد."^۲

نماز دارای ثواب عظیم

نماز واجب معادل هزار حج و هزار عمره مقبول دانسته شده است؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: "بعد از شناخت الله، هیچ طاعتی را با ارج‌تر و پربه‌تر از نماز نمی‌شناسم... و یک نماز واجب در نزد خداوند با هزار حج و هزار عمره‌ای که به خوبی انجام شود و مقبول درگاه الهی واقع شود، برابر است."^۱

امام حسن عسگری علیه السلام از پدرش و او از پدران‌ش تا امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از خداوند متعال، نقل کرده که حضرت حق فرمود: "من سورة فاتحة الكتاب را میان خود و بندگانم تقسیم کرده‌ام که نصفش مال من است و نصفش مال بندگانم و هر چه که بنده‌ام از من درخواست کند اجابت می‌نمایم. وقتی که بنده‌ای بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خداوند متعال می‌فرماید: بنده‌ام مرا ستایش کرد و می‌داند که نعمت‌هایی که دارد از من است و بلاهایی که هست از ناحیه من می‌باشد که اگر از او بردارم درباره او احسان کرده‌ام. شما ملائکه‌ها را شاهد می‌گیرم که من نعمت‌های آخرت را هم به نعمت‌های دنیای بنده‌ام اضافه می‌کنم و بلاهای دنیا از او را دفع می‌کنم، همان طوری که بلاهای آخرت را از او دفع کردم. وقتی که بنده می‌خواند: الرحمن الرحيم. خداوند می‌فرماید: بنده‌ام شهادت به رحمان و رحیم بودن من داد. من هم شما را شاهد می‌گیرم که رحمت خود را درباره او زیاده‌تر کنم و از عطا‌های خود به وی ببخشم. وقتی که بنده بگوید: مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ. خداوند متعال می‌فرماید: من شما را شاهد می‌گیرم؛ چون او اعتراف به این کرد که

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۰، ح ۷.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ح ۱۸۹۳۱.

من صاحب روز پاداش هستم من هم در آن روز، حساب او را آسان تر می‌کنم، حسنات وی را قبول می‌کنم و از گناهانش در می‌گذرم و وقتی که بنده در نماز می‌گوید: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ** خداوند می‌فرماید: بندهام راست گفت؛ من را عبادت می‌کند. من شما را شاهد می‌گیرم که برای عبادت این بندهام چنان ثوابی بدهم که مخالفان عبادت او به آن ثواب غبطه بخورند و وقتی که بنده می‌گوید: **وإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** خداوند می‌فرماید: این بنده از من یاری خواست و به من پناه آورد. من شما را شاهد می‌گیرم که او را در کارهایش یاری دهم و در سختی‌ها از او حمایت کنم و روز قیامت هم دست او را بگیرم و داخل بهشت بکنم و وقتی که بنده می‌گوید: **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** تا آخر سوره حمد خداوند می‌فرماید: این صراط مستقیم برای بنده من است. آنچه را که از من خواست به وی می‌دهم و او را از هر چه که می‌ترسید ایمنی بخشیدم."

(ج) توجه به جایگاه نماز در دین

نماز، رأس اسلام

پیامبر ﷺ زمانی که معاذبن جبل را به یمن فرستادند در ضمن سفارشاتشان به او فرمودند: **"يَا مَعَاذُ عَلْمُهُمْ كِتَابَ اللَّهِ... وَ لِيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ - فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالْإِيمَانِ"**؛ کتاب خدا را به ایشان بیاموز... و بیشترین همت خود را متوجه نماز کن؛ چرا که پس از پذیرش اصل دین، نماز مهم‌ترین جایگاه را دارد.^۱

نماز، چهره دین

مُحَمَّدٌ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدَكُمْ وَجْهَ دِينِهِ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَنْفٌ وَ أَنْفُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرُ"؛ هر چیزی چهره‌ای دارد و چهره دین شما نماز است پس مبدا شخصی چهره دینش را زشت و نازیبا گرداند و هر چیزی شروعی دارد و شروع نماز با تکبیر است.^۲

نماز، دوست داشتنی‌ترین کار پیش خدا

عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: "سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَ صَايَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا أَحْسَنَ الرَّجُلُ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيَسْبِغُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَتَنَحَّى حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَيْسُّ فَيُشْرِفُ عَلَيْهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ إِنْ الْعَبْدُ إِذَا سَجَدَ فَاطَّالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسَ يَا وَيْلَاهُ أَطَاعَ وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدَ وَ أَبَيْتُ".

زید شحام می‌گوید از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: خداوند عز و جل نماز را بیش از سایر کارها دوست دارد و نماز آخرین سفارش همه پیامبران عليهم السلام است. چه منظره زیبایی است! اینکه شخصی غسل کرده یا وضوی کاملی گرفته، در مکانی خلوت به دور از چشم دیگران به رکوع و سجده مشغول شود. زمانی که بنده‌ای سر بر خاک می‌نهد و سجده می‌کند صدای شیطان به ناله بلند می‌شود که ای وای این بنده، خدا را اطاعت کرد و من نافرمانی کردم و او سجده کرد و من امتناع نمودم.^۳

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۷، باب ۶، جوامع وصایا رسول الله ﷺ و مواظبه و حکمه ...

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۲۴، باب من حافظ علی صلاته أو ضیعها ...

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۸، باب فضل الصلاة ...

نماز، نور چشم پیامبر ﷺ

آن حضرت به ابوذر فرمودند: "يا أَبَا ذَرٍّ جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ تَنَاوُهُ فُرَّةً عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ - وَ حَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ - كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَيَّ الظَّمَانِ الْمَاءَ - وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَّمَانَ إِذَا شَرِبَ رَوِيَ - وَ أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ؛" ای اباذر خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داده است و چنان مرا مشتاق نماز کرده که گرسنه را مشتاق به غذا و تشنه را مشتاق به آب و اشتیاق گرسنه و تشنه به غذا و آب گذراست ولی من از نماز سیر نمی شوم.^۱

نماز وسیله نزدیک شدن به خدای عزیز؛

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّمَّانِيِّ قَالَ: "الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ"^۲؛ امام رضا عليه السلام فرمود: نماز مایه نزدیکی پارسایان به خداوند است.

نماز، بهترین تکلیف؛

عن أبي ذر: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ فَمَا الصَّلَاةُ - قَالَ: "خَيْرٌ مَوْضِعٍ فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ وَ مَنْ شَاءَ أَكْثَرَ؛" ابوذر می گوید به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: مگر نماز چیست که مرا به آن دستور دادید؟ فرمودند: نماز بهترین تکلیفی است که خداوند برای بندگانش قرار داده است. حال هر کس می خواهد بیشتر انجام دهد [به سود خود اوست] و هر کس می خواهد کمتر انجام دهد [به زیان خود اوست].^۳

نماز، ستون خیمه دین

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: "مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْمُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأُتُنَابُ وَ الْأُوتَادُ وَ الْعِشَاءُ وَ إِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعِ طُنْبٌ وَ لَا وَ تِدٌ وَ لَا غِشَاءٌ؛" امام صادق عليه السلام از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: مثل نماز مثل ستون خیمه (چادر) است، تا وقتی که ستون محکم باشد، طنابها و میخها و پرده به کار می آیند؛ ولی اگر ستون بشکند، هیچ طناب و میخ و پرده‌ای به درد نمی خورد. [چون در این حالت خیمه نقش بر زمین می شود و دیگر فایده‌ای ندارد].^۴

نماز، بهترین عمل بعد از معرفت خدا؛

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَ أَحَبِّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا هُوَ فَقَالَ: "مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ - عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عليه السلام قَالَ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ".

معاویه پسر وهب می گوید از امام صادق عليه السلام پرسیدم: والاترین چیزی که انسان را به خدا نزدیک کند و عملی نزد خدا محبوب تر از آن نباشد چیست؟ حضرت فرمود: بعد از شناخت خداوند، هیچ کاری را والاتر از همین نماز نمی شناسم. نمی بینی که بنده صالح خدا، عیسی بن مریم، گفته است: و خداوند مرا به ادای نماز سفارش کرد (مریم: ۳۱).^۵

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۷۷، باب ۴ ما أوصى به رسول الله صلی الله علیه و آله إلى أبي ذر رحمه الله ...

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۱۰، باب فضل الصلاة ...

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۸، ج ۴۲، باب استحباب تحية المسجد و هي ركعتان ...

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۱۳، ج ۱، باب فضل الصلاة ...

۵. همان، ج ۶، ص ۷، ج ۱، باب فضل الصلاة ...

نماز، اولین مورد پرسش در روز قیامت

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: "أَوَّلُ مَا يُنظَرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي صَلَاتِهِ فَإِنْ قُبِلَتْ نُظِرَ فِي غَيْرِهَا وَإِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ يُنظَرْ فِي عَمَلِهِ بَشْيءٍ"^۱
پیامبر ﷺ فرمودند: در روز قیامت، ابتدا به نماز بنده نگاه می‌کنند اگر نمازش مقبول افتاد آن وقت به سایر اعمال او هم نگاه می‌شود و اگر نمازش مردود شد، دیگر به هیچ‌یک از اعمالش توجه نمی‌شود.
مثل اینکه دکتری به مریض می‌گوید: از این نسخه اگر فلان دوا را نخوری، مصرف بقیه دواها بی‌فایده است. یا معلم به دانش‌آموز می‌گوید: اگر به فلان سؤال [که برای معلم پاسخ دادن به آن بسیار مهم است] جواب ندهی، ورقه‌ات را تصحیح نمی‌کنم یا به کسی گفته می‌شود: از این کتاب اگر فلان صفحه را نخوانی، گویی اصلاً کتاب را نخوانده‌ای.

در واقع نماز بهترین نتیجه و محصول کارخانه زندگی و بندگی انسان است که کیفیت مطلوب آن از سلامت همه دستگاه‌ها و عرصه‌ها حکایت دارد. بر عکس آن نیز صادق است؛ یعنی ناقص و مخدوش بودن نماز نشان‌دهنده بیمار و مشکل‌دار بودن سایر اعمال فرد است.

د) دوری از شراب و قمار و دیگر عوامل غلفت‌آور از یاد خدا

خداوند متعال انسان‌ها از کارهایی مانند شراب‌خواری و قماربازی و... منع کرده است، چون چنین کارهایی علاوه بر این روابط دوستانه مؤمنان را به هم می‌زند، سبب دوری از یاد خدا نیز می‌شود.
"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟"^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید، تا رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی‌دارید؟

و) دوری از کسانی که نماز را به سخره می‌گیرند؛

خداوند متعال مسلمانان را از ارتباط دوستانه با اهل کتاب و کفار به دلیل این که دین و نماز را به بازی و سخره می‌گیرند، باز داشته است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ؛^۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید، تا رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی‌دارید؟

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۲۷، باب فضل الصلاة و عقاب تارکها ...

۲. مائده: ۹۰ و ۹۱.

۳. مائده: ۵۷ و ۵۸.

توجه به ابعاد و ویژگی‌های نماز

الف) خداوند متعال نماز را در بهترین اوقات شبانه‌روز قرار داده است.

... قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: "وَ ارْقَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَىٰ عِبَادِهِ يُجِيبُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ وَ يُبْئِيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ وَ يُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَ يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ"؛^۱ امام علی عليه السلام فرمود: در وقت نماز دست به دعا بردارید که بهترین زمان [همان] است؛ [چرا که] خدا در آن وقت نظر لطف به بندگان خود دارد؛ به مناجات آنها پاسخ می‌دهد و فریاد آنها را لبیک می‌گوید و درخواست آنها را برآورده می‌سازد و دعای آنها را مستجاب می‌کند.

ب) برای نماز، مکانی ویژه و بافضیلت مخصوص در نظر گرفته شده است.

و روى أَنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا أَنَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَىٰ لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الرَّائِرِ أَلَا بَشَرِ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

روایت شده که در تورات چنین آمده است: [که خداوند تعالی فرمود] بی‌شک خانه‌های من در روی زمین، همان مساجد است. خوشا به حال آن بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد و مرا در خانه ملاقات کند. آگاه باشید که احترام میهمان بر صاحب‌خانه لازم و واجب است. به آنانی که کارشان این است که در تاریکی‌های شب به سوی مساجد حرکت می‌کنند مژده بده که در روز رستاخیز با نوری درخشان وارد محشر خواهند شد.^۲

ج) برای نماز جهت ویژه قرار داده شده است.

د) کعبه معظمه از مقدس‌ترین مکان‌های روی زمین است.

ه) مجموعه نماز از بهترین‌ها شکل گرفته است.

با تأمل در اجزاء نماز می‌بینیم که مجموعه‌ای از بهترین عبادت‌هاست؛ کارهایی مانند قرائت قرآن، ذکر، دعا استغفار، صلوات، شکر... که هر کدام خود به تنهایی عبادتی بزرگ و بافضیلت است، همه یک‌جا در نماز گرد هم آمده‌اند. به قول معروف هر چه خوبان همه دارند نماز آنها را یک‌جا دارد. علاوه بر وجود افعالی بسیار زیبا که هر کدام دارای معانی والا و اسرار بزرگی است؛ کارهایی مانند قیام، رکوع و سجود و...

■ چه کنیم نماز برای ما سنگین نباشد؟

اینکه احیانا نماز خواندن برای ما سخت و سنگین است، برای آن است که هنوز به این درک و بینش نرسیده‌ایم که چقدر به نماز نیاز داریم و اگر نماز نبود چه چیزهایی را از دست می‌دادیم. در واقع باید گفت نیاز ما به نماز بسیار بیشتر و مهم‌تر از نیازمان به آب و غذا و حتی اکسیژن است؛ زیرا اینها برای حیات جسم ضروری هستند؛ اما نماز برای حیات روح ضروری است. آنها تنها به درد زندگی چند روزه دنیا می‌خورند ولی نماز برای تأمین سعادت ما در زندگی ابدی آن جهان است که خانه حقیقی ماست.

۱. شیخ صدوق، امالی، ص ۹۴، المجلس العشرون.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۸۱، ص ۱۰، باب استحباب الطهارة لدخول المساجد ...

در نتیجه برای اینکه به درکی واقعی از اهمیت نماز برسیم باید ایمانمان را به معاد تقویت کنیم؛ در این صورت نه تنها نماز بر ما دشوار و سنگین نخواهد بود، بلکه مثل هوای تازه‌ای است که در زندگی مادی و نفس‌گیر مادی ما در این دنیا به ما نشاط و شادابی معنوی می‌دهد و ما را پله پله به خدا نزدیک‌تر می‌کند.

خداوند تعالی نیز در قرآن می‌فرماید: "وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ؛ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقُوا رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ"؛ و از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است. (خاشعان) کسانی هستند که به (قیامت و) ملاقات (با حساب) پروردگارشان و بازگشت به او ایمان دارند.^۱ همان‌طور که می‌بینید نماز تنها بر یک گروه سنگین نیست و آنها خاشعان هستند؛ کسانی که به قیامت اعتقاد دارند. پس در یک جمله راه درمان، تقویت اعتقاد به معاد است که با مطالعه در آیات و روایات و تفکر در هدف آفرینش و صفات عدالت و حکمت خداوند به‌دست می‌آید.

■ چه اولین‌هایی در نماز وجود دارد؟

در جواب شما به چند مورد از این اولین‌ها اشاره می‌کنیم:

کعبه اولین بنا در زمین

قرآن می‌فرماید: "إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ"^۲ همانا اولین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم مقرر شد، همان است که در سرزمین مکه است که مایه برکت و هدایت جهانیان است.

نماز اولین دستور به حضرت موسی عليه السلام

خداوند تعالی پس از بعثت حضرت موسی عليه السلام به او فرمود: "وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي"^۳ و من تو را (به پیامبری) برگزیده‌ام، پس به آنچه وحی می‌شود گوش فراده، همانا منم الله، جز من خدایی نیست، پس مرا بندگی کن و نماز را به‌پادار تا به یاد من باشی. پس از استقرار حضرت موسی عليه السلام در مصر خداوند به آن حضرت وحی کرد که در مصر ساکن شوید و خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز را به‌پادارید.^۴

نماز اولین واجب در اسلام

پیامبر فرمود: "اولین چیزی که خداوند بر امت من واجب نمود نمازهای پنج‌گانه بود."^۵ ابن شهر آشوب می‌نویسد: در مدتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه بود، هیچ عبادتی تشریح نشد مگر طهارت و نماز که بر او واجب، و برای امت، سنت (مستحب مؤکد) بود. پس از معراج و در سال نهم بعثت

۱. بقره: ۴۵ و ۴۶.

۲. آل عمران: ۹۶.

۳. طه: ۱۳ و ۱۴.

۴. و أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ الْقَوْمَكُمَا مِصْرَ بَيْتًا وَاَجْعَلُوا بَيْتَكُمْ قِبْلَةً وَاَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (يونس: ۸۷).

۵. عن النبي صلی الله علیه و آله: "أول ما افترض الله على امتي الصلوات الخمس" (متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۶)؛ قال صلی الله علیه و آله: "إن أول ما فرض الله تعالى الصلاة..." (جامع

الآخبار، ص ۷۳).

نمازهای پنج‌گانه واجب شد.^۱

نماز اولین واجب در فروع دین

امام باقر علیه السلام فرمودند: "اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، حج، روزه، ولایت و بعد از ولایت که کلید قبولی بقیه است، مهم‌ترین فرع، نماز است."^۲

نماز اولین عملی که فرد تازه مسلمان لازم است بیاموزد

تازه مسلمان باید برای یادگیری مسائل اسلام همت کند و اولین چیزی که لازم است یاد بگیرد نماز است و این آموزش نماز به تازه مسلمان در سیره پیامبر نیز بوده است.^۳

نماز از اولین نشانه‌های تقوا

خداوند تعالی در قرآن کریم، از بین نشانه‌های متعدد تقوا، بیش از همه بر نماز تأکید کرده است.^۴

نماز اولین نشانه مؤمنان

قرآن کریم هنگامی که می‌خواهد شاخصه‌های مؤمنان را بر شمارد، اول از همه روی خشوع در نماز انگشت می‌گذارد.^۵

برپاداشتن نماز اولین شاخصه حکومت صالحان

اولین عمل در حکومت حضرت ولی عصر که تنها حکومتی است که عدل فراگیر را در جهان برقرار می‌کند اقامه نماز است.^۶ لذا مهم‌ترین راه تشخیص حکومت اسلامی از غیر آن بعد از پابندی به اصول پنج‌گانه دین نگاه به اولویت نماز در آن حکومت است.

ساختن مسجد و برپاداشتن از اولین کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت؛

– پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت از مکه بلافاصله وارد مدینه نشدند، بلکه ابتدا در منطقه‌ای نزدیک مدینه توقف کردند تا پسر عمویشان، علی علیه السلام و همراهانشان به او بپیوندند و در این مدت مسجد قبا را بنا کردند.

– در همان اولین روز ورود به مدینه نماز جمعه را خواندند.

– پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از خواندن نماز در مدینه شروع کردند به ساختن مسجد مدینه.

۱. "لم یشرع منها مدة مقامه بمكة إلا الطهارة و الصلاة" (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج ۱، ص ۴۳)

۲. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: "بَنِيَ الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ فَقَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ ... (كليني، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸).

۳. "كان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا أسلم الرجل أول ما يعلمه الصلاة" (متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹).

۴. "ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ" (بقره: ۲ و ۳).

۵. "قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ" (المؤمنون: ۱ و ۲).

۶. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ: "الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ - أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ" وَ هَذِهِ الْآيَةُ لِأَنَّ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله إِلَى آخِرِ الْآيَةِ - وَ الْمُهْدِيُّ وَ أَصْحَابُهُ" (تفسير القمي، ج ۲، ص ۸۷).

نماز اولین چیزی که در قیامت از آن پرسیده می‌شود

بر اساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام در روز قیامت از بین تمام فروع دین، اولین عملی که مورد پرسش و محاسبه قرار می‌گیرد، نماز است اگر نماز قبول شود سایر اعمال نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد.^۱

ترک نماز اولین عامل جهنمی شدن جهنمیان

بر اساس قرآن کریم، یکی از سؤالاتی که اهل بهشت از اهل جهنم می‌پرسند این است که چرا شما جهنمی شدید؟ آنها در پاسخ چهار عامل را ذکر می‌کنند، اولین مورد این است که ما از نماز گزاران نبودیم.^۲

نماز اولین عملی که از انسان بالا می‌رود

به فرموده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اولین عملی که از مسلمانان به آسمان برده می‌شود، نماز است.^۳

■ آیا واقعا نماز این قدر که می‌گویند، اهمیت دارد؟

در پاسخ باید گفت نماز بسیار بیشتر از چیزی که ما فکر می‌کنیم و تا الان شنیده‌ایم در اسلام اهمیت دارد. در حقیقت با نگاهی به آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌فهمیم که نماز در بسیاری از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی مادی و معنوی انسان‌ها، نقش محوری و اساسی دارد که اکنون به بعضی از موارد آن اشاره می‌کنیم.

محوریت در ایمان به قرآن و معاد

در کلام خدا مراقبت از نمازهای خود، یکی از شاخصه‌های ایماد به قرآن و معاد معرفی شده است؛^۴ یعنی مراقبت فرد نسبت به نماز و اوقات و بهبود انجام آن، نشانگر عمیق‌تر بودن ایمان او به معارف قرآن و نیز اصل معاد است.

محوریت در شناخت متقین

در قرآن کریم برای پرهیزکاران نشانه‌های فراوانی بیان شده که از مهم‌ترین آنها برپاداشتن است.^۵

محوریت در فروع دین

امام صادق علیه‌السلام فرمود: "حضرت لقمان فرزندش را از روزه‌ای که او را از نماز باز می‌دارد نهی کرده

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: "... أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ الْعَبْدُ إِذَا وَفَّ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى عَنِ الصَّلَاةِ فَإِنْ زَكَتْ صَلَاتُهُ زَكَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِنْ لَمْ تَزَكْ صَلَاتُهُ لَمْ يَزَكْ عَمَلُهُ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۰).

۲. "فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ * وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَ كُنَّا نُكَدِّبُ يَوْمَ الدِّينِ" (المدثر: ۴۰-۴۶).

۳. عن النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: "أول ما يرفع من أعمالهم الصلوات الخمس" (متقی هندی، كنز العمال، ج ۷، ص ۲).

۴. "وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ" (انعام: ۹۲).

۵. "الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ" (بقره: ۳).

است!"^۱

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود: "بعد از مسئله ولایت ما اهل بیت علیهم السلام هیچ چیزی مهم‌تر از نماز نیست؛ زیرا آن ستون دین است!"^۲

محوریت در تبلیغ دین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که معاذ را به نمایندگی برای تبلیغ اسلام به یمن می‌فرستد به او دستور می‌دهد که همه معارف اسلام را بیان کند، ولی بیشترین همتش بر نماز باشد.^۳

محوریت در برنامه‌های حکومت دینی

قرآن کریم مهم‌ترین شاخصه حکومت صالحان را برپاداشتن نماز معرفی می‌نماید.^۴ حضرت علی علیه السلام زمانی که مالک اشتر را حاکم مصر کرد در نامه‌ای به وی، او را به اهمیت دادن به نماز و به‌جا آوردن آن در اول وقت سفارش کرد.^۵

محوریت در روابط اجتماعی

قرآن کریم ما را از دوستی با اهل کتاب مثل یهود و مسیحیانی که دین ما و از جمله نماز را مسخره می‌کنند بر حذر می‌دارد.^۶

محوریت در هجرت

حضرت ابراهیم علیه السلام علت هجرت خود از فلسطین به مکه مکرمه را، اقامه نماز معرفی می‌نماید.^۷

محوریت در قضاوت درباره افراد

هارون بن خارجه نزد امام صادق علیه السلام از اخلاق یکی از اصحاب آن حضرت ستایش کرد حضرت فرمودند: "نماز او چگونه است؟" [کنایه از اینکه آیا به نمازش هم اهمیت لازم را می‌دهد یا خیر].^۸

۱. عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ يَذْكُرُ فِيهِ صِفَاتِ لُقْمَانَ وَ وَ صَاتِيَاهُ لِابْنِهِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ "و صُمْ صَوْمًا يَقْطَعُ شَهْوَتَكَ وَ لَاتَصُمْ صَوْمًا يَمْتَعَكَ مِنَ الصَّلَاةِ فَإِنَّ الصَّلَاةَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الصِّيَامِ ..." (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳).

۲. عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: "بَنِي الْإِسْلَامِ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الرِّكَاءِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَأَيُّ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُهُنَّ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ قَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ" (أحمد بن محمد بن خالد برقي، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶).

۳. "... وَ أَظْهَرَ أَمْرَ الْإِسْلَامِ كُلَّهُ صَغِيرُهُ وَ كَبِيرُهُ وَ لِيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ" (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۶).

۴. "الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ" (حج: ۴۱).

۵. "صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قُفِّيَتْ لَهَا وَ لَا تُعْجَلْ وَ قَتْنَهَا لِفِرَاعٍ وَ لَا تُؤَخَّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاسْتِعْجَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِمَصْلَحَتِكَ" (نهج البلاغة، ص ۳۸۵).

۶. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَ لِعِبَاءٍ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارِ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ" (المائدة: ۵۷)؛ "وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوعًا وَ لِعِبَاءٍ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ" (مائدة: ۵۸).

۷. "رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ عَيْرٍ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ" (إبراهيم: ۳۷).

۸. هَارُونُ بْنُ خَارِجَةَ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَاحْسَنَتْ عَلَيْهِ الشَّيْءَ فَقَالَ لِي: "كَيْفَ صَلَاتُهُ؟" (كليني، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۸۷).

محوریت در شیعه بودن

امام صادق علیه السلام فرمودند: "اگر می‌خواهید شیعیان ما را بشناسید آنها را در سه جا امتحان کنید: اول موقع نماز ببینید چقدر بر نماز محافظت می‌کنند و...".^۱

محوریت در مسافرت

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: "انسان مؤمن به سفری که دین و نماز او در معرض خطر قرار می‌گیرد، نباید برود".^۲

■ وقتی خدا به نماز ما احتیاجی ندارد، چرا باید خودمان را این قدر به زحمت بیندازیم؟

البته خداوند نیازی به عبادت ما ندارد، ولی آیا عبادت فایده‌ای برای ما ندارد؟ در واقع خداوند تبارک و تعالی که بهتر از هر کس دیگری به کمال و سعادت ما آگاهی دارد و بیشتر از هر کس دیگری به آن علاقه‌مند و بهتر از خود ما، ما را می‌شناسد، می‌داند که رشد و کمال و سعادت ما در گرو عبادت اوست؛ برای همین ما را به عبادت فرمان داده است. در ادامه بعضی از فواید و حکمت‌های واجب شدن عبادت را بیان می‌کنیم:

■ یاد خدا

در حقیقت بزرگ‌ترین خطر برای انسان فراموش کردن خدا و هدف از آفرینش و نیز مقصدی است که در پیش رو دارد و هیچ عبادتی مانند نماز نمی‌تواند انسان را در برابر این خطر حفظ کند. ما با خواندن نماز هر روز چند بار چیزهایی را که هرگز نباید فراموش کنیم به خود یادآور می‌شویم.

در حقیقت روح و هدف نماز، یاد خداست. خدای تعالی به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد که "اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي".^۳ می‌دانیم که یاد خدا خود زمینه تفکر و پس از آن، عمل است. چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که در تفسیر عبارت قرآنی "وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ"^۴ فرمود: "مقصود یاد خدا در هنگام روبه‌رو شدن با حلال و حرام خداست".^۵

به این معنا که وقتی به کار حلالی رسیدیم بدانیم که از خدا و پرتویی از لطف و احسان اوست و وقتی به کار حرامی رسیدیم، بدانیم که خط قرمز خداست و باید از آن دوری کنیم.

■ از بین برنده و ویروس گناه

نماز هم جنبه پیشگیری از آلودگی انسان‌ها به ویروس‌های گناه دارد و هم در صورت آلوده شدن انسان‌ها، جنبه درمانی دارد. به بیان دیگر نماز هم نهال تقوی را در انسان آبیاری می‌کند و به این وسیله دیواری بلند بین او و گناهان می‌کشد و هم وسیله شست‌وشوی انسان‌ها از گناهان و سبب نزول مغفرت

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: «امْتَحِنُوا شِعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتَهُمْ عَلَيْهَا، وَ إِلَى أَسْرَارِنَا كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عَنْ عَدُوِّنَا، وَ إِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَاسَاتَتِهِمْ لِإِخْوَانِهِمْ فِيهَا» (قرب الإسناد (ط - الحديث)، متن، ص ۷۸).

۲. عن علي: «أَلَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَ صَلَاتِهِ» (شيخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۲۳۰).

۳. طه: ۱۴.

۴. عنكبوت: ۴۵.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۰.

و آمرزش الهی است؛ چرا که نماز، انسان را به توبه و اصلاح گذشته و بازبینی در رفتار دعوت می‌کند. در حدیثی گهربار پیامبر ﷺ از یاران خود پرسید: "اگر بر در خانه یکی از شما نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز، پنج بار خود را در آن شست‌وشو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت بر بدن او می‌ماند؟" عرض کردند: خیر! فرمود: "نماز درست همانند آن آب جاری است، هر زمان که انسان نمازی می‌خواند گناهایی که در میان دو نماز انجام شده است از بین می‌برد".^۱

پاک‌کننده انسان از تکبر

نماز خودبینی و تکبر را درهم می‌شکند؛ چون انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار در برابر خدا پیشانی بر خاک می‌گذارد و خود را ذره‌ای در مقابل عظمت او می‌بیند و آگاهانه، به حقارت و ناچیزی خود اعتراف می‌کند؛ از این رو حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: "فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِّ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهًا عَنِ الْكِبْرِ"؛ خداوند ایمان را برای پاک‌سازی انسان‌ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاک‌سازی از تکبر.^۲

همچنین نماز نقش مؤثری در دورشدن انسان از دیگر رذایل اخلاقی مانند حرص و آز و ناشکیبایی دارد. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: "انسان حریص و ناشکیبا آفریده شده و هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او رسد مانع از دیگران می‌شود، مگر نمازگزاران؛ آنان که نمازها را پیوسته به جا می‌آورند".^۳

نردبان بالابرنده انسان

نماز وسیله پرورش فضائل اخلاق و تکامل معنوی انسان است؛ چرا که انسان را از چهار دیواری تنگ دنیای مادی بیرون می‌برد و به ملکوت آسمان‌ها دعوت می‌کند. تکرار این عمل در شبانه‌روز، آن هم با تکیه بر صفات، رحمانیت، رحیمیت و عظمت خدا و با کمک گرفتن از سوره‌های مختلف قرآن، اثر فراوانی در پرورش فضائل اخلاقی انسان دارد. بدین جهت، امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره فلسفه نماز فرمودند: "الصلاة قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ"؛ نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری به خداست.^۴

دعوت‌کننده به پاکی همه‌جانبه

سراسر نماز دعوت به پاکی در جنبه‌های گوناگون زندگی است؛ زیرا مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، آبی که با آن وضو می‌گیرد یا غسل می‌کند و غیره باید از هرگونه غصب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد. با توجه به این شرایط، کسی که آلوده به ظلم، ربا، غصب، کم‌فروشی، رشوه‌خواری و کسب از راه حرام باشد، چگونه می‌تواند مقدمات نماز را فراهم سازد؟ بنابراین تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه‌روز، خود

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷ (باب ۲ از ابواب اعداد الفرائض، ح ۳).

۲. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۳. معارج: ۱۹ - ۲۴.

۴. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶.

دعوتی است به رعایت حقوق دیگران و پاک کردن زندگی از هر آنچه ناپسند خدای متعال است.

تمرین نظم

نماز نظم و مهارت مدیریت زمان را در انسان تقویت می‌کند؛ چرا که باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن، موجب از دست رفتن آن می‌شود.

شرط قبولی عبادات

نماز از سویی به سایر اعمال انسان ارزش و اعتبار می‌دهد و از سوی دیگر بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان پرورش می‌دهد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصیت‌های خود در آخرین دقیقه‌های آخر عمر شریفشان فرمود: "اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ؛ خدا را خدا را درباره نماز در نظر داشته باشید، چرا که نماز ستون دین شماست."^۱

مثل روز روشن است که وقتی ستون خیمه بشکند یا سقوط کند، هر قدر طناب‌ها و میخ‌های اطراف محکم باشد، اثری در پایداری خیمه ندارد. همچنین هنگامی که ارتباط بندگان با خدا از طریق نماز از میان برود، سایر اعمال، اثر خود را از دست خواهند داد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: "أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قِيلَتْ قِيلَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ؛ نخستین چیزی که در قیامت از بندگان حساب می‌شود نماز است، اگر پذیرفته شد، سایر اعمالشان پذیرفته می‌شود و اگر رد شد، سایر اعمال نیز رد می‌شود."^۲

شاید علت این مسئله آن باشد که نماز، رمز ارتباط خلق و خالق است که اگر به طور صحیح انجام گردد، قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سایر اعمال است، در او زنده می‌شود و گرنه بقیه اعمال او ناخالص و بی‌اعتبار می‌شود.

نکته: تمام فوایدی که یاد کردیم تنها بخشی از آثار و برکات نماز است؛ تازه آن هم نمازی که شخص به طور فردی بخواند؛ حال اگر پاداش‌ها و آثار فراوان نمازهای جماعت را نیز به اینها اضافه کنیم خواهیم دید که خداوند با واجب کردن نماز چه لطف عظیمی در حق ما کرده است و ما چقدر به نماز نیازمندیم. گفتار خود را با حدیثی نورانی و جامع از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به پایان می‌بریم. آن حضرت در پاسخ نامه‌ای که آن حضرت درباره فلسفه نماز پرسیده بودند، فرمود: "علت تشریح نماز، توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار و مبارزه با شرک و بت‌پرستی و قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع و تواضع و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی و نهادن پیشانی بر زمین، در هر روز، برای تعظیم او است."^۳

■ نمی‌شود طور دیگری نماز بخوانیم؟

اولین نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه کرد این است: نمازی که خدا بر ما واجب کرده همین است

۱. همان، نامه ۴۷.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۹.

۳. حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۸ و ۹.

که در کتاب و سنت آمده با همین تکبیره الاحرام و قیام و قرائت و ذکر و رکوع و سجود و... اگر کسی دلش بخواهد طور دیگری بخواند، دیگر آن نمازی که نردبان مؤمن به آسمان است، نیست، یک چیز دیگر است.

نکته دوم اینکه آری راه‌های زیادی برای تشکر از خداوند وجود دارد که یکی از آنها نماز است. البته نماز تنها برای تشکر از خدا واجب نشده بلکه حکمت‌ها و فواید دیگری هم دارد. نکته حیاتی در اینجا این است که هیچ کدام از راه‌های دیگر تشکر از خدا، جای نماز را نمی‌گیرد. از طرفی آدم هم می‌تواند نمازش را آن طور که خدا خواسته بخواند و هم به روش‌های دیگر از خدا تشکر کند. هر چیز به جای خویش نیکوست؛ علاوه بر این که نماز در بین شکل‌های مختلف تشکر از خدا برجستگی خاصی دارد، نماز عبادتی جامع است؛ هم زبان انسان در آن مشغول است، هم ذهن او، هم قلب او و هم اعضا و جوارح او و همین باعث می‌شود دارای تنوع باشد و برای نمازگزار نشاط‌آور. هر بخش نماز دارای اسرار و حکمت‌هایی است که بسیاری از آنها در سایر شکل‌های تشکر از خدا وجود ندارد.

از زاویه‌ای دیگر، عاشق همیشه دنبال این است که معشوق از چه چیزی خوشش می‌آید، که او هم دقیقاً همان کار را انجام بدهد. مؤمن عاشق خدا وقتی می‌بیند خدا دوست دارد هر روز آن هم پنج بار این شکل خاص از عبادت که نماز نام دارد، عبادت شود، همان‌طور رفتار می‌کند که او می‌خواهد.

از نظر اجتماعی نیز روشن است که انجام نماز به این شکل خاص نوعی هماهنگی و وحدت در بین پیروان اسلام ایجاد می‌کند که همین همسانی و یگانگی آثار مثبت زیادی از نظر فردی و اجتماعی دارد. اگر قرار بود هر کس هرطور که خودش دوست دارد خدا را عبادت کند این یکپارچگی و مشابهت بین مسلمانان پدید نمی‌آمد.

نکته پایانی اینکه اگر نماز و بعضی دیگر از عبادات (مثل روزه، حج و...) شکل مشخصی نداشتند و هر کس بنا به سلیقه خودش عمل می‌کرد الان ما شاهد رفتارهای عجیب و غریبی بودیم که افراد اسمش را می‌گذاشتند عبادت. به عبارت دیگر باعث می‌شد بدعت‌هایی در دین به وجود آید که با آنچه که خدا از انسان‌ها خواسته مخالف باشد و مردم به تدریج از اهداف اصلی دین منحرف شوند و به بیراهه‌ها بروند.

■ چرا حتماً باید نماز را به عربی خواند؟

پیش از هر چیز لازم است به این نکته توجه داشته باشید که تنها نماز و لبیک در حج است که باید به عربی بیان شود وگرنه هیچ تکلیف واجب دیگری نیازمند قرائت عربی نیست. اما خواندن نماز به صورت عربی و با همان کلماتی که پیامبر ﷺ و دیگر مسلمانان صدر اسلام می‌خواندند، دلائل مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

اول: اصل تعبد

به این معنا که شریعت اسلام، دستور به عربی خواندن نماز داده و با توجه به اینکه روح عبادت بر تسلیم و تعبد استوار است، انسانی که می‌خواهد خدا را عبادت نماید، باید کاری را انجام دهد که خواست خداوند است. طبق آیات و روایات و سیره پیامبر ﷺ این واجب و تکلیف دینی، به این شکل واجب شده است و برای انجام فرمان خدا باید آن را به همان شکل انجام داد تا مقصودها و مصلحت‌هایی که خداوند در نظر

دارد و چه بسا ما از آن بی‌خبریم، حاصل گردد.

امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی پس از بیان اینکه معنای اسلام، تسلیم شدن در مقابل پروردگار است و علامت این تسلیم‌بودن در عمل آشکار می‌شود، می‌فرماید: "مؤمن، بنای دین خود را بر اساس رأی و نظر شخصی نمی‌گذارد، بلکه بر آنچه از پروردگارش رسیده بنیان می‌نهد".^۱

دوم: زبان مشترک مسلمانان

اینکه همه مسلمانان از هر نژاد و مملکتی نماز را به یک زبان بخوانند، باعث می‌شود که زبانی مشترک میان همه پیروان اسلام شکل بگیرد و در واقع زمینه وحدت و پیوند بین‌المللی دینی را فراهم کند.

سوم: نبود معادل واژه‌ها

کلماتی را که در نماز به زبان می‌آوریم نمی‌توان به صورت دقیق به زبان دیگری ترجمه کرد. چه بسا برخی از کلمات یا جملات، معانی بسیاری در خود جای داده که با یک یا چند جمله نیز نتوان همه آنها را بیان نمود.^۲

برای مثال از سوره حمد نام می‌بریم، هیچ ترجمه‌ای که بتواند تمام مفاهیم آن را به زبان دیگر بیان کند، نیست. حتی تنها، کلمه "الله"، هیچ معادلی در زبان‌های دیگر ندارد و تنها می‌توان ترجمه آن را در قالب یک جمله بیان کرد. در مثال مذکور، کلمه "خدا" در زبان فارسی، صرفاً، معادل فارسی آن است نه هم‌معنای کلمه "الله".

چهارم: جلوگیری از تحریف

از طرف دیگر، تجربه زندگی انسان‌ها، روشنگر این حقیقت تلخ است که آنجا دست‌های انسانی در کارهای مختلف دخالت کرده است، آن را به صورت‌های مختلف در آورده که گاهی با اصل و حقیقت خود فاصله بسیار دارد. در ادیان امروزی، مفاهیم عبادی چنان مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته که روح عبادت کمرنگ شده و دیگر رغبت چندانی به انجام آن برای پیروانش باقی نمانده است، به همین علت آن ارتباط دائمی و همیشگی که مسلمانان با خدا دارند را، در ادیان دیگر مشاهده نمی‌کنیم.

یادآوری

اگرچه با توجه به دلایلی که اشاره شد، نماز باید به زبان عربی خوانده شود؛ اما این بدان معنی نیست که انسان نتواند به هیچ زبان دیگری با خداوند سخن بگوید. چنانچه در قنوت نماز که قسمت خواستن حاجت‌هاست، به فتوای اکثر مراجع، انسان می‌تواند به فارسی یا هر زبان دیگر سخن بگوید.^۳ همچنین، در خانه خداوند مهربان برای گفت‌وگو و مناجات، هیچ‌گاه به روی بندگان بسته نیست و انسان هر لحظه که اراده نماید، می‌تواند با زبان دلخواه خویش با او به راز و نیاز بپردازد و همان‌گونه که اشاره شد، تنها

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۰۹.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ص ۱۰۲ - ۹۲، با تلخیص، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰ هـ. ش.

۳. توضیح المسائل سیزده مرجع، مسئله ۱۱۳۵.

برخی امور مانند نماز است که بنا بر مصلحت‌ها و فوایدی، باید به زبان عربی خوانده شود.

■ چرا وضع مادی کسانی که اهل نماز و اطاعت از خدا نیستند، بهتر از کسانی است که اهل نماز و اطاعت هستند؟

در پاسخ این پرسش باید با چند نکته توجه کرد:

کلیت نداشتن این وضعیت

اولاً این حالت کلیت ندارد؛ زیرا خیلی از افراد ترک‌کننده نماز فقیرند و از سوی دیگر برخی از اهل نماز ثروتمند هستند؛ پس به صورت کلی نمی‌توان این مطلب را اثبات نمود. مثلاً حضرت سلیمان علیه السلام و حضرت خدیجه کبری علیها السلام از ثروتمندترین افراد در زمان خود بودند و در همان حال اهل عبودیت و نماز هم بوده‌اند.

توجه به سنت‌های الهی

ثانیاً بنا بر سنت امهال و املاء و استدراج که از سنت‌های خداوند می‌باشد و در قرآن کریم به آن اشاره شده است، ترک نماز گاهی موجب فقر می‌شود؛ ولی گاهی نیز چه‌بسا موجب ثروتمند شدن شخص گردد و آن زمانی است که خداوند یکی از سنت‌های خود را (که در ادامه خواهد آمد) درباره آن شخص اجرا کند. داشتن نعمت به خودی خود دلیل بر محبوب بودن بنده‌ای، پیش خدا نیست؛ چه‌بسا خداوند کسی را مورد توجه مادی خویش قرار می‌دهد و این فرصت، لغزش و انحطاطی را برای او پیش می‌آورد و چه‌بسا انسان مؤمن و حافظ نمازی که به سختی مبتلا گشته و این فرصتی است تا بیشتر با خدا خلوت کرده و مراتب معنوی و کمالاتی را درک نماید چنان که مولانا می‌گوید:

درد آمد بهتر از دُر گران تا بخوانی تو خدا را در نهان

سنت امهال

خداوند در قرآن می‌فرماید: "وَ دَرْزِي و الْمُكْذِبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ و مَهْلُهُمْ قَلِيلًا"؛^۱ مرا با تکذیب‌کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده!

که از این آیه مشخص می‌شود قرار نیست خداوند نعمت و مادیات را از آنها بگیرد و اگر خداوند نعمت دنیوی را از کافران دریغ کند در این صورت همه کافران برای رسیدن به مادیات دنیا، ایمان می‌آورند، در این صورت چنین ایمانی هیچ ارزشی نداشت؛ چون صرفاً راهی بود برای اینکه آنها ثروتمند بشوند.

قرآن کریم در سوره مبارک زخرف آیه ۷۱ به این سنت اشاره نموده است آنجا که می‌فرماید: "اگر نبود که همه مردم دست از ایمان خود می‌کشیدند و کافر می‌شدند هر آینه به کفار آن قدر ثروت می‌بخشیدیم که خانه‌های خود را از نقره قرار دهند و به آنها طلا می‌دادیم" اشاره به این دارد نعمت‌هایی که خداوند در دنیا به آنها داده است بسیار ناچیز است؛ زیرا خداوند می‌فرماید اگر همه، کافر نمی‌شدند این نعمت‌ها را می‌دادیم.

۱. مزمل: ۱۱.

خداوند در قرآن می‌فرماید: "کسانی که کافر شده‌اند گمان نکنند این فراوانی نعمت به سود آنهاست، ما فراوان به آنها می‌دهیم تا بیشتر در گناه فرو روند و برای آنها در قیامت عذابی دردناک است".^۱

بنابراین سنت خداست که کافران فقط در دنیا به نعمت برسند و از نعمات جاوید آخرت بی‌بهره گردند و خداوند از تارک نماز که به فرموده اهل بیت علیهم‌السلام نوعی کفر در درون اوست، متنفر است لذا گاهی نعمت مادی را به او می‌دهد تا با فرورفتن در گناه از نعمت‌های آخرت محروم گردد.

رابطه ثروت و طغیان

قرآن کریم می‌فرماید: اثر احساس ثروتمندی این است که انسان طغیان می‌کند "إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ" استغنی؛ بی‌گمان آدمی طغیان می‌کند؛ چون خود را بی‌نیاز می‌بیند.^۲

به همین علت اکثر معاندان و متکبران که در مقابل رسولان الهی ایستادگی می‌کردند، انسان‌های ثروتمندی بودند که به سبب تکبری که در درون آنها موج می‌زد، حاضر به اطاعت از خداوند و سجده نمودن در برابر او نبودند. اثر ذاتی چنین ثروتی این است که انسان را به تکبر و دوری از عبادت و نماز و می‌دارد. درباره چنین انسان‌هایی خداوند هم اراده نکرده است به سبب ترک نماز، ثروت دنیوی را از او بگیرد! در مقابل، اکثر فقیران به سبب آنکه اهل خضوع‌اند در برابر خداوند سر به سجده می‌نهند.

توجه به هدف نماز

اصل عبودیت و بندگی برای این قرار داده شده است که انسان به کمال برسد و هدف عبودیت رسیدن به نعمات دنیوی نیست. ممکن است در پرتو عبودیت خداوند، نعمت‌های مادی نیز به انسان برسد؛ ولی این هدف عبادت نیست و تا کسی به معاد، اعتقاد قوی پیدا نکند و نعمت‌های قیامت را با دنیا غیر قابل مقایسه بداند به حقیقت عبودیت و آثار آن پی نخواهد برد.

مال حرام

بسیاری از افرادی که به ثروت فراوان می‌رسند و اهل نماز هم نیستند، از طریق حرام به این ثروت رسیده‌اند؛ زیرا کسی که اهل نماز نیست اعتنایی ندارد به این که مالی که به دست می‌آورد از راه حلال باشد. در مقابل، کسی که اهل نماز است، به سبب آنکه به دنبال کسب حرام نرفته است، چه بسا وضع زندگی مادی او پایین‌تر باشد.

۱. آل عمران: ۱۷۸.

۲. علق: ۶ و ۷.

فصل دوم: چرا اینگونه نماز بخوانیم؟

■ چرا نماز جزء اصول دین به شمار نیامده؛ درحالی که از مهم ترین واجبات و ستون دین است؟ هر مکتبی از دو بخش جهان بینی و ایدئولوژی، تشکیل شده است؛ جهان بینی عبارت است از پاسخ این پرسش که جهان چگونه هست و چگونه نیست؟ ایدئولوژی عبارت است از پاسخ به این پرسش که انسان چگونه باید رفتار کند و چگونه نباید رفتار کند؟ به طور خلاصه جهان بینی مربوط به هست ها و نیست ها و ایدئولوژی مربوط به باید ها و نبایدها است. ریشه ایدئولوژی جهان بینی است؛ برای مثال وقتی کسی به این باور رسید که خدایی هست و قیامتی هست و این جهان بیهوده آفریده نشده است، نتیجه می گیرد که باید او را عبادت کند و نباید او را معصیت کند.

اسلام نیز یک مکتب دارای جهان بینی و ایدئولوژی است. جهان بینی اسلام را اصول دین و ایدئولوژی آن را فروع دین می نامند. از آنجا که نماز مربوط به رفتارهای انسان است مربوط به حوزه ایدئولوژی یا به تعبیر دیگر فروع دین است و این به معنی بی اهمیت یا کم اهمیت بودن نیست؛ بلکه به این معناست که نماز مربوط به حیطة رفتاری انسان است درحالی که اصول دین مربوط به حیطة باورها و اعتقادات انسان است.

چگونه عبادت کنیم و نماز بخوانیم تا از ریا دور باشد؟

ریا عبارت است از اینکه انسان بخواهد با نشان دادن اعمال و کارهای نیک خود به دیگران، در اجتماع اعتبار و منزلت کسب کند. ریا نقطه مقابل اخلاص است.

بعضی از راه های درمان ریا عبارت اند از:

- توجه به خشم و غضب الهی از عمل ریاکارانه؛
- توجه به بی ارزشی پاداش و تشویق مردم در برابر پاداش های عظیم الهی؛
- توجه به خلف وعده ها، ناسپاسی ها و فراموش کاری ها و ناتوانی های مردم در قدردانی؛
- توجه به قدرت خداوند در تسخیر دل ها؛
- توجه به قدرت خداوند در افشای ریاکاری ها؛
- توجه به این که ریا، نابودگر اجر و پاداش اخروی اعمال انسان است و عادت دادن خود به این که اعمال و کارهای نیک خود را در پنهانی انجام دهیم.

گفتنی است در بسیاری از موارد واقعاً انجام کاری به صورت آشکار، ریا نیست؛ بلکه انجام وظیفه است؛ برای مثال شرکت در نماز جماعت، دادن صدقه و غیره؛ ولی شیطان فرد را وسوسه می کند که این کار ریاست تا به این وسیله او را از فیض شرکت در انجام کارهای خیر و عبادات دسته جمعی باز دارد؛ باید

این موارد را شناخت و برای مبارزه با شیطان شائبه ریا را نادیده گرفت و آنها را آشکارا انجام داد. در واقع در برخی از موارد بیان و آشکار کردن عمل نیک نه تنها ریا و مبعوض خداوند نیست، بلکه پسندیده است؛ مثل انجام آشکار اعمال نیک و صالح به قصد تشویق دیگران یا به قصد تبلیغ دین، یا مبارزه با وسوسه‌های شیطان و...^۱

■ چه کار کنیم که کیفیت نمازمان را بالاتر ببریم؟

در پاسخ به چند مورد از مهم‌ترین کارهایی که برای ارتقای نمازمان می‌توانیم انجام دهیم، اشاره می‌کنیم:

یادگرفتن احکام

احکام نماز را بدانیم تا مطمئن شویم نمازمان صحیح است؛ چون نماز باطل مثل زدن رمز اشتباه برای باز شدن یک در رمزدار است.

توجه به آداب ظاهری و باطنی نماز

در ادامه به بعضی از مهم‌ترین آداب ظاهری نماز اشاره می‌کنیم.

■ انتخاب مکان مناسب

انتخاب مکانی پاکیزه، آرام و به دور از چیزهایی که باعث حواس‌پرتی می‌شود. بهترین مکان، مسجد و در کنار سایر مؤمنان نمازگزار است.

■ انتخاب لباس مناسب

در روایات آمده است نماز خواندن با لباس کثیف و سیاه و تنگ، مکروه است و نماز در لباس تمیز و خوشبو و با عبا مستحب معرفی شده است.^۲

پرهیز از حرکتهای زائد در نماز

برای نمونه در بعضی روایات از بازی کردن با بدن و توجه به اطراف، در نماز نهی شده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: "نماز کسی که در حال نماز، به کسی که سمت راست یا چپ اوست از روی عمد نگاه کند، کامل نیست."^۳

■ پرهیز از نماز در حالت کسالت

خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا آنکه بدانید چه می‌گویید."^۴ امام صادق ﷺ فرموده است که منظور از سکر در این آیه "خواب" است. در این صورت معنای آیه این‌گونه می‌شود، در وقت خواب‌آلودگی به نماز نزدیک نشوید.

۱. برای آگاهی بیشتر ر. ک: چهل حدیث امام خمینی ﷺ، بحث ریا.

۲. ر. ک: رساله‌های عملیه، بخش مستحبات و مکروهات لباس نمازگزار.

۳. رَوَى مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: "مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ مُتَعَمِّدًا فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۹).

۴. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ" (نساء: ۴۳).

در حدیث معراج نیز خواب‌آلودگی در وقت نماز، امری نامناسب دانسته شده است: "ای محمد، از سه دسته از بندگانم در شگفتم: دسته اول، بنده‌ای که به نماز می‌ایستد و می‌داند دستان خود را به سمت چه کسی بلند کرده و در برابر چه کسی ایستاده، و در عین حال خواب‌آلوده است".^۱

از سوی دیگر وقتی قرآن کریم درباره نماز منافقان می‌فرماید: "همانا منافقان با خدا مکر و حيله می‌کنند در حالی که خداوند (به کیفر عملشان) با آنان مکر می‌کند و هرگاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند، آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند".^۲

۱. داشتن نظم و برنامه در انجام نماز

انسان منظم هر کاری را سر وقت آن و به بهترین وجه ممکن انجام می‌دهد، لذا موقع نماز هم می‌داند در حال حاضر تنها کارش نماز است؛ ولی انسان نامنظم که کارهایش درهم و برهم است، هیچ کاری را با توجه تمام و به نحو درست انجام نمی‌دهد در نتیجه موقع نماز هم در فکر کارهای نصفه و نیمه دیگر خود است و همین موضوع باعث می‌شود با تمام وجود در اختیار نماز نباشد و ذهنش دائم از این شاخه به آن شاخه بپرد.

در این صورت معنای سخن نورانی رسول خدا ﷺ بهتر درک می‌شود که فرمود: "هنگامی که انسان مشغول نماز می‌شود، شیطان به سراغ او می‌آید و می‌گوید به یاد فلان مطلب باش به یاد فلان مطلب باش و (به حدی حواس انسان را پرت می‌کند) که شخص نمی‌داند بالأخره چند رکعت نماز خوانده است".^۳

۲. انجام نماز در اول وقت

امام صادق علیه السلام فرمودند: "به یقین فضیلت و برتری نماز اول وقت بر آخر وقت، همانند فضیلت آخرت بر دنیا است".^۴

برای درک معنای این روایت و فهم عظمت و اهمیت نماز اول وقت، کافی است انسان دنیا و آخرت را با هم مقایسه کند و برتری آخرت بر دنیا را بشناسد.

در روایتی دیگر آمده است نماز اول وقت سرشار از خشنودی خدا و نماز آخر وقت مشمول عفو خداوند می‌شود و عفو جز در مورد گناه صدق نمی‌کند.^۵

گویي کسی که نماز را آخر وقت می‌خواند، سزاوار سرزنش و مجازات است و این نمازی که خوانده است، تنها موجب بخشودگی‌اش می‌شود. چنین نمازی کجا و نمازی که رضوان پروردگار را به دنبال دارد کجا؟

۱. فی حدیث المعراج: "يَا أَحْمَدُ عَجِبْتُ مِنْ ثَلَاثَةِ عِبِيدٍ عَبْدٌ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ وَهُوَ يَتَلَمَّ إِلَى مَنْ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَقَدَّمَ مَنْ هُوَ وَهُوَ يَتَنَعَسُ..." (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۲).

۲. "إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاوِنَ النَّاسَ وَلا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا" (نساء: ۱۴۲).

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۶.

۴. "إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا" (کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۳۵، ح ۴).

۵. وَ قَالَ □: "أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَ آخِرُهُ عَقُوبَةُ اللَّهِ وَ الْعَقُوبُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ ذَنْبٍ" (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۷).

۳. تلاش برای افزایش حضور قلب

انسان باید بکوشد هر چیزی را که ممکن است توجه کامل او را در نماز از بین ببرد، کنار بگذارد و با تمام وجود وارد نماز شود و تمام فکر و ذکرش متوجه عظمت پروردگار و گفتگو با او باشد.

۴. توجه به معانی و اسرار نماز

همه عبادات و از جمله نماز، دارای اسراری است که در روایات اهل بیت علیهم السلام بیان شده است و بعضی از علما نیز در این باره کتاب‌های سودمندی نوشته‌اند؛ برای مثال درباره فلسفه وضو چنین آمده است: به درستی که وضو مرزی از مرزهای خداست تا خدا بداند چه کسی یا کسانی او را اطاعت می‌کنند و چه کسانی سرپیچی می‌کنند...^۱

فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که امام فرمود: "وضو واجب قرار داده شده است تا شخصی که اطاعت می‌کند از کسی که نافرمانی می‌کند شناخته گردد و همچنین انسان هنگام رویارویی با خداوند منان از تمام آلودگی‌ها و نجاست‌ها پاک گردد و با حالت کسالت و چرت به دیدار دوست نرود و قلب انسان قبل از رکوع و سجده در برابر خداوند تزکیه گردد؛ ولی در نماز میت نیازی به وضو نیست؛ زیرا در آن، رکوع و سجده وجود ندارد و فقط دعای برای میت و ذکر خداست"^۲.

توجه به دعاهای وارد شده هنگام وضو می‌تواند فرد را به فلسفه کارهایی که در هنگام وضو انجام می‌دهد رهنمون کند برای نمونه:

- انسان موقع دیدن آب، می‌گوید: ستایش خدای را که آب را پاک‌کننده قرار داد، و آن را ناپاک نگردانید.^۳ و متوجه این نعمت عظیم و خاصیت پاک و پاکیزه‌کنندگی آن می‌شود.
- موقع گرداندن آب در دهان می‌گوید: خدایا روزی که ملاقاتت می‌کنم دلیل محکم را به من تلقین فرما و زبانم را به ذکر تو گویا کن.^۴ در آن لحظه صحنه قیامت پیش روی او مجسم می‌شود.
- موقع استنشاق (بالا کشیدن آب در بینی)، می‌گوید: خدایا بوی بهشت را بر من حرام مکن و از کسانی قرارم ده که بو و نسیم و عطر آن را ببوید.^۵ و به یاد بهشت می‌افتد.
- موقع شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها، صحنه‌هایی دیگر از قیامت برای او جان می‌گیرد...^۶

۱. "إِنَّمَا الْوُضُوءُ حُدُودٌ مِنَ اللَّهِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ وَمَنْ يَعْصِيهِ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْجِسُهُ شَيْءٌ، إِنَّمَا يَكْفِيهِ مِثْلُ الدَّهْنِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۷۰، ح ۱۴).

۲. عَنِ الْقَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا قَالَ: "إِنَّمَا أَمْرٌ بِالْوُضُوءِ وَبُدِيَّ بِهِ لِأَنَّ يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيْ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُتَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيًّا مِنَ الْأَذْنَانِ وَالنَّجَاسَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَطَرْدِ النُّعَاسِ وَتَرْكِبَةِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيْ الْجَبَّارِ قَالَ وَ إِنَّمَا جَوَزْنَا الصَّلَاةَ عَلَى الْمَيْتِ بِغَيْرِ وُضُوءٍ لِأَنَّهُ لَيْسَ فِيهَا رُكُوعٌ وَلَا سُجُودٌ وَإِنَّمَا يَجِبُ الْوُضُوءُ فِي الصَّلَاةِ الَّتِي فِيهَا رُكُوعٌ وَسُجُودٌ" (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۶۷).

۳. "الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا".

۴. "اللَّهُمَّ تَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْفَاكِ وَأَطْلِقْ لِسَانِي يَذْكُرَاكَ".

۵. "اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَطِيبَهَا".

۶. برای دیدن دعاهای وارد شده برای هنگام وضو گرفتن ر.ک به مفاتیح الجنان.

۵. اهمیت دادن به نماز جماعت

در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام آمده است: "... نماز کسی که از روی بی میلی، نماز جماعت را ترک کند، و از اجتماع مؤمنان بدون علت کناره گیری نماید، پذیرفته نیست."^۱

۶. امام باقر علیه السلام: "نماز جماعت بر نماز فراد بیست و پنج درجه بهشتی فضیلت و برتری دارد."^۲

۷. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "کسی که به قصد شرکت در نماز جماعت به سوی مسجد گام بر می دارد، خداوند متعال در مقابل هر گامی که بر می دارد، هفتاد هزار حسنه به او پاداش می دهد و به همین میزان نیز درجات وی بالا خواهد رفت و اگر در چنین حالی بمیرد، خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را مأمور می کند تا در قبر به دیدار او رفته، وی را بشارت دهند و در تنهایی قبر انیس او باشند و تا روز قیامت برایش طلب آمرزش کنند."^۳

چند نکته درباره نماز جماعت

۱. همسایه مسجد و کسی که صدای اذان را می شنود، باید نسبت به نماز جماعت عنایت بیشتری داشته باشد.
۲. اهتمام به جماعت، در نماز صبح و مغرب و عشا بیشتر مورد توصیه است؛ مستحب مؤکد است.
- امام صادق علیه السلام فرمود: "کسی که نماز صبح و عشا را با جماعت بخواند، در پناه خدای عز و جل قرار می گیرد و هر که به او ظلم کند، گویی به خدا ظلم کرده و هر که او را تحقیر نماید، گویی خدا را تحقیر نموده است."^۴
- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "هر کس نماز مغرب و عشا و صبح را در مسجد با جماعت بخواند، گویا تمام شب را احیا کرده است."^۵
۳. در نماز جماعت، نزدیک به امام ایستادن، در صف اول ایستادن و در سمت راست صفها ایستادن، مورد سفارش اهل بیت علیهم السلام بوده است.
- امام باقر (ع) فرمود: "با فضیلت ترین صفهای جماعت صف اول و در صف اول نیز بهترین جای آن جایی است که به امام جماعت نزدیک تر باشد."^۶
- امام کاظم علیه السلام فرمود: "نماز در صف اول نماز جماعت، مانند جهاد در راه خداوند متعال است."^۱

۱. حَدَّثَنَا عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْمُضَيْلِ قَالَ قُلْنَا لَهُ الصَّلَاةُ فِي جَمَاعَةٍ قَرِيْبَةٌ هِيَ فَقَالَ: "الصَّلَاةُ قَرِيْبَةٌ وَ لَيْسَ الْاجْتِمَاعُ مَمْرُوْضٍ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا وَ لِكَيْتَهَا سُنَّةٌ وَ مَنْ تَرَكَهَا رَغَبَةً عَنْهَا وَ عَنِ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ" (كليني، اصول کافی، ج ۶، ص ۳۲۱).

۲. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ □: قَالَ: "... وَ فَضَّلَ صَلَاةَ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الرَّجُلِ قَدْ أَفْرَدَا (فردا) حَمْسٌ وَ عِشْرُونَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۱ پ).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: "وَ مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ عَلَى ذَلِكَ وَ كَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَعُوْدُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَ يُبَشِّرُونَهُ وَ يُؤَسِّرُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲).

۴. قَالَ الصَّادِقُ □: "مَنْ صَلَّى الْعِدَاةَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا يَظْلِمُ اللَّهَ وَ مَنْ حَقَّرَهُ فَإِنَّمَا يَحَقِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ" (همان، ج ۸، ص ۲۹۵).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: "فَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ صَلَاةَ الْعِدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهَا" (همان، ج ۵، ص ۳۷۸).

۶. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ □: قَالَ: "وَ أَفْضَلُ الصُّفُوفِ أَوْلَاهَا وَ أَفْضَلُ أَوْلَاهَا مَا دَنَا مِنَ الْإِمَامِ" (كليني، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۲).

- پیامبر ﷺ فرمودند: "کسی که بر صف اول و تکبیر اول مداومت نماید و مسلمانی را اذیت نکند، خداوند به او اجری معادل اجری که مؤذن در دنیا و آخرت دریافت می‌کند، عطا خواهد کرد."^۲

- پیامبر ﷺ فرمودند: "فضیلت صف‌های جماعت سمت راست بر سمت چپ همانند فضیلت نماز جماعت است بر نماز فرادی."^۳

۴. در نماز جماعت بهتر است کسانی در صف اول و نزدیک امام بایستند که شایستگی امام جماعت شدن را دارند.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: "کسانی که پشت سر امام قرار می‌گیرند از بزرگان شما باشند، پس اگر امام فراموش کرد و یا از ادامه نماز دور ماند او را کمک کنند."^۴

■ برای رسیدن به نمازی مطلوب، آیا چیزهای دیگری غیر از خود نماز هم هست که باید به آنها توجه کنیم؟

در این زمینه سخنی نورانی از حضرت امام علی علیه السلام در دست هست که خطاب به کمیل می‌فرماید: "ای کمیل! شأن و فضیلت فقط این نیست که نماز بخوانی، روزه بگیری، صدقه بدهی؛ بلکه شأن و فضیلت این است که با قلبی پاک و عملی مورد رضای او و با خشوع کامل به نماز بایستی. بنگر در کجا و روی چه چیز نماز می‌خوانی اگر از راه شایسته و حلال نباشد قبول نخواهد شد."^۵

از این جملات می‌توان فهمید که نماز جسمی دارد و روحی، پوسته‌ای دارد و مغزی و اگر روح نباشد، جسم، مرده و بی‌ارزش است و نباید به پوسته بدون مغز، دل خوش کرد. همان‌طور که امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: "اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَ لُبّاً رَاجِحاً... "؛ بارالها مرا عقل کامل و خردی ممتاز نصیب گردان... .

■ چرا باید قبل از نماز وضو بگیریم؟ آیا اگر پیش از نماز حمام برویم کافی نیست؟

وضو، تیمم و غسل ممکن است ظاهر انسان را هم پاکیزه کند؛ ولی باید توجه داشت هدف از انجام آنها پاکیزگی ظاهر نیست؛ زیرا انسانی که تازه از حمام بیرون آمده نیز باید برای نماز وضو بگیرد یا اگر نیاز به غسل دارد باید غسل کند و شستن بدن بدون نیت غسل و بدون قصد قربت کافی نیست.

در حقیقت باید برای رسیدن به پاکیزگی باطنی از نمادهای ظاهری استفاده کرد. لذا با این اعمال عبادی ظاهر بدن شستشو داده می‌شود تا طهارت باطن ایجاد گردد. در روایتی درباره فلسفه وضو آمده است: وضو واجب شد تا آنکه شخصی که اطاعت می‌کند از کسی که نافرمانی می‌کند، شناخته گردد.

→

۱. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ □: "إِنَّ الصَّلَاةَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۰۵).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "وَمَنْ حَافِظٌ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ وَ التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى لَا يُؤْذِي مُسْلِماً أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطَى الْمُؤَدِّثُونَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۷).

۳. پیامبر ﷺ: "فَضَّلْتُ مَيَّامِينَ الصُّفُوفِ عَلَى مَيَّاسِرِهَا كَفَضَّلْتُ الْجَمَاعَةَ عَلَى صَلَاةِ الْفَرْدِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۳).

۴. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ □ قَالَ: "لَيَكُنَّ الدِّينَ يَلُونَ الْإِمَامَ أُولَى الْأَخْلَامِ مِنْكُمْ وَ التَّهْيِ فَإِنَّ نَسِيَّ الْإِمَامِ أَوْ تَعَايَا قَوْمُهُ" (همان، ج ۶، ص ۳۷۲).

۵. "یا کمیل! لبس الشأن أن تصلى و تصوم و تصدق، الشأن أن تكون الصلوة بقلب نقى و عمل عند الله مرضي و خشوع سوى و انظر فيما تُصلى و على ماتصلى أن لم يكن من وجهه و حله فلا قبول" (حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۴).

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۱۷.

همچنین انسان هنگام رویارویی با خداوند منان از تمام آلودگی‌ها و رذایل اخلاقی پاک گردد و با حالت کسالت و چرت به دیدار دوست نرود و قلب انسان قبل از رکوع و سجده در برابر خداوند تزکیه گردد؛ ولی در نماز میت که رکوع و سجده وجود ندارد و فقط دعای برای میت و ذکر خداست نیازی به وضو نمی‌باشد.^۱

افزون بر این آگاهی از دعاهای وارد شده هنگام وضو هم می‌تواند ما را به فلسفه اجزای وضو رهنمون کند:

بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام انسان موقع دیدن آب، متوجه این نعمت عظیم و پاک‌کنندگی آن می‌شود و به این فکر فرو می‌رود که اگر واقعا خداوند آب را پاک‌کننده قرار نمی‌داد، زندگی انسان فلج می‌گردید.

موقع شستن دست‌ها روحش را از تمام گناهان می‌شوید و درخواست توبه و پاکی از خداوند می‌کند. موقع گرداندن آب در دهان صحنه قیامت را تصور می‌کند و از خداوند درخواست می‌کند که در آن روز زبانش را به یاد خود گویا کند.

موقع استنشاق آب، به یاد بهشت و جهنم می‌افتد و از خداوند می‌خواهد. مبدا بوی بهشت بر او حرام گردد [که لازمه آن دوری نمودن از تمام بوهای حرام در دنیا است؛ هر بویی که شهوت انسان را تحریک می‌نماید].

موقع شستن صورت از خداوند می‌خواهد او را از تمام گناهانی که با چشم و دهان انجام داده است پاک نماید و او را آبرو ببخشد و مقرب درگاه خودش قرار دهد.

با شستن دست راست نشان می‌دهد خداوند را به خاطر بهشت عبادت نمی‌کند و جاودانگی در بهشت و حساب آسان را از خداوند طلب می‌کند.

با شستن دست چپ دست از تمام تمایلات و خواهش‌های نفسانی می‌شوید و درخواست می‌کند که مبدا نامه عملش به این دست داده شود.

با مسح سر از خداوند می‌خواهد تمام افکار شیطانی که در مغز او تاکنون بوده شستشو داده شود و از خداوند می‌خواهد از فرق سر او تا نوک پا او را غرق رحمت نماید.

با مسح پاها صحنه‌های دیگر قیامت را ترسیم می‌کند و از خداوند می‌خواهد او را در دنیا و آخرت در صراط مستقیم ثابت‌قدم نگه دارد.^۲

۱. إِمَّا الْوُضُوءَ حَدَّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ طَبِيعِهِ وَ مِنْ عَيْصِيهِ. عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا □: "قَالَ إِمَّا أَمَرَ بِالْوُضُوءِ وَ بُدِيَ بِهِ لِأَنَّهُ يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيْ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُتَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيًّا مِنَ الْأَدْنَاسِ وَ النَّجَاسَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النَّعَاسِ وَ تَزْكِيَةِ الْمُوَادِّ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيْ الْجَبَّارِ قَالَ وَ إِمَّا جُوزْنَا الصَّلَاةَ عَلَى الْمَيْتِ بِغَيْرِ وُضُوءٍ لِأَنَّهُ لَيْسَ فِيهَا رُكُوعٌ وَ لَا سُجُودٌ وَ إِمَّا يَجِبُ الْوُضُوءُ فِي الصَّلَاةِ الَّتِي فِيهَا رُكُوعٌ وَ سُجُودٌ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶۷).

۲. قَالَ الصَّادِقُ □ بَيْنَمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ - إِذْ قَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ - ائْتِنِي بِإِنَاءٍ مِنْ مَاءٍ أَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ فَأَتَاهُ مُحَمَّدٌ بِالْمَاءِ فَأَكْفَأَ يَدَيْهِ الِئْتِنَى عَلَى يَدِهِ الِئْسْرَى ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهْرًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا - قَالَ ثُمَّ اسْتَنْجَى فَقَالَ - اللَّهُمَّ حَضَنْ فَرْجِي وَ أَعْفُ و اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ حَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ قَالَ ثُمَّ مَضَمَّ فَقَالَ - اللَّهُمَّ لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ أَلْقَاكَ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ ثُمَّ اسْتَنْشَقَ فَقَالَ - اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَسْمُ رِيحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ طِبَّهَا - قَالَ ثُمَّ غَسَلَ وَ جَهَّهُ فَقَالَ - اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَ جْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تَسْوَدْ وَ جْهِي يَوْمَ تَبْيَضُ فِيهِ الْوُجُوهُ ثُمَّ غَسَلَ يَدَهُ الِئْتِنَى فَقَالَ - اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَّةِ بَيْسَارِي وَ حَاسِنِي حَسَابًا يَسِيرًا ثُمَّ غَسَلَ

و سرانجام پس از پایان یافتن وضو، رضوان کامل الهی را از خداوند طلب می‌کند و با قلبی پاک وارد حریم الهی می‌گردد.^۱

■ چرا بعد از جنابت، غسل واجب می‌گردد؟ ارتباط آن با نماز چیست؟

در ابتدا باید بیان نمود علت حقیقی بسیاری از واجبات و حرامها بر ما پوشیده است و خداوند عمداً آن را بیان ننموده است تا مطیع از عاصی شناخته شود؛ چرا که اگر علت واقعی بسیاری از احکام گفته می‌شد، چه بسا برخی مردم با این نیت اینکه آن عمل دستور خداوند است، بدان عمل نمی‌کردند بلکه انگیزه عمل آنها بهره‌مندی از منافع یا دفع ضررهای مادی و معنوی بود و این برای خداوند مهم است که شخص آنقدر در خداشناسی رشد کرده باشد که بدون چون و چرا دستور او را بپذیرد؛ همان‌گونه که پزشک از بیمار خود چنین می‌خواهد.

در مورد وجوب غسل هنگام جنابت نیز حقیقت مطلب همین است؛ با این تفاوت که در بعضی روایات به گوشه‌ای از اسرار آن اشاره گردیده است. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمودند: "هنگام غسل با انگشتان موه‌های سرت را باز کن تا آب به ریشه مو برسد؛ زیرا از پیامبر روایت شده است که در زیر هر مویی جنابتی وجود دارد."^۲

این روایت حاکی از آن است که در حال جنابت تمام بدن انسان دچار آلودگی باطنی جنابت می‌گردد؛ لذا بعد از آن دستور به غسل (شستن) تمام بدن داده شده است. همچنین امام رضا علیه السلام در این باره فرمودند: "علت غسل جنابت، پاکیزگی است تا انسان را از آلودگی‌ای که از آن کار دیده است، تطهیر کند و همه تن او پاک گردد؛ زیرا جنابت، از همه بدن شخص برخاسته و از همین رو، تطهیر همه بدن بر او واجب شده است؛ ولی در مورد ادرار و مدفوع این‌گونه نیست؛ زیرا آنها پیش از جنابت اتفاق می‌افتد و بیرون آمدن آنها بدون شهوت است و خداوند، درباره آنها وضو را کافی دانسته است، در حالی که جنابت بیشتر از لذت‌جویی و لذت‌یابی و واداشتن خود به این کار برای انسان رخ می‌دهد."^۳ امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ زندقی که پرسید: علت غسل جنابت چیست؟ فرمودند: "همانا آمیزش کننده، کاری حلال انجام داده است و کار حلال هم مایه آلودگی نیست. جنابت، همانند حیض است؛ چرا که نطفه، خونی است استحکام نیافته و آمیزش هم امکان‌پذیر نیست، مگر به حرکتی سخت و شهوتی چیره. پس چون به

....→

يَدَهُ الْبُسرَى فَقَالَ - اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِيَسَارِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّي مِنْ مُقَطَّعَاتِ النَّبْرَانِ ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ عَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ ثُمَّ مَسَحَ رِجْلَيْهِ فَقَالَ - اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَرْتَلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يَرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَتَنَطَّرَ إِلَى مُحَمَّدٍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ تَوَضَّأَ مِنِّي وَضُوءِي وَ قَالَ مِثْلَ قَوْلِي خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ كُلِّ قَطْرَةٍ مَلَكًا يُقَدِّسُهُ وَ يُسَبِّحُهُ وَ يُكَبِّرُهُ فَيَكْتُبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ثَوَابَ ذَلِكَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۱).

۱. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: "يَا عَلِيُّ! إِذَا تَوَضَّأْتَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَ تَمَامَ الصَّلَاةِ وَ تَمَامَ رِضْوَانِكَ وَ تَمَامَ مَغْفِرَتِكَ فَهَذَا تَمَامُ الْوُضُوءِ وَ تَمَامَ الصَّلَاةِ وَ تَمَامَ مَغْفِرَتِكَ وَ تَمَامَ رِضْوَانِكَ فَهَذَا زَكَاةُ الْوُضُوءِ" (شعیری، جامع الأخبار، ص ۶۵).

۲. وَ مَبْرُؤُ شَعْرِكَ بِأَنَامِلِكَ عِنْدَ غَسْلِ الْجَنَابَةِ فَإِنَّهُ تَرْوِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: "أَنَّ تَحْتَ كُلِّ شَعْرَةٍ جَنَابَةٌ فَبَلِّغِ الْمَاءَ تَحْتَهَا فِي أَصُولِ الشَّعْرِ كُلِّهَا وَ خَلِّ الْأُذُنَيْكَ بِإِضْبَاعِكَ وَ انْظُرْ أَنْ لَا تُبْقِيَ شَعْرَةً مِنْ رَأْسِكَ وَ لِحْيَتِكَ إِلَّا وَ تَدْخُلُ تَحْتَهَا الْمَاءُ" (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا ﷺ، ص ۸۳).

۳. شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۷۱.

پایان رساند، بدن، نفس می‌کشد و مرد از نفس آن، در خود بویی بد احساس می‌کند. غسل برای همین واجب شده است و البته غسل جنابت، افزون بر این، امانتی است که خداوند به بندگان خویش سپرده است تا از این رهگذر، آنان را بیازماید.^۱

البته این مسئله که جنابت همه بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد در آزمایشات علمی نیز به اثبات رسیده است؛ لذا برخی از پزشکان در مورد فواید بهداشتی طهارت به‌ویژه بعد از مقاربت به موارد زیر اشاره نموده‌اند:

(الف) نشاط بخشیدن به بدن و ورزیده شدن آن از طریق تحریک پایانه‌های عصبی موجود در پوست.
(ب) کاهش حبس شدن و جمع شدن خون در پوست و دستگاه تناسلی و دفع خون‌های جمع شده در این قسمت‌ها به سایر قسمت‌های بدن به‌ویژه قلب و مغز.

(ج) غسل، فعالیت عضلانی است که موجب نشاط قلب و حسن جریان خون در بدن و ورزش عضلات ارادی بدن است.

(د) غسل، سلامتی پوست را تأمین می‌کند تا بهتر به وظایف گوناگون خود که از مهم‌ترین آنها، انتقال احساسات و تنظیم دمای بدن و حفظ سلامتی بدن است، عمل کند.

(ه) زدودن سلول‌های مرده، مواد چربی زائد و گرد و غبار و سایر آلودگی‌ها از پوست.^۲

اما علت غسل هنگام نماز:

(الف) انسان هنگام نماز قرار است به دیدار خالق یکتا و آفریننده پاکی برود و از او طهارت روح را طلب کند، حال چگونه می‌تواند با جسمی آلوده به زیارت دوست برود و با چه رویی از خداوند درخواست طهارت و رشد روح خود را بنماید.

(ب) باید بدانیم که احکام الهی تابع ضرر و نفع نیست؛ بلکه بر اساس مصلحت و مفسده‌ای است که خداوند حکیم آن را تشخیص می‌دهد. لذا اگر غسل هیچ اثر بهداشتی هم نداشته باشد، باز وجود مصلحت الهی در آن برای وجوب آن هنگام نماز کافی است و خداوند این‌گونه پاکی را قبل از نماز به مصلحت دیده است.

(ج) غسل جنابت برای انجام عباداتی همچون نماز و طواف و خواندن سوره‌های واجب قرآن واجب است و به‌خودی خود واجب نمی‌باشد تا بگوییم خداوند فقط برای درک این آثار بهداشتی آن را واجب نموده است.

(د) برخی از این آثار بهداشتی که از شستشوی بدن حاصل می‌شود، با شستشوی ساده بدن (بدون نیت و شرایط دیگر غسل همانند رعایت ترتیب و...) نیز حاصل می‌شود. پس معلوم می‌شود که این آثار هدف اصلی شارع مقدس اسلام نبوده است؛ بلکه هدف تحصیل طهارت باطنی قبل از نماز و... می‌باشد که با شرایط خاص به‌دست می‌آید.

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۲۲۳.

۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن کریم، ج ۲، ص ۳۵۷ - ۳۶۱.

■ به فرموده قرآن، هر طرف رو کنیم خدا آنجاست؛ پس چرا حتما باید رو به قبله نماز بخوانیم؟ اولین نکته‌ای که در پاسخ این پرسش باید به آن توجه داشت، این است که لازم نیست انسان همه نمازها را به سمت قبله بخواند و فقط در نمازهای واجب، رو به قبله بودن لازم است و گرنه نمازهای مستحبی را به هر سمتی می‌توان خواند.

از اینکه خدا همه‌جا هست و به هر طرف که رو کنی سوی اوست، نمی‌توان نتیجه گرفت که پس به هر طرف می‌توان نماز خواند. در همه‌جا بودن خداوند یک چیز است و جهت نماز چیز دیگر. هر چند خدا همه زبان‌ها را می‌داند؛ ولی باید نماز را به زبان عربی خواند و یا اینکه خدا موجودی زمانی نیست؛ ولی نماز باید در زمان خاص خودش خوانده شود.

در واقع حق تعالی به علت‌ها و حکمت‌های گوناگون، دستور داده است که به طرف قبله واحد، به زبان واحد و با شرایط مشترک دیگری نماز گزارده شود و این دستور، علاوه بر پیشرفت و پیشبرد علم و دانش بشری، مایه وحدت و هماهنگی بین مسلمانان نیز هست و تأثیرها و آموزش‌های فرهنگی دیگری نیز به دنبال دارد. از طرف دیگر، در هر یک از این دستورها، اسرار عرفانی شگرفی نهفته است که در جای خود بازگو شده است.

از سوی دیگر، همان خدایی که فرموده است به هر طرف رو کنید آنجا وجه خداست: "فَأَيُّهَا تُوَلُّوا قَتَمَ وَجْهَ اللَّهِ"؛^۱ و اینکه او از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است: "و نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْكُمْ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ"^۲ همان خدا دستور داده است که به هنگام نماز، به طرف مسجدالحرام نماز بخوانید.^۳

اکنون در ادامه بر اساس احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و نیز درک عقلی خود، به بعضی از حکمت‌ها و فایده‌های وجوب خواندن نماز به سوی قبله اشاره می‌کنیم:

اتحاد مسلمانان

در هر دین و شریعتی از جمله اسلام دستوراتی مشترک و یکسانی برای همه وجود دارد؛ از جمله واجب بودن انجام نماز به سمت قبله. از فواید چنین دستورانی ایجاد نوعی یگانگی و وحدت در بین پیروان آن دین است. شما مسجدی را تصور کنید که هر کس به آن وارد می‌شود به یک طرف دلخواه نماز بخواند حالا آن را مقایسه کنید با وضع فعلی که همه رو به یک‌سو نماز می‌خوانند کدام زیباتر است و کدام در تقویت وحدت و همدلی بین آنها مؤثرتر است؟

نمایش شکوه و عظمت مسلمانان

شکوه و عظمت مسلمانان زمانی آشکار می‌گردد که همه آنها متحد و یک‌شکل به یک سمت به انجام عملی همانند نماز مشغول گردند؛ شاید تصاویر باشکوه و غرورانگیز نماز مسلمانان در کنار مسجدالحرام یا سایر اماکن اسلامی را دیده باشید که این خود نماد عظمت امت اسلام است و مایه احساس ناتوانی در دشمنان.

۱. بقره: ۱۱۵.

۲. ق: ۱۶.

ایجاد حضور قلب

امام خمینی □ در این زمینه می‌نویسد: قبله به معنای اقبال کردن (روی آوردن) به چیزی است؛ به طوری که روی آوردن به آن چیز، همراه با کندن و جدا شدن از چیزهای دیگر باشد. در واقع رو به قبله ایستادن به این معناست که خدای من، از هر چیز دیگری غیر از تو روی برگرداندم و با تمام وجود به تو روی آوردم. لذا همین رو به قبله ایستادن می‌تواند سبب شود قلب ما هم توجه به چیزهای دیگر را رها کند و تمام توجهش را صرف ارتباط و گفت‌وگو با خدا کند.

امام صادق علیه السلام فلسفه قبله را این‌گونه بیان می‌دارد:

"به هنگامی که برای نماز به جانب قبله ایستادی از دنیا و آنچه در آن است مأیوس شو، و نسبت به خلق و آنچه در آن است در کمال نومییدی باش."^۱

■ پیشرفت علمی مسلمانان

یکی از برکات دستور قرآن به نماز خواندن رو به قبله این بود که موجب گسترش و پیشرفت دانش‌های جغرافیا، هیئت، هندسه و ریاضی و اختراع قبله‌نما در بین مسلمان گردید؛ زیرا برای قبله‌یابی و تشخیص جهت آن، نیازمند این علوم بودند.

■ چرا خداوند کعبه را قبله مسلمانان قرار داد؟

قبله شدن کعبه، دستوری الهی است که در قرآن کریم بیان گردیده است؛ "... قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ..."^۲ بنابراین خداوند بر اساس حکمت خود، کعبه شریف را قبله پرستش خویش قرار داد. اکنون به حکمت این دستور اشاره‌ای می‌کنیم:

یادآوری توحید

کعبه اولین خانه توحید است که برای اولین بار به دست حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام برای هدایت انسان‌ها بنا شد و انسان با روی آوردن به سمت آن در نماز، با یاد آوردن اولین خانه توحید، بر ایمان خود به خداوند یگانه می‌افزاید.

مرکزیت کعبه

از دیگر اسرار توجه به کعبه، جنبه سیاسی - اجتماعی آن است. جابر بن حیان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا اهمیت مرکز بودن کعبه برای نماز، بیشتر است یا برای حج؟ آن حضرت فرمود: "مرکزیت آن برای نماز؛ زیرا بسیاری از مسلمانان نمی‌توانند در تمام عمر حتی یک بار به مکه بروند، ولی هر مسلمان در هر نقطه از جهان، روزی پنج بار به سوی کعبه نماز می‌خواند."^۳

۱. عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۱۷۲ و ۱۷۳، به نقل از: آداب الصلاة؛ برای مطالعه بیشتر ر. ک: خمینی، روح الله، آداب الصلاة، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۲. قال الصادق □: "إذا استقبلت القبلة فأیس من الدنيا و ما فیها و الخلق و ما هم فیہ و فرغ قلبك عن كل شاغل یشغلك عن الله تعالی و عاین بسرك عظمة الله عز و جل و اذكر و قوفك بین یدیه" (مصباح الشریعة، ص ۸۷).

۳. بقره: ۱۴۹.

۴. قرائتی، تفسیر نماز، ص ۵۰.

می‌توان گفت در هر شبانه‌روز نگاه تمام مسلمانان جهان، پنج بار، در کعبه به هم می‌رسد؛ گویی تمام مسلمانان جهان، در هر شبانه‌روزی پنج مرتبه در چشمان یکدیگر می‌نگرند و سخن آنان در آنجا به هم می‌رسد و تکبیر مسلمان در شرق و غرب دنیا، در کعبه شنیده می‌شود. این مرکزیت در هیچ یک از ادیان گذشته وجود نداشته است و در آینده هم به وجود نخواهد آمد. علاوه بر موارد بالا، به موارد دیگری نیز می‌توان اشاره کرد از جمله:

ایستادن رو به قبله، یادآور خاطره‌ها و ارزش‌های بسیاری است: مکه قربانگاه اسماعیل علیه السلام، زادگاه علی بن ابی طالب علیه السلام، شکنجه‌گاه بلال، پایگاه قیام حضرت مهدی علیه السلام، محل آزمایش ابراهیم علیه السلام و عبادتگاه تمامی پیامبران و اولیاست و چه زیباست که نمازگزار آنگاه که رو به قبله می‌ایستد، پیش از شروع نماز، مروری بر این ارزش‌ها داشته باشد.^۱

■ **با اینکه شرافت کعبه بیشتر از بیت‌المقدس است، چرا خداوند از ابتدا قبله را کعبه قرار نداد؟**
در مورد برتری کعبه بر بیت‌المقدس هیچ اختلافی بین مسلمانان نیست و روایات فراوانی در کتاب‌های شیعه و سنی بر برتری دلالت دارد و همراهی نمودن اولیه اسلام با ادیان بزرگ موجود چون یهودیت و پس از آن جدا شدن مسیر اسلام از آنان از دلایل مورد توجه می‌باشد و الا کعبه اولین محل عبادت و بندگی انسان‌هاست که تردیدی در تقدم آن وجود ندارد، چه از جهت قدمت بنا و چه از جهت سابقه عبادت و قرآن به این موضوع اشاره دارد که: "إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكٌ"^۲.
در پاسخ، به چند عامل می‌توان اشاره کرد.

تقویت روحیه اطاعت و فرمانبری در اهل حجاز

اعراب حجاز، مخصوصاً اهل مکه، علاقه زیادی به سرزمین خود داشتند؛ لذا در آغاز کار لازم بود بر خلاف تمایل نفسانی و تعصب‌های محلی، کعبه را برای مدتی رها کنند و به طرف بیت‌المقدس نماز بگذارند تا تعصب‌ها در آنها کشته شود و روح اطاعت و فرمانبرداری در آنها تحکیم گردد.

جلوگیری از قضاوت‌های نادرست نسبت به اسلام

کعبه در اول مرکز قدرتمند بت‌پرستی بوده است. اگر این محل در اوج قدرت بت‌ها، قبله قرار می‌گرفت، ممکن بود سبب شود کسانی که از دور خبر اسلام را می‌شنوند، گمان کنند این دین هم به نوعی بت‌پرستی دعوت می‌کند؛ اما بعد از گذشت حدود پانزده سال از دعوت اسلامی و تأکید آن بر توحید دیگر جایی برای این توهم و شبهه باقی نمی‌ماند.

ایجاد تمایز بین مسلمانان و مشرکان

از آنجا که مشرکان در برابر بت‌هایی که در مسجدالحرام و در خانه کعبه بودند خضوع و قربانی می‌کردند؛ شاید در ابتدای کار لازم بود برای جداسازی هویت مسلمانان از آنان سمت و سوی اعمال

۱. همان.

۲. آل عمران: ۹۶.

عبادی آنها متفاوت باشد تا مؤمن از کافر باز شناخته گردد و پس از آنکه تعداد مسلمانان در مدینه افزون بر مشرکان مکه گردید، دیگر نیازی به این تمایزگذاری نبوده است؛ لذا خداوند در ابتدا بیت المقدس و پس از افزایش جمعیت مسلمانان، کعبه را قبله قرار داد.

■ چرا خداوند در ابتدا قبله را به سمت بیت المقدس قرار داده و پس از مدتی به سمت کعبه معظمه تغییر داد؟

درباره علت تغییر قبله به چند علت می توان اشاره کرد:

امتحان الهی

قرآن کریم دلیل تغییر قبله را بازشناسایی پیروان حقیقی پیامبر ﷺ از کسانی که از اطاعت او سر باز می زنند و به تعبیر دیگر مشخص کردن میزان اطاعت پذیری مسلمانان از پیامبر اکرم ﷺ، معرفی می کند. در آیه ۱۴۳ سوره مبارک بقره به این مطلب اشاره شده است؛ آنجا که می فرماید: "...وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ!"; و ما آن قبله ای را که پیش از این بر آن بودی برنگردانیم، مگر برای آنکه افرادی را که از پیامبر پیروی می کنند از آنها که به جاهلیت باز می گردند، بازشناسیم. و همانا این [تغییر قبله] جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود.

نشان دادن ضعف استدلال یهود

یهود برای خویش نقش محوری در ادیان قائل بود؛ به گونه ای که حتی مسیحیت را انشعابی از خود می دانست و با آن مبارزه می کرد. به همین دلیل با پیامبر ﷺ نیز بحث می کردند. دین یهود را برتر از اسلام می دانستند و اسلام را به دینی مستقل نمی شناختند. بهترین دلیل برای آنان، اتحاد قبله مسلمانان با آنها بود. خداوند برای اینکه این برتری جویی آنها را سرکوب نماید، این بهانه را از آنها گرفت.

برتری بخشیدن به پیامبر ﷺ و مسلمانان

همان گونه که از آیات قرآن پیداست، یکی بودن قبله بهانه ای بود برای اذیت کردن مسلمانان؛ زیرا قرآن پیشگویی کرده می فرماید: "سيقول السفهاء من الناس ما و لاهم عن قبلتهم التي كانوا عليها..."^۱؛ به زودی مردم بی خردی خواهند گفت: چه چیزی آنها [مسلمانان] را از [بیت المقدس] قبله ای که بر آن بودند برگردانید؟ لذا در ادامه آیات می فرماید: "فلنولينك قبلة ترضيها"^۲؛ اکنون تو را به سوی قبله ای می گردانیم که از آن خشنود باشی، که نشانگر این است که خود رسول خدا ﷺ نیز از این موضوع ناراحت بوده است و با این تغییر، خشنودی پیامبر ﷺ به دست آمده است.

۱. بقره: ۱۴۲.

۲. همان.

خداوند در قرآن می‌فرماید: "ما شما را امت معتدل و میانه‌رو قرار دادیم".^۱ شاید در مورد قبله نیز این گونه بوده است که مسیحیان تقریباً به سمت مشرق می‌ایستادند به دلیل اینکه بیشتر ملل مسیحی در کشورهای عربی زندگی می‌کردند و برای ایستادن به سوی محل تولد حضرت عیسی عليه السلام که در بیت المقدس بود ناچار بودند به سمت مشرق، بایستند و به این ترتیب جهت مشرق قبله آنان محسوب می‌شد؛ ولی یهود که بیشتر در شامات و بابل و مانند آن به سر می‌بردند روبه سوی بیت المقدس که برای آنان تقریباً در سمت غرب بود می‌ایستادند و به این ترتیب نقطه غرب قبله آنان بود؛ اما "کعبه" که نسبت به مسلمانان آن روز [مسلمانان مدینه] در سمت جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت، یک خط میانه محسوب می‌شد.

به هر حال گویا قرآن می‌خواهد رابطه‌ای میان همه برنامه‌های اسلامی ذکر کند و آن اینکه نه تنها قبله مسلمانان، قبله‌ای میانه است که تمام برنامه‌های دیگر این امت، این ویژگی را داراست.

اسرار قبله از نظر علمی

"هارولد بور" از دانشگاه "ییل" (یکی از دانشگاه‌های معتبر آمریکا) برای اولین بار با انجام یک آزمایش ساده، به وجود میدان مغناطیسی در اطراف موجود زنده پی برد. همان گونه که می‌دانید، در بدن ما میلیون‌ها عصب وجود دارد که کار انتقال پیام در بدن ما به وسیله تحریک الکتریکی این عصب‌ها صورت می‌گیرد. در اثر ایجاد بار الکتریکی در اطراف آنها در بدن ما یک میدان تشکیل می‌شود و میدان بدن ما در اثر فعالیت هم‌زمان میلیون‌ها عصب به وجود می‌آید.

امواج مغزی

دستگاه موج‌نگار مغز چهار نوع منحنی از امواج مغزی را ارائه می‌دهد که عبارتند از: آلفا، بتا، دلتا و تتا. ریتم‌های دلتا، کندترین امواج مغزی با تناوب از ۱ تا ۳ دور در ثانیه بوده و اغلب در خواب عمیق ظاهر می‌شود. به نظر می‌رسد که ریتم‌های تتا که دارای تناوب ۴ تا ۷ دور در ثانیه می‌باشند به خلق و خوی هر فرد بستگی داشته باشد. ریتم‌های آلفا از ۸ تا ۱۲ دور در ثانیه، در اوقات تفکر، تأمل آزاد رخ داده و در صورت تمرکز حواس و توجه، قطع می‌شوند و بالأخره ریتم‌های بتا با تناوب ۱۳ الی ۲۲ دور در ثانیه، ظاهراً منحصر به نواحی جلویی مغز، یعنی جایی که فعالیت‌های پیچیده مغزی رخ می‌دهد، هستند. امواج آلفا امواج بسیار مهمی هستند که به وسیله "هانسبرگر" آلمانی کشف شدند و به گفته وی با نوعی هوشیاری و خودآگاهی معطوف به درون ظاهر می‌شوند و تغییرهای فیزیولوژی مهمی در بدن ایجاد می‌کنند از جمله: تمرکز و یادگیری.

میدان مغناطیسی بدن و امواج مغزی در معرض خطر

حتماً تا به حال درباره خطرات گوشی‌های موبایل یا زندگی در نزدیکی نیروگاه‌های برق چیزهایی

شنیده‌اید. بنا بر تحقیقات پروفیسور "لای"، امواج مغناطیسی که از نیروگاه‌های برق یا وسایل برقی مثل ششوار و ریش تراش برقی و... منتشر می‌شود به DNA سلول‌های مغزی آسیب می‌رساند و ترمیم‌پذیری را در آنها از بین می‌برد. میدان‌های مغناطیسی بیرون از بدن ما علاوه بر آسیب به DNA سلول‌های مغزی، اثر منفی دیگری نیز بر بدن ما دارد؛ این میدان‌ها باعث به‌وجود آمدن اختلال در میدان مغناطیسی طبیعی بدن می‌شود؛ همان‌طور که می‌دانید نزدیک به ۷۰ درصد بدن ما را آب تشکیل می‌دهد و مولکول‌های آب دو قطبی هستند؛ لذا وقتی بدن ما در معرض یک میدان مغناطیسی بیرونی قرار می‌گیرد، این مولکول‌ها در جهت آن میدان مغناطیسی قرار می‌گیرند و این پدیده باعث می‌شود نظم میدان مغناطیسی ما به هم بریزد.

علاوه بر عوامل بیرونی دسته‌ای از عوامل درونی نیز وجود دارد که باعث می‌شوند در میدان مغناطیسی بدن، اختلال ایجاد شود. مهم‌ترین آنها بارهای الکتریکی هستند که هنگام شارژ بار در عصب، در اطراف آن به‌وجود می‌آیند و به صورت الکتریسیته ساکن در بافت‌های بدن ذخیره می‌شود و میدانی که در اطراف این بارها به وجود می‌آید، در میدان مغناطیسی بدن آشفتگی ایجاد می‌کند. این بارها به‌خصوص در نقاطی که تراکم اعصاب بیشتر است ذخیره می‌شوند و به دلیل اینکه هم تراکم زیادی دارند و هم در نزدیکی عصب‌های بیشتر و مهم‌تری قرار دارند، به شدت برای بدن زیان‌آور است. از جمله این نقاط، سر و دست‌ها و قسمت مچ پا به پایین است و در بین این سه قسمت، سر، اهمیت ویژه‌ای دارد.

شاید بیشتر افراد بر این باور باشند که ما روزانه تنها دقایقی را در معرض میدان مغناطیسی هستیم؛ مثلاً مواقعی که از دستگاه‌هایی مثل موبایل، ششوار و غیره استفاده می‌کنیم؛ درحالی‌که همه ما انسان‌ها در تمام دوران زندگی خود در معرض میدان مغناطیسی بسیار پر قدرتی هستیم به نام کره زمین. از طرفی عوامل درونی اغتشاش در میدان مغناطیسی بدن ما نیز، فعالیت‌هایی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر هستند که در تمام طول عمرمان در جریان هستند. پس چگونه می‌توان آثار منفی این فرایندها را که سبب پدید آمدن اختلال در بدن ما و باعث به‌وجود آمدن بیماری‌هایی مثل سرطان در افراد می‌شوند، خنثی کرد؟ در اینجا است که باید گفت خداوند راه حل تمام این مشکلات را در یک رفتار ساده که اجرای آن برای همه افراد امکان‌پذیر است و بیش از چند دقیقه هم زمان نمی‌برد و هیچ ضرری هم ندارد، به انسان‌ها هدیه کرده و آن نماز است.

نماز و میدان مغناطیسی

آن‌گونه که از تصاویر به دست آمده از میدان مغناطیسی زمین پیداست، به طور شگفت‌انگیزی اگر انسان در هر نقطه از زمین رو به قبله بایستد، میدان مغناطیسی بدنش بر میدان مغناطیسی زمین منطبق می‌گردد و در نتیجه در مدتی که شخص در حال نماز است میدان مغناطیسی بدنش منظم می‌شود. یکی از نکات بسیار جالبی که پروفیسور "بور" به آن دست یافته بود این بود که در بدن تمام دانشجویان زن، هر ماه یک‌بار تغییر ولتاژ شدیدی ایجاد می‌شود که با آن، میدان بدن به منظم‌ترین حالت خود می‌رسد و به همین علت زنان لازم نیست در این مدت نماز بخوانند.

نماز و بارهای الکتریکی

همان طور که قبلاً اشاره شد، بارهای زائدی که در اثر تحریک‌های الکتریکی اعصاب به وجود می‌آیند که بر امواج مغزی انسان اثری منفی دارند. این آثار، در بخش‌هایی از بدن که اعصاب در آن تحرک بیشتری دارند، خطرات جدی‌تری را ایجاد می‌کنند و باید هر چه سریع‌تر از آن نواحی دور شوند. به طرز حیرت‌آوری می‌بینیم که این نواحی دقیقاً همان‌ها هستند که در هنگام وضو شسته می‌شوند. بنابر تحقیقات انجام شده، بهترین راه دفع این بارهای الکتریکی زائد، استفاده از ماده‌ای رساناست و می‌دانیم که سریع‌ترین و ارزان‌ترین و بی‌زیان‌ترین رسانا در دنیا آب است و جالب اینجاست که آب هر چقدر خالص‌تر باشد، سریع‌تر بارهای ساکن را از بدن ما به اطراف گسیل می‌کند و هیچ مایعی مثل آب خالصی که در وضو به انسان سفارش شده این اثر را ندارد. با دفع بارهای الکتریکی زائد بدن در وضو، امواج مغزی در ایده‌آل‌ترین حالت قرار می‌گیرند. علاوه بر آن، تمرکزی که در هنگام نماز در انسان به وجود می‌آید، تشعشع امواج آلفا را به اندازه چشمگیری بالا می‌برد و توانایی مغز را در تولید این امواج بالا می‌برد.

■ چرا باید در هر نماز سوره حمد را بخوانیم؟

■ اهمیت سوره حمد

لازم است به برخی نکات اشاره نماییم تا اهمیت سوره حمد روشن گردد و هنگامی که اهمیت آن بر سایر سوره‌ها محرز شد به پاسخ این پرسش دست پیدا خواهیم کرد.

سوره حمد، "سبع المثانی"

شارح اصول کافی فرموده است که همه مفسران "السبع المثانی" را سوره حمد دانسته‌اند که چون مشتمل بر هفت آیه است "السبع" نامیده شده و چون در هر نماز دو بار خوانده می‌شود و یا اینکه دو بار نازل شده، یک بار در مکه و دیگر بار در مدینه، "المثنی" است.^۱

سوره حمد اساس قرآن

از ابن عباس نقل شده که هر چیزی اساسی دارد و اساس قرآن سوره حمد است.^۲

سوره حمد برترین سوره؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله فرمودند: "برترین سوره‌ای را که خداوند متعال در کتابش نازل فرموده به تو پیاموزم؟ جابر عرض کرد: آری پدر و مادرم به فدایت. حضرت به او سوره حمد را که اساس قرآن است تعلیم نمودند و پس از آن فرمودند: درباره سوره برایت بگویم؟ باز با اشتیاق پاسخ مثبت داد. فرمودند: این سوره شفای از هر دردی بجز "سام" است و منظور از سام، "مرگ" است."^۳

۱. مازندرانی، شرح فروع اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴، باب قراءة القرآن ...

۲. همان.

۳. أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: يَا جَابِرُ أَلَا أَعْلَمُكَ أَفْضَلَ سُورَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ قَالَ فَقَالَ لَهُ جَابِرُ بَلَى يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمْتَنِيهَا. قَالَ فَعَلَّمَهُ الْحَمْدَ أَمْ الْكِتَابِ ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ أَلَا أَخْبِرُكَ عَنْهَا قَالَ بَلَى يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي فَأَخْبَرْتُهُ قَالَ هِيَ شَقَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ وَ السَّامُ الْمَوْتُ بِيب

سوره حمد همتای قرآن؛

امیر مؤمنان علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: "از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: خداوند عز و جل در خطاب به من این گونه فرمود: به راستی، به تو سبع المثانی [سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را اعطا کردیم که به واسطه سوره حمد بر من منتهی ویژه گذاشته و آن را همتای قرآن عظیم قرار داده است. فاتحه کتاب برترین موجودی گنجینه‌های عرش الهی است و خداوند عز و جل آن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله اختصاص داده و آن حضرت را به آن شرافت بخشیده و در این جهت هیچ یک از پیامبران را با ایشان شریک نکرده به جز حضرت سلیمان علیه السلام که به او بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را عطا فرموده است."^۱

ثواب قرائت سوره حمد معادل ثواب دوسوم قرآن

هر مسلمانی که سوره حمد را بخواند به اندازه‌ای پاداش می‌گیرد که گویی دو سوم قرآن را تلاوت نموده است و به اندازه‌ای که گویی به همه مؤمنان صدقه داده است.^۲

محتوای سوره حمد

این سوره در حقیقت فهرستی از معارف قرآن کریم است؛ به این معنا که بخشی از آن اشاره به توحید و شناخت صفات خداوند دارد، بخشی درباره معاد و رستاخیز سخن می‌گوید و در بخش دیگری از آن از هدایت و ضلالت که جداکننده مؤمنان و کافران است بحث می‌کند.

همچنین در این سوره به حاکمیت مطلق پروردگار و مقام ربوبیت و نعمت‌های بی‌پایانش و نیز به مسئله عبادت و بندگی و اختصاص آن به ذات پاک او اشاره شده است.

سوره مبارک حمد بیانگر توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی است. به فرموده حضرت رضا علیه السلام اگر بپرسند: چرا خداوند در همه نمازها امر کرده تا سوره حمد خوانده شود؟ در پاسخ می‌گوییم: برای اینکه قرآن مهجور و متروک نگردد و همواره نمازگزاران با قرآن ارتباط داشته باشند و آن را از یاد نبرند و انتخاب این سوره از این‌روست که همه معارف و مفاهیم قرآن در سوره حمد جمع است و سوره حمد با محتوای بلند و وسیعی که دارد، همه اصول و ارکان قرآن را درون خود جای داده است.^۳

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: "اسم اعظم خداوند در سوره فاتحه کتاب پراکنده شده است."^۴

....→

(شعیری، جامع الأخبار، ص ۴۳).

۱. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □: "... سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ وَ لَقَدْ آتَيْتَكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ فَأَفْرَدَ الْإِمْتِنَانَ عَلَيَّ بِقَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ جَعَلَهَا بِرِزَاءِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ إِنَّ قَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِي كُنُوزِ الْعَرْشِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَصَّ مُحَمَّدًا وَ شَرَفَهُ بِهَا وَ لَمْ يُشْرِكْ مَعَهُ فِيهَا أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِهِ مَا خَلَا سَلِيمَانَ فَإِنَّهُ أَعْطَاهُ مِنْهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... " (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۲۷).
۲. عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ قَالَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَيُّهَا مُسْلِمٍ قَرَأَ قَاتِحَةَ الْكِتَابِ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّهَا قَرَأَ ثُلُثِي الْقُرْآنِ وَ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّهَا تَصَدَّقَ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ" (همان، ج ۸۹، ص ۲۵۹).
۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۵۴؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۷؛ شعیری، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۰۷؛ پاسخ به پرسش‌های مذهبی شما، ص ۱۰۹.
۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۳۴، ح ۱۶.

خلاصه آنکه همه برنامه‌های کلی نیک و حکمت، در امور دنیا و آخرت جمع شده است و این سوره کانون همه ابعاد قرآن شده است درحالی که سوره‌های دیگر، چنین جامعیتی وجود ندارد.

۱. چرا در هر نماز، خواندن سوره توحید مستحب است؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال به گوشه‌هایی از اهمیت سوره توحید اشاره می‌کنیم تا اهمیت آن بر سایر سوره‌های قرآن بعد از حمد مشخص گردد؛ زیرا اگر این نکته ثابت شود دلیل تأکید بر قرائت آن در نماز به دست خواهد آمد؛ چون نماز مهم‌ترین رکن عبادی است و در آن باید اعمال و اذکار مهم گنجانده گردد:

■ قرائت آن، معادل قرائت یک‌سوم قرآن و یک‌سوم تورات و یک‌سوم انجیل و یک‌سوم زبور

امام صادق علیه السلام فرمودند: "هر کس سوره توحید را بخواند، گویی یک‌سوم همه کتاب‌های آسمانی یعنی قرآن و تورات و انجیل و زبور را تلاوت نموده است."^۱

■ قرائت آن موجب آمرزش گناهان

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "هر کس هنگام خواب سوره "قل هو الله احد" را صد مرتبه بخواند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می‌آمرزد."^۲

■ محبت به آن نشانه محبت خداوند

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم بَعَثَ سَرِيَّةً وَ اسْتَعْمَلَ عَلَيْهَا عَلِيًّا عليه السلام فَلَمَّا رَجَعُوا سَأَلَهُمْ فَقَالُوا كُلُّ خَيْرٍ غَيْرِ أَنَّهُ قَرَأَ بِنَا فِي كُلِّ صَلَاةٍ بِقُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لِمَ فَعَلْتَ هَذَا فَقَالَ لِحُبِّي ل "قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم مَا أَحْبَبْتَهَا حَتَّى أَحَبَّكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

عمران بن حصین می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لشکری را به فرماندهی علی علیه السلام گسیل داشتند و پس از بازگشت لشکر از ایشان درباره آن حضرت سؤال کردند. لشکریان در پاسخ گفتند: علی علیه السلام از هر جهت خوب و شایسته بود جز اینکه در همه نمازهای جماعت، پس از حمد، "قل هو الله احد" می‌خواند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از علی علیه السلام علت را پرسیدند. حضرت فرمود: "آخر من به سوره قل هو الله احد علاقه خاصی دارم." پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "دلیل این محبت خاص این است که خداوند به تو محبت ویژه‌ای دارد."^۳

■ قرائت مستمر آن سبب توجه ویژه فرشتگان به شخص

سکونی از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر جنازه سعد بن معاذ نماز خواند و فرمود: "هفتاد هزار فرشته که جبرئیل علیه السلام نیز در میان آنان بود، بر جنازه او نماز خواندند. از جبرئیل پرسیدم که او چه عملی انجام داده بود که این شایستگی را پیدا کرد که شما بر جنازه او نماز خواندید؟" گفت: "به خاطر اینکه سوره قل هو الله احد را در حالت ایستاده و نشسته، سواره و پیاده و در حال رفت‌وآمد تلاوت می‌کرد."^۴

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: "مَنْ قَرَأَ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً وَ اِحْدَةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ وَ ثَلَاثَ التَّوْرَةِ وَ ثَلَاثَ الْإِنْجِيلِ وَ ثَلَاثَ الزَّبُورِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۶۴۴، ح ۱۲).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: "مَنْ قَرَأَ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةً مَرَّةٍ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ عَرَّ وَ جَلَّ ذُنُوبَ حَمْسِينَ سَنَةً" (همان، ج ۴، ص ۴۵۸، ح ۴۹).

۳. عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم بَعَثَ سَرِيَّةً وَ اسْتَعْمَلَ عَلَيْهَا عَلِيًّا عليه السلام فَلَمَّا رَجَعُوا سَأَلَهُمْ فَقَالُوا كُلُّ خَيْرٍ غَيْرِ أَنَّهُ قَرَأَ بِنَا فِي كُلِّ صَلَاةٍ بِ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لِمَ فَعَلْتَ هَذَا فَقَالَ لِحُبِّي ل "قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم: "مَا أَحْبَبْتَهَا حَتَّى أَحَبَّكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ" (شیخ صدوق، توحید، ص ۹۴، ح ۴).

۴. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام: "أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم صَلَّى عَلَى سَعْدِ بْنِ مِعَاذٍ فَقَالَ لَقَدْ وَ اتَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِلصَّلَاةِ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ فِيهِمْ جَبْرَائِيلُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ بِمِ اسْتَحَقَّ صَلَاتِكُمْ عَلَيْهِ قَالَ يَقْرَأَهُ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قَائِمًا وَ قَاعِدًا وَ رَاكِبًا وَ مَاشِيًا وَ ذَاهِبًا وَ جَائِيًا" (همان، ص ۹۵، ح ۴).

■ چرا در رکعت سوم و چهارم نماز تسیحات اربعه می خوانیم؟

درست است که با اذکار مختلفی انسان می تواند با خداوند ارتباط برقرار نماید؛ اما تسیحات اربعه از اهمیت و اسرار و آثار خاصی برخوردار است که به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم:

■ تسیحات اربعه دارای خوبی هایی ماندگار و باز دارنده از انواع حوادث ناگوار

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی به یاران خود فرمودند: "آیا اگر لباس ها و ظرف هایتان را جمع کرده و آنها را روی هم بگذارید به آسمان خواهد رسید؟" گفتند: خیر یا رسول الله! حضرت فرمودند: "نمی خواهید چیزی به شما بگویم که ریشه اش در زمین و شاخه اش در آسمان باشد؟" عرض کردند: بله یا رسول الله! حضرت فرمودند: "هر کدام از شما بعد از نماز واجبش می تواند سی بار بگوید: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکر"؛ زیرا ریشه این ذکرها در زمین و شاخه اش در آسمان است. این ذکرها مانع زیر آوار ماندن، سوختن، غرق شدن، افتادن در چاه، طمعۀ درندگان شدن، مرگ بد و حادثه ناگواری که در آن روز از آسمان فرود می آید، می شود."^۱

■ تسیحات اربعه موجب استجاب دعا

حارث بن مغیره می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: "هر کس بعد از هر نماز واجب، چهل بار "سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ" بگوید و پس از آن از خداوند درخواست کند، حاجتش برآورده می شود."^۲

■ تسیحات اربعه متمم نماز شکسته

خواندن سی مرتبه تسیحات اربعه بعد از نماز شکسته، فضیلت دو رکعت باقیمانده را دارد. امام رضا علیه السلام در سفر بعد از هر نماز شکسته سی مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکر را بر زبان جاری می ساختند و می فرمودند: "این مکمل نماز شکسته است."^۳

■ تسیحات اربعه زیربنای اسلام

از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدند: برای چه کعبه، کعبه نامیده شده؟ حضرت فرمودند: "زیرا چهارگوش می باشد." محضر مبارکش پرسیدند: برای چه چهارگوش می باشد؟ حضرت فرمودند: "زیرا مقابل بیت المعمور است و آن چهار گوش می باشد." پرسیدند: برای چه بیت المعمور چهار گوش است؟ حضرت فرمودند: "زیرا مقابل عرش است و آن چهار گوش می باشد." پرسیدند: چرا عرش مربع است؟ فرمودند: "زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده چهار تاست و آنها عبارتند از: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: "إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ أَرَأَيْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَكُمْ مِنَ الثِّيَابِ وَالْأَنْبِيَةِ ثُمَّ وَضَعْتُمْ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ أَ كُنْتُمْ تَرَوْنَهُ يَنْبُغُ السَّمَاءَ قَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَفَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ أَضَلُّهُ فِي الْأَرْضِ وَفَرْعُهُ فِي السَّمَاءِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَقُولُ أَحَدُكُمْ إِذَا قَرَعَ مِنَ الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ أَضْلَهْنَ فِي الْأَرْضِ وَفَرْعَهُنَّ فِي السَّمَاءِ وَهُنَّ يَدْفَعْنَ الْهَدْمَ وَالْعَرَقَ وَالْحَرَقَ وَالرَّدْيَ فِي الْبُرِّ وَ أَكَلِ السُّبُعِ وَمِيتَةِ السَّوْءِ وَ الثَّبَلِيَّةِ الَّتِي تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْعَبْدِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ هُنَّ الْبَاقِيَّاتُ الصَّالِحَاتُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۷۴).

۲. عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: "مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ قَبْلَ أَنْ يَنْتَبِي رَجُلَيْهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أُعْطِيَ مَا سَأَلَ" (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۵۴، ح ۱۵).

۳. همان، ج ۵، ص ۴۹۵.

اکبر^۱.

با تأمل در معنای این تسبیحات در می‌یابیم که در ابتدای آنها نماز گزار سبحان الله گفته و خداوند را از نسبت‌هایی که بندگان به او می‌دهند پاک و منزّه می‌شمرد و اقرار می‌کند که عبادت ما شایسته مقام قدس او نیست؛ اما چون خود خدا اذن داده و بلکه امر فرموده که همین عبادت‌های ناقص را انجام دهیم، ما نیز اطاعت می‌کنیم و از این بابت از خداوند قدردانی نموده، حمد و ثنای الهی را بر زبان جاری می‌کند و سپس لا اله الا الله گفته و اعلام می‌کند که هر گونه ستایش و پرستش فقط مخصوص خداست و در پایان الله اکبر گفته و مجدداً تأکید می‌نماید که اینها که ما می‌فهمیم و بر زبان جاری می‌نماییم هرگز لایق مقام ربوبی نبوده و خداوند متعال بزرگ‌تر از آن است که به‌وصف در آید.

همچنین گفته شده است که الحمد لله اشاره به توحید افعالی و لاله الا الله اشاره به توحید صفاتی و الله اکبر اشاره به توحید ذاتی دارد و سبحان الله ابتدای تسبیحات بیانگر تنزیه خداوند از تمامی این مراتب تصور شده می‌باشد و چون سوره حمد نیز به نوعی مشتمل بر این توحیدهای سه‌گانه است؛ این تسبیحات می‌توانند در رکعت‌های سوم و چهارم، جایگزین سوره حمد گردند.

■ سر اینکه در نماز، صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیتش علیهم‌السلام واجب شده، چیست؟

یک. باید توجه داشت که خداوند متعال از صلوات پیوسته خود و فرشتگان بر پیامبر اکرم ﷺ خبر داده و همگان را به این موضوع و به تسلیم در پیشگاه ایشان فرمان داده است و روشن است که چیزی که برای خداوند مهم است مسلماً برای دیگران نیز مهم است؛ علاوه بر اینکه مخاطب ما در صلوات، خود خداوند است و از او درخواست تحیت و درود بر اهل بیت علیهم‌السلام می‌کنیم.

"إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا"^۲ همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر رحمت می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای او طلب رحمت نمایید و چنان که شایسته است بر او سلام کنید.

دو. صلوات بر پیامبر و آل او موجب صلوات مضاعف خداوند بر فرستنده صلوات است. پس ما با صلوات در نماز، تحیت و درود خداوند بر بر خودمان را به‌دست می‌آوریم.

اسحاق بن فروخ گوید: حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: "ای اسحاق هر که ده بار بر محمد و آل محمد ﷺ صلوات بفرستد، خداوند و فرشتگان صد بار بر او صلوات می‌فرستند و هر که صد بار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او صلوات فرستند، آیا گفتار خدای عز و جل را نشنیده‌ای که فرمود: اوست کسی که بر شما درود می‌فرستد و نیز ملائکه او تا شما را از ظلمت‌ها به‌سوی نور در آورد و خدا به مؤمنان مهربان است."^۳

۱. رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ □ أَنَّهُ سُئِلَ لِمَ سُمِّيَتْ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً قَالَ: "لَأَنَّهَا مُرْبَعَةٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَتْ مُرْبَعَةً قَالَ لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعاً قَالَ لِأَنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعاً قَالَ لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بُنِيَ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ وَ هِيَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ" (شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۹۱).

۲. احزاب: ۵۶.

۳. احزاب: ۴۳.

به فرموده پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز میزان (ترازو) است و با صلوات در نماز، میزان عمل خود را سنگین می‌کنیم. از امام باقر یا امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَام روایت شده که فرمودند: "در میزان (و ترازوی اعمال در قیامت) چیزی سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیست و [پیش می‌آید] که اعمال مردی را در میزان بگذارند و سبک باشد؛ ولی ثواب صلوات او را که بیاورند و آن را در میزان بگذارند به سبب آن سنگین شود و (بر کفه دیگر) بچربد!"^۲

خلاصه آنکه، نماز، عملی خواستنی و مورد توجه خداوند است و همان‌گونه که خداوند و ملائکه او بر پیامبر صلوات می‌فرستند، دستور می‌دهد مؤمنان نیز صلوات بفرستند و چه جایی برای این صلوات بهتر از نماز؟ علاوه بر اینکه خود وجود صلوات در نماز باعث می‌شود تا مسلمانان هیچ‌گاه رسول خدا و تلاش‌های او برای اسلام را از یاد نبرند و از او با صلوات قدردانی کنند.

■ خداوند که با همه محرم است، پس چرا خانم‌ها باید در نماز حجاب کامل داشته باشند؟

بی تردید، حکمت پوشش بدن و رعایت حجاب اسلامی زن در حال نماز، پنهان کردن و مستور نمودن خود از خدا نیست؛ زیرا چیزی از علم خدا پنهان نیست و خداوند بر همه چیز، در همه حالات آگاه است؛ اما حکمت‌های دیگری در کار است که ممکن است موارد زیر بعضی از آن حکمت‌ها باشد.

رعایت ادب

یعنی همان‌گونه که رعایت پوشش زن در برابر دیگران و در محافل رسمی حتی در برابر والدین نوعی حفظ حرمت محسوب می‌شود، نماز خواندن با پوشش لازم و کامل هم نوعی حفظ حرمت نسبت به خداوند یا به جایگاه نماز به حساب می‌آید. این مسئله در ادیان دیگر هم در هنگام عبادت وجود داشته و حفظ حجاب برای زنان به خصوص در وقت عبادت، دارای اهمیت ویژه بوده است.^۳ به همین دلیل است که برای مرد نیز پوشیدن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب است.

تأثیر مثبت در کسب حضور قلب

حکمت دیگر این است که رعایت حجاب و آداب دیگر مانند پاک بودن بدن و لباس، در تحصیل حضور قلب مؤثر است. بی‌شک، وجود پوششی یکپارچه برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می‌کند و از التفات ذهن به تجملات و چیزهای رنگارنگ می‌کاهد و ارزش نماز را صد چندان می‌کند.

→

۱. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ فَرُوحٍ مَوْلَى آلِ طَلْحَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام: "يَا إِسْحَاقُ بِنَ فَرُوحَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَةُ مِائَةِ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَةُ أَلْفًا مَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَةُ يُخْرِجُكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا" (کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۱).

۲. "مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَتَوَضَّعَ أَعْمَالُهُ فِي الْمِيزَانِ فَتَمِيلُ بِهِ فَيُخْرِجُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَرْجَحُ بِهِ" (همان، ج ۴، ص ۲۵۲).

۳. تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۹، ص ۲۴۲، به نقل از مجله پیام زن، ش ۲۰، ص ۸۰-۸۳.

یادآوری ارزش و اهمیت حجاب

این حکم به زنان مسلمان می‌فهماند که حجاب، مطلوب خداوند است، به گونه‌ای که حتی در نماز از زن مسلمان خواسته با حفظ حجاب با خداوند سخن بگویند؛ چون او بنده‌اش را این‌گونه می‌پسندد. در حقیقت چه بسا این دستور تمرینی باشد برای حفظ حجاب.

فصل سوم: نماز خواندن چه اثری دارد؟

■ اگر به فرموده قرآن، نماز بازدارنده از فحشا و منکر است، پس چرا بعضی افراد اهل نماز گناه می‌کنند؟

آری قرآن کریم می‌فرماید: نماز بازدارنده از گناه است؛ بنابراین اگر کسی اهل نماز بود ولی گناه هم می‌کرد، معلوم می‌شود نمازش آن نماز کاملی که این اثر را داشته باشد، نیست؛ مثل اینکه کسی غسل قلبی بخورد که در آن صورت نباید انتظار اثر غسل واقعی را داشته باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: "واژه نهي به معنای بازداشتن روحانی و جسمانی به کار می‌رود که نهي جسمانی، خود به نهي دستوری و عملی تقسیم می‌گردد."^۱

برخی گفته‌اند کلمه "نهي" در آیه شریفه به این معناست که خداوند به انسان‌ها دستور داده فحشا و منکر را ترک کنند؛ حال ممکن است بعضی‌ها از این دستور اطاعت کنند و بعضی سرپیچی؛ مثل آنجا که خداوند فرموده است: "ان الله يامر بالعدل والاحسان... وينهى عن الفحشاء والمنكر..."^۲؛ همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان... فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز، نهي می‌فرماید... .

با توجه به اینکه نماز یک حقیقت است، نهي در آن شبیه نهي‌ای است که در آیه "و نهی النفس عن الهوی"^۳؛ (و نفسش را از هوس بازداشت) آمده است؛ یعنی اینکه حقیقت و روح نماز، بازدارنده از فحشاء و منکر است و این هنر نماز است که انسان را از انجام گناه باز می‌دارد.

■ وقتی می‌بینیم برخی هم نماز می‌خوانند و هم گناه می‌کنند، بهتر نیست ما نماز نخوانیم و گناه هم نکنیم؟

تکالیف دین اسلام بر دو قسم است؛ انجام امور واجب و ترک امور حرام. خداوند بر اساس این تکالیف به انسان‌ها پاداش می‌دهد یا آنها را مجازات می‌کند. انسان هم باید امور واجب را انجام بدهد و هم امور حرام را ترک کند و انجام امور حرام دلیل نمی‌شود که ما امور واجب را انجام ندهیم؛ علاوه بر اینکه ترک نماز، خود گناه و بلکه گناهی بزرگ است و چه بسا خود ترک نماز باعث شود که فرد گناهکار بیشتر در منجلاب فرو برود؛ از سوی دیگر، اگر گناهکاری نماز بخواند، ممکن است به تدریج همین نماز خواندن، باعث شود از گناهانش دست بردارد.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۴۲، ح ۲۵.

۲. نحل: ۹۰.

۳. نازعات: ۴۰.

■ **وقتی نماز، ما را از گناه باز نمی‌دارد، چه فایده‌ای دارد که بخوانیم یا نخوانیم؟**
 آری از شرایط قبولی نماز، دوری از گناه است و ارتکاب گناه با روح نماز سازگاری ندارد و اثر آن را کم می‌کند؛ اما آیا فرد گناهکاری که نمازش را هم می‌خواند حال و روز بهتری در دنیا و آخرت دارد یا گناهکاری که نمازش را ترک می‌کند؟
 بدون شک نماز در همین فرد آلوده و خطاکار تا اندازه‌ای اثرگذار است، به‌گونه‌ای که اگر این نماز ترک شود، آلودگی و گناه فرد بیشتر می‌شود؛ یعنی اثر نماز که همان بازدارنده از فحشا و زشتی‌هاست^۱ هرچند در حد ناچیزی در این فرد ظاهر می‌گردد.
 در روایت آمده است: جوانی از انصار نمازش را با پیامبر ﷺ می‌خواند، ولی گاهی گناه نیز می‌کرد. موضوع را به پیامبر ﷺ گفتند. پیامبر ﷺ فرمود: "روزی نمازش او را از بدی و زشتی باز می‌دارد".
 طولی نکشید که دیدند آن جوان توبه کرد و دست از کارهای زشتش برداشت.^۲

■ **اگر شرط قبولی کارهای خوب، قبول شدن نماز است، آیا کارهای خیر یک بی‌نماز، فایده‌ای دارد؟**
 در پاسخ باید گفت اگر کسی فکر کند که چون من نماز نمی‌خوانم دیگر هر کار خیری بکنم فایده‌ای ندارد و دیگر سراغ کارهای خوب نرود، برداشت نادرستی از این روایت کرده است. این طرز تفکر مثل این است که کسی بگوید از این روایت که "غیبت بدتر از زناست"^۳ نتیجه بگیرد که بهتر است به جای غیبت کردن بروم دنبال زنا!

باید توجه داشت پاداش خداوند به افراد بر اساس دو چیز است: ۱. ایمان ۲. عمل صالح؛ پس به طور مسلم کسی که ایمان دارد ولی عمل صالحی ندارد از کسی که نه ایمان دارد و نه عمل صالح، بهتر و بالاتر است و خداوند نیز به‌ازای ایمانش به او پاداش می‌دهد و از آن طرف، کسی که ایمان ندارد ولی عمل صالح دارد، باز بهتر است از کسی که نه ایمان دارد و نه عمل صالح. خلاصه اینکه هر کسی به اندازه ایمان یا عمل صالحش از مورد فضل و رحمت و بخشش خداوند خواهد شد؛ هر چند وضعیت ایده‌آل آن است که انسان هم ایمان داشته باشد و هم عمل صالح.

نکته دیگر اینکه وقتی می‌گوییم خداوند به عملی پاداش می‌دهد، به این معنا نیست که حتماً آن عمل را قبول هم کرده است، خیر. چه بسا خداوند به فردی به خاطر عملی پاداش دنیوی و اخروی بدهد؛ ولی آن را قبول نکرده باشد؛ برای مثال خداوند عبادت‌های ابلیس را نپذیرفت؛ ولی پاداش عبادت‌های او را به خواست خود او در دنیا به او داد.

به بیان دیگر، میان پذیرش خداوند و پاداش دادن تفاوت وجود دارد؛ بدین معنا که پذیرش الهی آن است که هم پاداش دنیوی به فرد بدهد و هم پاداش اخروی داشته باشد و پاداش اخروی قابل مقایسه با پاداش دنیوی نیست. آری شیطان پاداش دنیوی از خدا می‌گیرد؛ ولی همین نعمت می‌تواند برای او مضر باشد چنان که هست؛ چون او از این نعمت برای فریب انسان‌ها استفاده می‌کند.

۱. عنکبوت: ۴۹.

۲. ری شهری، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۳۷۱، ح ۱۰۲۵۴.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۴۲، باب ۶۶ الغیبة.

در مورد نماز نیز همین گونه است؛ به این معنا که بله چون او نماز نخوانده اعمال خیر دیگرش هم مورد قبول حق قرار نمی گیرند؛ ولی نه اینکه دیگر هیچ پاداشی به او تعلق نمی گیرد.

شرایطی که در روایات برای اعمال ذکر می شود، دو گونه است:

- شرط صحت که بدون رعایت آن اصلاً آن عمل صحیح نیست، بلکه باطل است؛ مثلاً شرط صحیح بودن نماز، وضو یا تیمم است و یا شرط صحیح بودن روزه، نخوردن و نیاشامیدن است.
- شرط کمال که رعایت آن، باعث بهتر شدن عمل و تأثیر بیشتر آن است؛ مثلاً گفته شده که "لا صلاه لجمار المسجد الا فی المسجد"؛ همسایه مسجد نماز ندارد مگر در مسجد. منظور این روایت این نیست که اگر همسایه مسجد، نمازش را در خانه بخواند، باطل است؛ بلکه به این معناست اگر در مسجد بخواند، فضیلت بیشتر و ثواب بیشتری دارد. هدف معصومان علیهم السلام از بیان این روایت بیان ارزش و اهمیت مسجد و تشویق مؤمنان به رفتن مسجد است.

به نظر می رسد روایتی که در سؤال بالا آمده در صدد بیان اهمیت نماز و جایگاه بلند آن در معارف دینی و برای یادآوری اهمیت و ارزش و تأثیر عمیق نماز در روح و جان آدمی و ایجاد توفیق برای انجام کارهای خوب دیگر است، نه کم ارزش جلوه دادن دیگر کارهای خیر.

تفسیر دیگری که درباره حدیث فوق به نظر می رسد، این است که اعمال نیک ما همانند همه امور با ارزش دیگر در معرض خطر فساد و سرقت و از دست رفتن هستند. در مفاهیم دینی به ما سفارش شده در حفظ اعمال نیک و ضایع نکردن آنها تا هنگام ملاقات پروردگار و روز حساب کوشا باشیم؛ چه بسا معنای اینکه فرموده اند اگر نماز قبول شد، سایر اعمال هم قبول می شود و اگر رد شد سایر اعمال هم رد می شود، این باشد که دقت در به جا آوردن درست نماز و تلاش برای انجام نماز مقبول، ضامن سلامتی سایر اعمال و محفوظ ماندن آنها از گزند خطرات است؛ همانند خانه ای که سقف و دیوارهای آن محافظ دارد و چارچوب آن استوار و محکم است؛ اما اگر خانه ای سقف نداشته باشد، هر چقدر هم داخل خانه وسایل و لوازم لوکسی باشد، فایده ای ندارد؛ زیرا با نفوذ باد و باران و... آن وسایل خراب می شوند و از بین می روند.

بنابراین اگر نماز به شکل درست و کامل انجام شود و خداوند نیز آن را قبول کند هم کاستی های اعمال دیگر را جبران می کند و هم از آنها محافظت می کند؛ ولی اگر به هر دلیلی نماز انسان مقبول درگاه حق واقع نشود، هیچ عمل دیگری نمی تواند جای آن را بگیرد؛ چون هیچ عملی مانند نماز، ضامن بقا و حفظ و اعمال نیک انسان نیست.

مطلب دیگری که شایسته است در اینجا به آن توجه شود این است که فردی که نماز نمی خواند، ولی اعمال نیک انجام می دهد، یکی از این دو حالت را دارد:

الف) گاهی، فرد با اینکه می داند نماز از ضروریات دین است، اصل واجب بودن نماز را انکار و رد می کند، در این صورت چنین فردی کافر به شمار می آید و واضح است که از فرد کافر هیچ عمل نیکی مقبول

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۴، ح ۲.

نمی‌باشد؛ زیرا چنین فردی که منکر وجوب نماز است در واقع منکر وجود خداست و کسی که به خدا هیچ اعتقادی نداشته باشد، چگونه می‌تواند انتظار پاداش اعمال خود را از خدا داشته باشد؟! (ب) گاهی فرد به واجب بودن نماز اعتقاد دارد ولی در انجام آن سستی و کاهلی می‌کند؛ گاهی می‌خواند و گاهی نمی‌خواند؛ ولی اعمال نیک دیگری انجام می‌دهد؛ مثلاً روزه می‌گیرد، مدرسه می‌سازد، به یتیمان کمک می‌کند، در این صورت اعمال او می‌تواند مقبول درگاه خداوند باشد.

■ چه چیزهایی باعث می‌شود نماز ما پذیرفته نشود؟

در آموزه‌های دینی عوامل گوناگونی برای این مسئله بیان شده است، به بعضی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

■ ایمان نداشتن به امام زمان خود

امام باقر علیه السلام فرمود: "کسی که به وجود امام زمانش اعتقاد نداشته باشد نمازش قبول نمی‌گردد."^۱

■ شراب‌خواری

در روایت است نوشیدن شراب باعث می‌شود تا چهل روز نماز شخص پذیرفته نشود. البته این بدان معنا نیست که شخص چه نماز بخواند و چه نخواند، فرقی نداشته باشد؛ در واقع اگر چنین کسی نماز را نیز ترک کند دو گناه بزرگ را انجام داده است؛ یکی شراب‌خواری و دیگری ترک نماز؛ بلکه این روایت به این معناست که ارزش و تأثیر آن نماز پایین آمده است.

■ تحت فشار بول بودن در حال نماز

در رساله‌های عملیه مراجع تقلید خودداری از بول و باد معده از مکروه‌ها دانسته‌اند؛ یعنی بهتر است که در این حالت فرد نماز نخواند؛ بلکه وقتی از آنها خلاصی یافت، به نماز بایستد. در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که فرموده‌اند: "لا صلاة لعاقن ولا حاقب"^۲؛ کسی که در حال نگاه‌داشتن از بول یا باد معده نماز بخواند، نمازش کامل نیست.

■ پرخوری

پرخوری ضررهای بسیاری دارد که یکی از آنها، آسیب‌زدن به عبادت و نماز است. ابن‌عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمودند: "لا يدخل ملكوت السماء من ملاء بطنه"^۳؛ کسی که شکمش پر باشد وارد ملکوت آسمان نمی‌شود. و نیز حضرت علی علیه السلام فرمودند: "از پرخوری دوری کنید؛ چون موجب قساوت قلب و کسالت در انجام نماز و سبب تباهی بدن است".

■ ریا و خودنمایی در نماز

امام صادق علیه السلام فرمودند: "در روز قیامت بنده‌ای را می‌آورند که اهل نماز بوده و خود نیز چنین ادعا می‌کند. به او می‌گویند: تو برای آن نماز خواندی که تو را ستایش کنند؛ پس به فرشتگان دستور می‌رسد

۱ □ □ قال الباقر □: "كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجْهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَّهُ غَيْرَ مَقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ" (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۹).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ □ قَالَ: "مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا" (کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۰۰).

۳. طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۶.

او را به سوی آتش ببرند".

پیامبر ﷺ فرموده‌اند: "مَنْ صَلَّى صَلَاةً يُرَاءِي بِهَا فَقَدْ أَشْرَكَ"^۱؛ کسی که برای خودنمایی نماز بخواند، مشرک است.

■ نداشتن حضور قلب

"لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَا يَخْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ"^۲؛ خداوند نماز بنده‌ای را که دلش همراه بدنش نیست، نمی‌پذیرد. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصَلِّي الصَّلَاةَ لَا يُكْتَبُ لَهُ سُدُسُهَا وَلَا عَشْرُهَا وَإِنَّمَا يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا"^۳؛ گاهی بنده‌ای نماز می‌خواند درحالی که برای او، نه یک‌ششم نماز نوشته می‌شود و نه یک‌دهم. از نماز بنده تنها آن مقدار نوشته می‌شود که با توجه خوانده است.

■ نارضایتی والدین از نماز گزار

قال ابو عبد الله ﷺ: "مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبْوَيْهِ نَظَرَ مَا قَاتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً"^۴؛ هر کس به پدر و مادرش از روی غضب نگاه کند، خدا هیچ نمازی را از او قبول نمی‌کند، اگر چه آنها در حق او ستم نیز کرده باشند.

■ غیبت

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: "هر کس غیبت مرد یا زن مسلمانی را بکند تا چهل روز نمازش قبول نمی‌شود مگر اینکه آن شخص او را ببخشد". قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: "مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَكَيْفَ إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ"^۵.

■ بی‌اعتنایی نسبت به محرومان

امام صادق ﷺ فرمود: "نماز کسانی که نسبت به آوارگان و برهنگان جامعه بی‌اعتنا هستند، قبول نیست"^۶.

■ حرام‌خواری

در بعضی روایات، نماز کسی که حرام‌خوار است به ساختن ساختمان بر روی ماسه نرم تشبیه شده است.^۷ چنین ساختمانی چون پایه محکمی ندارد، به‌زودی فرو می‌ریزد و تباہ می‌شود.

■ بدخواهی برای مسلمانان؛

خدا از مؤمنی که بدخواه برادر مؤمن خود باشد، هیچ عملی را نمی‌پذیرد.^۸ چه نماز و چه غیر نماز.

■ قطع رابطه با برادر دینی؛

پیامبر ﷺ به ابوذر فرمودند: "ای ابوذر مبادا با برادر دینی‌ات قطع رابطه کنی که در این صورت هیچ عملی از تو پذیرفته نمی‌شود"^۹.

۱. حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۱۸

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۲، باب ۱۶ آداب الصلاة ...

۳. همان، ج ۸۱، ص ۲۴۹، باب ۱۶ آداب الصلاة ...

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۶۵، ح ۱۴۳، باب العقوق ...

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۵۸، باب ۶۶ الغیبة ...

۶. همان، ج ۸۴، ص ۲۴۲.

۷. الصلوة مع أكل الحرام كالبناء علی الرمل (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۸).

۸. ابوعبدالله ﷺ: "لا يقبل الله من مؤمن عملاً و هو مضمّر علی اخیه سوءة" (کلینی، اصول کافی، ترجمه کمره‌ای، ج ۵، ص ۳۴۱).

۹. قال رسول الله ﷺ: "يا اباذر! إياك و هجران اخيك، فإنّ العمل لا يقبل مع الهجران" (طبرسی، مکارم الأخلاق، الفصل الخامس، ص ۴۷۰).

■ آزار دادن شوهر

پیامبر ﷺ فرمود: "خداوند هیچ عملی را از زنی که همسرش را آزار دهد، نمی‌پذیرد".^۱ پیداست این روایت درباره زن است ولی شاید بتوان آن را درباره مرد نیز صادق دانست؛ زیرا برای مرد هم حرام است که زنش را آزار دهد.

■ سبک شمردن نماز

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: "چه بسا شخصی پنجاه سال نماز می‌خواند ولی یک نمازش قبول نمی‌شود؛ چون نمازش را سبک می‌گیرد و نمازی که سبک شمرده شود قبول نمی‌گردد".^۲

■ ندادن زکات

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: "یک گروه از کسانی که نمازشان قبول نمی‌شود، کسی است که زکات نمی‌پردازد".^۳

در پایان گفتنی است با توجه به اینکه در روایات انجام برخی از اعمال مانع قبولی نماز معرفی شده‌اند که جزء مکروهات هستند، معلوم می‌شود معنای عدم قبولی نماز در این موارد، پایین بودن ارزش آن نماز و عدم توانایی این نماز برای بالا بردن انسان به ملکوت است؛ نه اینکه باعث باطل شدن آن نماز شود.

■ وقتی ما خدا را خوب نمی‌شناسیم، عبادت کورکورانه چه سودی دارد؟

پیش از هر چیز لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که اساساً عبادت بدون شناخت خدا غیرممکن است؛ به بیان دیگر هر کسی خداوند را عبادت می‌کند، حتماً شناختی هر چند سطحی و ابتدایی از او دارد و همین مقدار از شناخت خدا هم برای انجام عبادت در مراحل اولیه کافی است و لازم نیست انسان شناخت بسیار عمیقی نسبت به خدا داشته باشد تا بتواند او را عبادت کند. در واقع همین اندازه که شخص بداند خداوند یگانه خالق همه چیز است کافی است تا در برابر او سر به سجده گذارد و خضوع کند.

از این گذشته اتفاقاً یکی از مهم‌ترین ابزارهای شناخت خداوند متعال نماز است؛ زیرا ما در نماز، آیات قرآن و ذکراهایی را دائماً تکرار می‌کنیم که توجه معنای هر کدام از آنها دری به سوی خداشناسی است. همچنین اعمالی مانند قیام و رکوع و سجده در ما نوعی بینش معنوی نسبت به بزرگی و عظمت خداوند در ما ایجاد می‌کند و باعث می‌شود معرفت ما نسبت به خدا در اعماق قلبمان رسوخ کند.

نکته دیگر اینکه شناخت ما نسبت به خداوند همانند بسیاری از چیزهای دیگر در زندگی به صورت تدریجی رشد می‌کند. اگر قرار بود عبادت خداوند موقوف می‌شد به وقتی که انسان شناختی گسترده و ژرف نسبت به او پیدا کند، چند نفر در کل زمین می‌توانست به عبادت خدا پردازد؟! مخصوصاً وقتی

۱. "مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا - حَتَّى تُعَيِّنَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَ إِذْ صَامَتِ الدَّهْرَ - وَ قَامَتْ وَ أَعْتَقَتِ الرَّقَابَ وَ أَنْفَقَتْ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرُ وَ الْعَذَابُ - إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا طَالِمًا" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶).

۲. "وَ اللَّهُ إِنَّهُ لِيَأْتِي عَلِيَّ الرَّجُلَ خَمْسُونَ سَنَةً وَ مَاقِبَلِ اللَّهِ مِنْهُ صَلَاةٌ وَ أَحَدَةٌ. فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدَّ مِنْ هَذَا؟! وَ اللَّهُ إِنَّكُمْ لَتَعْرِفُونَ مِنْ جِيرَانِكُمْ وَ اصْحَابِكُمْ مَنْ لَوْ كَانَ يَصَلِّي لِعِضْكُمْ، مَاقِبَلِهَا مِنْهُ لَاسْتِخْفَاهُ بِهَا. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْحَسَنَ، فَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يَسْتَخْفَى بِهِ؟" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۹).

۳. ع"يُ مَمَانِيَّةٌ لَا يَقْبَلُ مِنْهُمْ الصَّلَاةَ..... وَ النَّاشِرُ وَ رَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاحِطٌ - وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ.... وَ إِمَامٌ قَوْمٍ يَصَلِّي بِيَهُمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۵۰، باب ۳).

می‌بینیم که حتی پیامبر اکرم ﷺ که هیچ کس در معرفت نسبت به خدا به گرد پای او هم نمی‌رسد، ندا سر می‌دهد "مَا عَبْدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَمَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ".^۱؛ تو را نشناختیم آن‌گونه که باید، و تو را عبادت نکردیم آن‌گونه که تو شایسته‌اش بودی! در حالی خود آن حضرت از اولین نمازگزاران بود و همیشه همه را به نماز خواندن دعوت و سفارش می‌کرد.

موضوع با اهمیت دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که استعداد و ظرفیت انسان‌ها در شناخت خدا متفاوت است. نباید انتظار داشت همه مسلمانان به اندازه پیامبر اکرم ﷺ خداوند را بشناسند و بعد از آن به سمت نماز بروند؛ هرچند هر کس باید بکوشد روزبه‌روز بر معرفت خود نسبت به خداوند بیافزاید تا عبادتش در سطح والاتری قرار گیرد و جالب اینجاست که بر اساس قرآن کریم، خود عبادت یکی از راه‌های افزایش شناخت انسان نسبت به خدای عزیز است. در قرآن کریم خداوند خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: "و اعبد ربك حتى ياتيك اليقين"^۲؛ و پروردگارت را پرستش کن تا آنکه یقینی (مرگ)، تو را فرا رسد. البته این آیه نیز مانند بسیاری از آیات دیگر اختصاص به پیامبر اکرم ﷺ ندارد؛ بلکه هر کس با عبادت می‌تواند به مقام یقین که بالاترین درجه معرفت نسبت به خداست برسد.

■ اگر نماز برای این است که نمازگزار به کمال برسد، نمازهای استیجاری چیست؟

نماز عبادتی است دارای جنبه‌های متعدد. یک جنبه آن این است که نمازگزار را از فحشاء و منکر باز می‌دارد و این یعنی اینکه آن شخص به کمال می‌رسد؛ اما جنبه‌های دیگری هم دارد از جمله تکلیفی الهی است که شخص باید آن را در زمان حیات خود به بی‌کم و کاست به انجام برساند و اگر چیزی از آن را در زمان حیاتش به انجام نرساند، باید پس از مرگش دیگری به نیابت از او به انجام برساند و نقص آن را جبران کند و این دستور خود خداوند است. البته درجه چنین شخصی نزد خدا از درجه افرادی که تمام نمازهایشان را در زمان حیاتشان، خود به‌جا آورده‌اند پایین‌تر است و بهره‌های معنوی کمتری از نماز می‌برد؛ هر چند که هر دو تکلیف الهی‌شان را انجام داده‌اند.

در واقع اینکه خداوند امکان به‌جا آوردن قضای نمازهای فرد را پس از مرگ او فراهم کرده است، هدیه و تخفیفی از جانب خداوند برای مؤمنان است تا به‌این‌وسیله زمینه غفران الهی و کاهش عذاب برای فرد ایجاد گردد؛ لذا می‌بینیم که غیر از نماز استیجاری که یکی از واجبات الهی است در اسلام توصیه شده است که بازماندگان مؤمنان از دنیا رفته، بعضی اعمال مستحبی همچون قرائت قرآن و نمازهای مستحبی و صدقات جاری را به نیابت از آنها انجام دهند و به آنها هدیه دهد.^۳

■ چه تفاوتی می‌کند که نمازمان را اول وقت بخوانیم یا بعد از آن؟

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام آثار فراوانی برای نماز اول وقت بیان گردیده که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۳.

۲. حجر: ۹۹.

۳. فی الحدیث النبوی ﷺ: "اذکروا موتاکم بالخير" (ابن حجر الهیثمی، الصوامر المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة، فیض‌الإله، ص ۵۰).

برآورده شدن خواسته‌ها

حضرت عبدالعظیم حسنی از امام حسن عسکری علیه السلام روایت می‌کند آن حضرت فرمودند: "خداوند متعال با حضرت موسی علیه السلام تکلم کرد، حضرت موسی علیه السلام فرمود: خدای من! کسی که نمازها را در وقتش به جای آورد چه پاداشی دارد؟ خداوند فرمود: حاجت و درخواستش را به او عطا می‌کنم و به او اجازه می‌دهم وارد بهشت شود."^۱

حجۀ الاسلام و المسلمین هاشمی نژاد فرمودند: پیرمردی مسن، ماه مبارک رمضان به مسجد لاله‌زار می‌آمد. خیلی آدم موفق بود، همیشه قبل از اذان داخل مسجد بود. یک بار به او گفتم: حاج آقا، من هر روز که به مسجد می‌آیم می‌بینم شما زودتر از ما آمده‌اید جا بگیرید! گفت: آقا، من هرچه دارم از نماز اول وقت دارم و ادامه داد: من در نوجوانی به مشهد رفتم. مرحوم حاج شیخ حسن علی نخودکی را پیدا کردم و گفتم: من سه حاجت مهم دارم، دلم می‌خواهد هر سه را خدا در جوانی به من بدهد، یک چیزی به من یاد بدهید؟ ایشان فرمودند: چه می‌خواهی؟ گفتم: اول اینکه دلم می‌خواهد در جوانی به حج مشرف شوم، چون حج در جوانی لذت دیگری دارد. فرمودند: نماز اول وقت به جماعت بخوان. گفتم: دومین حاجتم این است که دلم می‌خواهد یک همسر خوب، خدا به من عنایت کند. فرمودند: نماز اول وقت به جماعت بخوان. و حاجت سوم این است که خدا یک کسب آبرومندی به من عنایت فرماید. فرمودند: نماز اول وقت به جماعت بخوان. این عملی را که ایشان فرمودند من شروع کردم و در فاصله سه سال هم به حج مشرف شدم، هم خدا به من زن مؤمن و صالح داد و هم کسب و کار آبرومندی به من عنایت کرد.^۲

برطرف شدن گرفتاری و ناراحتی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: "بنده‌ای نیست که به اوقات نماز و اینکه خورشید در چه موقعیتی در آسمان قرار گرفته اهمیت بدهد، مگر اینکه من سه چیز را برای او ضمانت می‌کنم: برطرف شدن گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها، آسایش و خوشی به هنگام مردن و نجات از آتش."^۳

ورود به بهشت و دوری از جهنم

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: "هر کس نماز واجب را درحالی که نسبت به حق آن شناخت داشته باشد، به موقع بخواند و هیچ چیز دیگری را بر آن ترجیح ندهد، خداوند برای او سند رهایی از جهنم می‌نویسد که او را عذاب نکند و کسی که در به موقع به‌جا نیاورد؛ بلکه چیزی دیگری را بر آن ترجیح دهد، خداوند می‌تواند او را ببخشد یا عذابش کند."^۴

در امان بودن از بلاهای آسمانی؛

قطب راوندی گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "هنگامی که خداوند از آسمان آفت و بلائی بفرستد، سه

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۴.

۲. علی میرخلف‌زاده، داستان‌هایی از نماز اول وقت، ص ۱۲۱.

۳. قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۳.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱، ح ۲۳ و ص ۷۸، ح ۱.

گروه از آن، در امان می‌مانند: حاملان قرآن، رعایت کنندگان خورشید؛ یعنی کسانی که وقت‌های نماز را محافظت می‌کنند و کسانی که مساجد را آباد می‌نمایند.^۱

خشنودی خداوند؛

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "اول وقت، خشنودی خداست و آخر وقت عفو خدا و عفو تنها به جهت گناه است."^۲

از طرف دیگر به تأخیر انداختن نماز، موجب خشم خداست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: "نماز را با وضوی کامل و شاداب در وقتش به‌جا آور که تأخیر انداختن نماز بدون جهت، باعث غضب پروردگار است."^۳

استجاب دعا و بالا رفتن اعمال

در حدیث شریفی آمده است که به هنگام ظهر درهای آسمان گشوده می‌شود و درهای بهشت باز می‌گردد و دعا مستجاب می‌شود؛ پس خوشا به حال کسی که در آن هنگام برای او عمل صالحی بالا رود.^۴ در حدیثی دیگر از حضرت صادق علیه السلام آمده است که فرمودند: "... بهترین ساعت‌های شب و روز، وقت‌های نماز است." سپس فرمودند: "چون ظهر می‌شود درهای آسمان گشوده شده و بادهای می‌وزند و خداوند به خلق خود نگاه می‌کند. به‌راستی که من بسیار دوست دارم در آن هنگام، عمل صالحی برای من بالا رود. آنگاه فرمودند: بعد از نمازها دعا کنید؛ چون مستجاب می‌شود."^۵

دوری شیطان و تلقین شهادتین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: "تا زمانی که مؤمن مراقب انجام نمازهای پنج‌گانه در وقت آنها باشد، شیطان پیوسته از او هراسان است؛ اما اگر آنها را ضایع نمود، شیطان بر وی جرأت پیدا کرده و او را در گناهان بزرگ می‌اندازد."^۶ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "کسی که مراقب نمازهایش باشد ملک الموت، هنگام مرگ او، شیطان را از او دور می‌کند و شهادت به یگانگی خدا و نبوت پیامبرش را در آن لحظات مهم به او تلقین می‌کند."^۷

بعضی دیگر از آثار و برکات نماز اول وقت که در روایات به آنها اشاره شده است، عبارتند از: زیاد شدن عمر، ثروت و فرزندان صالح در دنیا، در امان بودن از ترس و وحشت مرگ در موقع جان دادن، آسان شدن سؤال نکیر و منکر در قبر، وسیع شدن قبر، نورانی شدن چهره، دادن نامه عمل به‌دست راست و آسان گرفتن حساب در محشر، رضایت خداوند، سلام دادن خداوند عزیز به او و نگاه کردن از روی

۱. ری شهری، الصلاة فی الكتاب و السنة، ج ۱، ص ۳۲۹.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۹۰، ح ۱۶.

۳. محمدتقی مقدم، سرمایه سخنوران، ص ۳۰۶.

۴. قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

۵. محمدعلی شرقی، اصول وافی، ج ۲، ص ۸۷.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱ و ۹ و ۸۶.

۷. همان.

رحمت به او در هنگام عبور از صراط.^۱

حجۀ الاسلام انصاری می گوید: امام خمینی □ در روزهای آخر عمرشان می خواستند بخوابند؛ به من فرمودند اگر خوابیدم، اول وقت نماز صدایم بزن، گفتم چشم. اول وقت نماز که فرا رسید دیدم امام □ خوابیده اند، حیقم آمد صدایشان بزنم؛ عمل جراحی کرده بودند و هنوز سرم به دستشان وصل بود، گفتم صدایشان بزنم بهتر است. چند دقیقه ای از اذان گذشت و امام □ چشم هایشان را باز کردند، گفتند: وقت نماز شده؟ گفتم: بله فرمودند: چرا صدایم نزدی؟ گفتم: ده دقیقه بیشتر از وقت نگذشته است. گفتند: مگر به شما نگفتم. سپس امام □ فرزند خود را صدا زدند و فرمودند: ناراحتم. از اول عمرم تا حالا نمازم را اول وقت خوانده ام، چرا الان باید ده دقیقه تأخیر بیفتد؟

■ آثار و برکات معنوی نماز برای انسان چیست؟

توجه فرشتگان الهی به نمازگزار

حضرت علی علیه السلام فرمود: "وقتی فرد به نماز می ایستد، سه اتفاق خوب برای او می افتد: فرشتگانی او را از جای پاهایش تا آسمان احاطه می کنند و از آسمان بر سرش رحمت و نیکی فرو می ریزد و فرشته ای از سمت راست و چپ بر او گماشته می شود. در این حال اگر او توجه خود را از دست بدهد خدای تبارک و تعالی ندا می دهد: بهتر از من کسی را یافته ای که به او توجه می کنی؟ اگر نمازگزار می دانست با چه کسی مشغول مناجات است خسته نمی شد."

باز شدن درب رحمت الهی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "... ای ابوذر، تا زمانی که در نماز هستی، در خانه پادشاه عالم را می کوبی و هر کس در خانه پادشاه را بسیار بکوبد، در برای او گشوده می شود. ای ابوذر، هیچ مؤمنی به نماز نمی ایستد مگر اینکه از بین عرش تا سرش بر او نیکی فرو می ریزد و فرشته ای مأمور می شود که بانگ برآورد: ای فرزند آدم اگر می دانستی از نماز چه بهره ای به دست می آوری و با چه کسی مشغول مناجات هستی خسته نمی شدی."

حسادت شیطان

هنگامی که شخصی به نماز می ایستد، شیطان می آید و با حسادت به او نگاه می کند؛ زیرا می بیند که رحمت خدا او را فرا گرفته است.^۲

توجه نمودن خدا به بنده

امام علی علیه السلام فرمودند: هنگامی که شخصی به نماز می ایستد، چنان رحمت خداوند سر تا پای وجودش را می گیرد که حسادت شیطان برانگیخته می شود و شیطان با حسادت به او می نگرَد.^۳

۱. صدی مازندرانی، حیات عارفانه فرزندان، ص ۱۰ (به نقل از ثمرات، ص ۴۰۸).

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۰۷ □

۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ □ قَالَ: إِذَا اسْتَقْبَلَ الْمُصَلِّيَ الْقِبْلَةَ اسْتَقْبَلَ الرَّحْمَنَ بِوَجْهِهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹ ص ۲۱۹).

■ آیا نماز در دنیا هم برای انسان آثاری دارد؟

در پاسخ باید گفت در آموزه‌های دینی، برای نماز آثار فراوانی در دنیا بیان شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

بهترین وسیله تقرب به خدا

امام صادق علیه السلام نماز را بعد از شناخت خداوند مهم‌ترین وسیله تقرب به خدا معرفی می‌کنند.^۱ هر کس در این دنیا به مقامی رسیده است و محبوب خدا شده است در پرتو اهمیت دادن به نماز بوده است.

آرامش

انسان به طور فطری خدایپرست آفریده شده است و از طرفی در دنیا گاهی استرس و اضطراب او را آزار می‌دهد. یاد خدا داروی شفابخش این اضطراب‌ها و تشویش‌هاست^۲ و مهم‌ترین راه یاد خدا نماز است.^۳

دور شدن از غفلت

غفلت باعث پیروی انسان از هوای نفس و شیطان می‌گردد و یاد خدا موجب از بین بردن غفلت است و نماز برجسته‌ترین شیوه یاد خداوند است.^۴

همراهی خدا در زندگی

خداوند به بندگان مؤمن خود وعده داده که همراه آنها باشد به شرط آنکه نماز را برپا کنند.^۵

بخشش گناهان

در روایات فراوانی نماز از مهم‌ترین عوامل بخشش گناهان معرفی گردیده است. به فرموده امیر مؤمنان علی علیه السلام آیه ۱۱۴ سوره هود، امیدوارکننده‌ترین آیه قرآن است که در آن خداوند نماز را پاک کننده گناهان معرفی می‌نماید.^۶

۱. سَأَلَ مُعَاوِيَةَ بْنُ وَهَبٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَأَحَبِّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا هُوَ فَقَالَ: "مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ

أَفْضَلُ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ أَلَّا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ □ قَالَ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ" (شيخ صدوق، من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۰).

۲. "الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" (رعد: ۲۸).

۳. "وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي" (طه: ۱۴).

۴. قَالَ الْبَاقِرُ □: "إِنَّمَا مُؤْمِنٌ حَافِظٌ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَاهَا لَوْفَيْهَا قَلْبٌ هَذَا مِنَ الْعَافِلِينَ" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۷۰).

۵. "وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ ... " (مائدة: ۱۲).

۶. "وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ ذُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِمُنَّ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ" (هود: ۱۱۴): عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَحَدَهُمَا

□ يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا □ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ: "أَيُّهُ آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَرْجَى عِنْدَكُمْ" فَقَالَ بَعْضُهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ

قَالَ حَسَنَةً وَ لَيْسَتْ إِثْمًا وَ قَالَ بَعْضُهُمْ وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ الْآيَةُ قَالَ حَسَنَةً وَ لَيْسَتْ إِثْمًا فَقَالَ بَعْضُهُمْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى

أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ قَالَ حَسَنَةً وَ لَيْسَتْ إِثْمًا وَ قَالَ بَعْضُهُمْ وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ قَالَ

حَسَنَةً وَ لَيْسَتْ إِثْمًا قَالَ ثُمَّ أَحْجَمَ النَّاسُ فَقَالَ مَا لَكُمْ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ قَالُوا: "لَا وَ اللَّهِ مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ أَرْجَى آيَةٍ فِي

كِتَابِ اللَّهِ وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ ذُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ وَ قَرَأَ الْآيَةَ كُلُّهَا وَ قَالَ يَا عَلِيُّ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَقُومُ إِلَى وَضُوئِهِ

فَتَسَاقَطُ عَنْ جَوَارِحِهِ الذُّنُوبُ فَإِذَا اسْتَقْبَلَ اللَّهُ بِوَجْهِهِ وَ قَلْبِهِ لَمْ يَنْقُصْ عَنْ صَلَاتِهِ وَ عَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْءٌ كَمَا وَ لَدَيْهِ أُمَّهُ فَإِنَّ أَصَابَ شَيْئًا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ

كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى عَدَّ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّمَا مَنَزَلَتْ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسُ لِأُمَّتِي كَتَبَهَا جَارٌ عَلَيَّ بِأَبِ أَحَدِكُمْ فَمَا ظَنُّ أَحَدِكُمْ لَوْ كَانَ فِي

جَسَدِهِ دَرَنْ ثُمَّ اغْتَسَلَ فِي ذَلِكَ النَّهْرِ خَمْسَ مَرَّاتٍ فِي الْيَوْمِ أَوْ كَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ دَرَنْ فَكَذَلِكَ وَ اللَّهُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسُ لِأُمَّتِي" (مجلسی، بحار الانوار، ج

بازدارندگی از گناهان

بسیاری از افراد دوست دارند در زندگی به سراغ گناه و هوای نفس نروند ولی راه آن را نمی‌دانند، قرآن کریم راه دوری از فحشا و منکر را نماز معرفی می‌کند. به هر اندازه عیار نماز انسان بیشتر باشد، بازدارندگی آن از گناه بیشتر است.^۱

سپری در مقابل شیطان

شیطان قسم خورده است همه انسان‌ها را گمراه کند و قرآن کریم نیز شیطان را دشمن آشکار انسان‌ها معرفی نموده است؛ حال برای دوری از این دشمن قسم خورده لازم است به سراغ چیزی رویم که او از آن متنفر است و آن نماز است که در روایات فراوانی به این مسئله اشاره شده است؛^۲ زیرا شیطان در برابر خداوند تکبر ورزید و سجده نکرد و حضرت زهرا علیها السلام هم فرمودند: "خداوند نماز را برای دوری از تکبر واجب نمود". از اینجا معنا و دلیل سخن امام زمان علیه السلام روشن می‌شود که فرمودند: "هیچ چیزی مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد".^۳

دوری از حرص، طمع و ناشکیبایی

خداوند نوع انسان را حریص و بخیل و عجول آفریده است و این صفات تنها با نماز از بین می‌رود. بنابراین یکی از آثار نماز، رهایی از این صفات مذموم است.^۴

....→

۷۹، ص ۲۲۰.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ □□ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ قَالَ: "صَلَاةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَدْهَبُ بِمَا عَمِلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۶).

عَنْ عَلِيِّ □□ فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِيَّةِ قَالَ: "مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غُفِرَ لَهُ ..." (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۸).
عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي ظِلِّ شَجَرَةٍ فَأَخَذَ غُضًّا مِنْهَا فَفَضَّضَهُ فَتَسَاقَطَ وَ رَفُّهُ فَقَالَ أَلَا تَسْأَلُونِي عَمَّا صَنَعْتُ فَقَالُوا أُخْبِرْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: "إِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَحَاتَّتْ خَطَايَاهُ كَمَا تَحَاتَّتْ وَ رَفِي هَذِهِ الشَّجَرَةُ" (همان، ج ۴، ص ۱۰۳).
قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: "مَا مِنْ صَلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتَهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَيْ النَّاسِ أَيُّهَا النَّاسُ فُومُوا إِلَى نِيَرَانِكُمْ النَّبِيُّ أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا بِصَلَاتِكُمْ" (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸).

۱. "أَتَى مَا أُوجِبِي إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَ أَوَمَّ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لِيَذُكُرَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ" (عنکبوت: ۴۵)
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ □□: "اعْلَمَنَّ أَنَّ الصَّلَاةَ حُجْرَةٌ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا أَدْرَكَهُ مِنْ نَفْعِ صَلَاتِهِ فَلْيَنْظُرْ فَإِنَّ كَانَتْ صَلَاتُهُ حَجْرَتُهُ عَنِ الْفَوَاحِشِ وَ الْمُنْكَرِ فَإِنَّمَا أَدْرَكَهُ مِنْ نَفْعِهَا بِقَدْرِ مَا احْتَجَرَ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَعْلَمْ مَا لِلَّهِ عِنْدَهُ" (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۶)
عَنِ الصَّادِقِ □□ أَنَّهُ قَالَ: "الصَّلَاةُ حُجْرَةٌ اللَّهِ وَ ذَلِكَ أَنَّهَا تَحْجُرُ الْمُصَلِّيَّ عَنِ الْمَعَاصِي مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۵).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ هَائِبًا لِابْنِ آدَمَ دَعْرًا مِنْهُ مَا صَلَّى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ لَوْ فَتِنَهُنَّ فَإِذَا صَبَّحَ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَانِمِ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۱)؛ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: "أَوَّلُ مَا يَمَسُّ الْمَاءَ يَتَّبَعُهُ عَنهُ الشَّيْطَانُ فَإِذَا تَمَضَّصَ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ لِسَانَهُ بِالْحِكْمَةِ ..." (همان، ج ۱، ص ۳۹۶)؛ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ □□ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: "أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَ صَايَا الْأَنْبِيَاءِ فَمَا أَحْسَنَ الرَّجُلُ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيُسْبِغُ الوُضُوءَ ثُمَّ يَتَنَحَّى حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَيْسَرُ فَيُشْرِفُ عَلَيْهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسُ يَا وَيلَاةَ أَطَاعَ وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدَ وَ أَتَيْتُ" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۴)؛ قَالَ الصَّادِقِ □□ فِي حَدِيثٍ "إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ يُلْقِنُهُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ" (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۸).

۳. "...فَمَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بَشِيءٍ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلَّهَا وَ أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ" (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۸).

۴. "إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * إِلَّا الْمُصَلِّينَ" (معارج: ۱۹-۲۲).

دفع بلا

امام صادق عليه السلام فرمودند: "به واسطه شیعیانی که اهل نماز هستند خداوند عذاب را از بی نمازها بر می دارد و گرنه اگر همه نماز را ترک می کردند هلاک می شدند" ^۱ و در روایت دیگری رسول خدا صلى الله عليه وآله همین مطلب را فرموده اند؛ البته با این تعبیر که "به سبب کسانی که با نمازشان زمین و مساجد را آباد نگاه می دارند." ^۲

برطرف شدن مشکلات

قرآن کریم به مؤمنان دستور می دهد که از نماز و صبر کمک بگیرند و این موضوع اهمیت نماز و نقش نماز در رفع سختی ها و گرفتاری ها را می رساند. ^۳ پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله نیز هر گاه مشکلی برایشان رخ می داد به نماز پناه می برد. ^۴ همچنین خانواده خود را در مشکلات به سمت نماز سوق می دادند. ^۵

برکت در مال و دوری از فقر

از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله درباره نماز سؤال شد. حضرت فرمودند: "نماز موجب برکت مال و وسعت در رزق و روزی است." ^۶

■ نماز چه آثاری برای انسان در هنگام مرگ و عالم برزخ و قیامت دارد؟

راحتی هنگام مرگ

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله برای کسی که به نماز اهمیت بدهد موارد زیر را ضمانت کرده است: راحتی هنگام مرگ و رهایی از غم اخروی و نجات از آتش دوزخ. ^۷

انس نماز با انسان در قبر و دفع وحشت قبر

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: "نماز در قبر به صورت شخصی نورانی نزد میت می آید و با او در قبرش انس می گیرد و ترس و اضطراب عالم برزخ را از او دور می سازد." ^۸

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ □: "إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ مَنَ يُصَلِّي مِنْ شَيْعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُصَلِّي مِنْ شَيْعَتِنَا وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الصَّلَاةِ لَهَلَكُوا ... وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لَوْ لَا دَفَعَهُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: "إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَ فِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَنَ فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لِأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي" (همان، ج ۱۶، ص ۹۲).

۳. "وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ" (بقره: ۴۵)؛ "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ" (بقره: ۱۵۳).

۴. روي أن رسول الله صلى الله عليه وآله "كان إذا حربه أمر فزع إلى الصلاة" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۲).

۵. □ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ كَانَ إِذَا أَصَابَ أَهْلَهُ خِصَاصَةٌ قَالَ لَهُمْ: "فُومُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَ قَالَ بِهِذَا أَمَرَ رَبِّي" (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۴۲).

۶. سُئِلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عَنِ الصَّلَاةِ فَقَالَ صلى الله عليه وآله: "الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا ... وَ بَرَكَةٌ فِي الرُّزْقِ ..." (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۳۱)؛ قال: "... وَ هِيَ (نماز) ... وَ البركة في المال و سعة الرزق ... و استنزال الرحمة ... و حصن المال ..." (شعیری، جامع الأخبار، ص ۷۲).

۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: "مَا مِنْ عَبْدٍ اهْتَمَّ بِمَوَاقِبِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا صَمِنَتْ لَهُ الرُّوحُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقَطَعَ الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَانُ وَ النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ كُنَّا مَرَّةً رِعَاةَ الْإِبِلِ قَصْرْنَا الْيَوْمَ رِعَاةَ الشَّمْسِ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۹).

۸. قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: "إِنَّ الصَّلَاةَ تَأْتِي إِلَى الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ بِصُورَةِ شَخْصٍ أَنُورِ اللَّوْنِ يُونِسُ فِي قَبْرِهِ وَ يَدْفَعُ عَنْهُ أَهْوَالَ الْبَرْزَخِ" (الحكم الزاهرة، ترجمه انصاری، ص ۶۰).

دفع عذاب جهنم و ورود در بهشت

نماز کلید بهشت و رسیدن به پاداش‌های عظیم الهی^۱ و ترک نمازی سبب ورود به جهنم و عذاب است^۲ و امام صادق علیه السلام در سخنی بسیار بزرگ و شایسته اندیشیدن عمیق می‌فرماید: "برای رهایی از عذاب کافی است یک نماز انسان پذیرفته گردد"^۳.

....→

ص ۲۷۵).

۱. عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ □: "يَا أَبَانُ هَذِهِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ مَنْ أَقَامَهُنَّ وَحَافِظَ عَلَى مَوَاقِفِهِنَّ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عِنْدَهُ عَهْدٌ يُدْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّهِنَّ لِمَوَاقِفِهِنَّ فَذَلِكَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ عَقَرَ لَهُ وَ إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۷).
۲. "فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ* عَنِ الْمُجْرِمِينَ* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ" (مدثر: ۴۰-۴۳)
۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ □ قَالَ: "مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَ اجِدَّةً لَمْ يُعَذِّبْهُ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۶).

فصل چهارم: چگونه فرزند و همسر را به نماز علاقه‌مند کنم؟

چگونه فرزندانمان را به نماز علاقه‌مند کنیم؟

همه می‌دانیم زندگی پاکیزه هنگامی به دست خواهد آمد که انسان دل خود را با یاد خدا زنده نگه دارد تا با کمک آن بتواند با جاذبه‌های فریبنده بدی و فساد مبارزه کند و شر شیاطین را از سر خود کم کند. لذا برای رشد معنوی فرزندان و پیشگیری از انحرافات اخلاقی و رفتاری و مصون‌سازی آنها در برابر ویروس‌های بیماری‌زای گناه، باید از نماز؛ این سرچشمه رحمت الهی بهترین استفاده را ببریم؛ زیرا فرزندان، امانت‌های الهی هستند که به والدین سپرده شده‌اند و والدین نسبت به تربیت آنها مسئولیت سنگینی دارند.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: "حق فرزند بر تو این است که بدانی وجود او از توست و بد و خوب او در این دنیا به تو ارتباط دارد و بدانی که در سرپرستی او مسئولیت داری و مسئول تربیت او هستی و او را به‌سوی خداوند بزرگ راهنمایی کنی."^۱

و چه عملی نیکوتر از نماز می‌تواند فرزندانمان را به‌سوی خدا راهنمایی کند و دل آنها را پیش از آنکه شیطان برباید، در گرو محبت به خدا قرار دهد. برای رسیدن به این هدف مهم باید چند گام برداشت:

گام اول: روشن بودن جایگاه و اهمیت نماز در دین و ضرورت و فواید نماز برای خود والدین.

پیش از هر چیز والدین باید از طریق آیات نورانی قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام و سخنان عالمان و استادان اخلاق و عرفان درباره نماز و اهمیت آن و احکام و آداب آن آگاهی لازم را کسب کنند. به عبارتی دستشان در این زمینه پر باشد.

گام دوم: اهمیت دادن خود والدین به نمازهای خود

والدین گرامی خود باید پیش از هر چیز در زمینه اعتنا و توجه به نماز الگویی عملی برای فرزندانمان باشند و تنها به توضیح و توصیه زبانی اکتفا نکنند. فریده مصطفوی دختر حضرت امام خمینی رحمته الله علیه می‌گوید: کارهای دینی به ما دیکته نمی‌شد. در خانواده وقتی رفتار امام را می‌دیدیم، خودبه‌خود بر ما تأثیر می‌گذاشت و همیشه سعی می‌کردیم که مثل ایشان باشیم؛ هرچند مثل ایشان نمی‌شدیم. از نظر تربیتی،

۱. "وَأَمَّا حَقُّ وَ لَدَيْكَ فَتَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِحَبْرِهِ وَ شَرُّهُ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَ لَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمَتَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمَعْدِرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ" (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۲).

خود ایشان برای ما یک الگو بودند. وقتی کاری را به ما می‌گفتند انجام ندهید و ما می‌دیدیم ایشان در عمرشان آن کار را نمی‌کنند، به‌طور طبیعی ما هم انجام نمی‌دادیم.

گام سوم: روشن کردن جایگاه و اهمیت نماز در دین و ضرورت و فواید نماز برای فرزندان با روش‌های متنوع و جذاب. والدین باید با اطلاعات دینی لازم از یک‌سو و اطلاع از روش‌های تربیتی مناسب و به‌کارگیری آنها برای جذب کردن فرزندان خود به نماز بکوشند. برای موفقیت در این راه، والدین باید از طریق مطالعه یا مشورت با متخصصان و کارشناسان، شیوه‌های مناسب ترویج نماز را بیاموزند. متأسفانه گاهی بعضی خانواده‌ها با استفاده از روش‌های نامناسب، نتیجه معکوس می‌گیرند و علاوه بر آنکه فرزندان خود را به نماز جذب نمی‌کنند؛ بلکه آنها را فراری می‌دهند.

گام چهارم: توجه به تفاوت‌های فردی

از آنجایی که افراد از نظر شخصیت و خلیات با هم متفاوتند، والدین باید با تأمل در خصوصیات و روحیات فرزندان خود، دریابند که از بین روش‌های گوناگون تربیتی (که در ادامه بیان خواهد شد) کدام یک با روحیات آن فرزندشان تناسب بیشتری داد و احتمال تأثیرگذاریش بیشتر است تا از آن استفاده کنند؛ در غیر این صورت نتیجه مطلوبی به‌دست نمی‌آورند. در ادامه به برخی از این روش‌ها و چگونگی به‌کارگیری آنها اشاره می‌کنیم.

الف) روش ایجاد انگیزه در فرزندان

این روش به‌خصوص در مرحله‌های آغاز فرزندان به نمازخواندن بسیار کارساز است. تشویق، تأیید، پاداش و هدیه دادن، از ابزارهای این روش است. یکی از نوه‌های امام می‌گوید:

وقتی بچه بودم، یک‌بار که امام مشغول نماز خواندن بود، من هم رفتم پشت سر ایشان ایستادم و همان کارهایی را که ایشان انجام می‌دادند، من هم تکرار می‌کردم. [پس از اتمام نماز] امام چند جلد کتاب کودکان که همان‌جا بود، برداشتند به من [هدیه] دادند. بعدها هر موقع من به اتاق امام می‌رفتم یا ایشان مرا می‌دید از من می‌پرسید [آیا نماز را خوانده‌ای یا نه؟] اگر می‌گفتم بله، می‌گفتند: آفرین.

ب) روش عبادت جمعی و تأثیر آن در نمازخوانی فرزندان

برای آنکه پدر و مادر نقش الگویی و آموزشی خود را به بهترین وجه انجام دهند، می‌توانند به‌همراه فرزندان و دیگر اعضای خانواده، فریضه نماز را به‌صورت دسته‌جمعی به‌جا آورند. بدین ترتیب، هم امکان سهل‌انگاری در نماز به کمترین حد می‌رسد و هم انجام نماز به شکل گروهی و منظم، خود دارای فواید و برکات فراوانی برای افراد خانواده است.

ج) روش تنوع‌بخشی

ایجاد تنوع در برنامه‌های نماز باعث می‌شود نمازخواندن کودکان و نوجوانان استمرار پیدا کند؛ برای مثال نماز جنبه‌های مختلفی دارد و تنها به بعد فردی محدود نمی‌شود. فرزندان در خانواده تنها با بعد فردی نماز آشنا می‌شوند؛ ولی برای آشنایی با جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نماز، شرکت دادن آنان

به همراه افراد خانواده در نماز جماعت، مسجد و نماز جمعه ضروری است.

(د) روش پرهیز از رفتارهای ناخوشایند

این گونه نیست که والدین برای تشویق و واداشتن فرزندان به نماز، به خود اجازه بدهند هر رفتار منفی و ناخوشایندی را نسبت به فرزندان خود انجام بدهند؛ چون ممکن است آنها را برای همیشه از نماز خواندن دل زده بکنند. در ادامه به بعضی از رفتارهای ناخوشایند که والدین باید در استفاده از آنها مواظب باشند آن هم با در نظر گرفتن همه جوانب تربیتی اشاره‌ای خواهیم کرد:

- اجبار کردن کودک و نوجوان به نماز؛

- واداشتن کودک یا نوجوان به نماز، وقت تفریح و بازی او؛

- مقایسه بیش از اندازه فرزندان خود با فرزندان نمازخوان دیگران؛

- دعوت کودک به نماز در زمانی که به تازگی تنبیه شده؛

- خسته کردن کودک یا نوجوان با برنامه‌های اضافی و تعقیبات نماز.

(ه) روش برخورد محترمانه

بهره‌گیری از این روش می‌تواند بسیار مؤثر باشد. در این روش با یادآوری‌های غیرمستقیم و گاهی نادیده گرفتن (تغافل) فرزندان به انجام نماز تشویق می‌شوند.

فریده مصطفوی، دختر امام خمینی □، نقل می‌کند:

امام کسی را از خواب بیدار نمی‌کرد، می‌گفت خودتان اگر بیدار شدید، بلند شوید نماز بخوانید؛ اگر بیدار نشدید، با خود قرار بگذارید که تا پیش از نماز ظهر و عصر، نماز صبحتان را قضا کنید. زمستان هم که بلند می‌شدیم، می‌رفتیم سرحوض که وضو بگیریم، اگر آبی گرم بود، آن را به [بچه‌ها] می‌داد که وضو بگیرند.

(و) روش گفت‌وگو با فرزندان

والدین باید با دلایل روشن و قانع‌کننده، با زبان و لحن محترمانه و مهربانانه اهمیت نماز و ضرورت دقت در انجام آن را برای فرزندان خود تبیین کنند.

دختر امام خمینی □ می‌گوید: پنج سالم بود که یک شب امام مشغول خواندن نماز جماعت شد؛ من دیر وضو گرفتم؛ برای همین وقتی به نماز رسیدم که امام به سجده رفته بودند و بایستی تا رکعت دوم صبر می‌کردم، ولی از شدت علاقه‌ای که برای خواندن نماز با ایشان داشتم، فوری تکبیره الاحرام را گفتم و به خیال اینکه به جماعت وصل شده‌ام، به سجده رفتم.

بعد از نماز، مادرم گفت: دخترم نمازت اشکال داشت. دلیل آن را هم گفتم؛ ولی من نپذیرفتم و اصرار کردم که حتماً به امام بگویم. وقتی امام ماجرا را شنید، با حوصله حدود یک ربع ساعت مسئله را برای من توضیح داد و اینکه حالا برای رفع اشکال باید چه کار کنم.

(ز) روش تدریج

ایجاد رفتارهای صحیح، امری تدریجی است و ما نباید از یک نوجوان نوبالغ به اندازه کسی که سال‌هاست به بلوغ شرعی رسیده انتظار داشته باشیم و در این مسیر باید از هر کسی به اندازه رغبت و ظرفیتش انتظار

داشته باشیم و بیش از طاقتش بر او تکلیف نکنیم.

(ح) روش استدلال

گرایش انسان به بعضی از چیزها نیازی به دلیل و برهان ندارد؛ مثلاً لازم نیست برای اینکه کسی هنگام گرسنگی غذا بخورد، استدلال عقلی بیاوریم؛ زیرا نیاز به غذا، نیازی مادی و ملموس است و انسان به طور غریزی آن را درک می‌کند و به سوی آن کشش دارد؛ اما نیاز انسان به نماز، موضوعی غیرمادی و ناملموس است که برای بسیاری از افراد باید آن را توضیح داد تا به این باور برسند.

به بیان واضح‌تر باید با بیان بعضی از مسائل مانند هدف خلقت انسان و محدود نبودن زندگی انسان به این زندگی دنیوی و وجود برزخ و قیامت و حساب و بهشت و جهنم و... پایه‌های اعتقادی فرزندانمان را محکم‌تر کنیم؛ در این صورت خود به ضرورت نماز برای رسیدن به پادشاه‌های عظیم الهی پی خواهند برد و نسبت به آن پایبند خواهند شد.

روش‌های متنوع دیگری نیز برای تشویق فرزندان به نماز وجود دارد که برای پرهیز از طولانی شدن بحث از بیان آنها خودداری می‌کنیم و به خواننده علاقه‌مند پیشنهاد می‌کنیم به کتاب‌هایی که در این زمینه نگارش شده مراجعه کند.

- بهشتی، سید جواد، (۱۳۷۵)، *چهار صد سخن پیرامون نماز*، انتشارات ستاد اقامه نماز؛

- وحیدی، محمد، *دانستنی‌های لازم از نماز*، انتشارات بوستان کتاب.

■ چگونه کودکان را به نماز دعوت کنیم؟

سخن درباره روش‌های مؤثر در جذب کودکان به آموزه‌های دینی و به ویژه نماز، نیازمند نوشتاری گسترده‌تر است و بسیار مناسب است که به کتاب‌های مفیدی که در این زمینه نوشته شده است، مراجعه شود. کتاب‌هایی مانند:

- قائمی علی، *تعلیم نماز به کودکان و نوجوانان*، انتشارات ستاد اقامه نماز؛

- حسینی و دلاویز، *بررسی عدم گرایش به نماز*، راهنمایی و متوسطه در استان گیلان؛

- احمدی، سیداحمد، (۱۳۸۰)، *اصول و روش‌های تربیت در اسلام*، انتشارات دانشگاه.

با این حال در اینجا تنها به چند روش کاربردی و مؤثر به اختصار اشاره می‌کنیم.

روش الگودهی

از جمله روش‌های مؤثر و مطرح در روانشناسی رشد، روش ارائه الگوست. اگر والدین خود به آموزه‌های دینی پایبند باشند و به گفته‌های خود عمل کنند، کودک نیز به سبب روحیه تقلیدپذیری، از آنها پیروی خواهد کرد؛ زیرا در سنین ۱ تا ۷ سال، کودک به شدت تقلیدپذیر است و حتی بی‌آنکه بداند چرا باید کاری (مثل نماز) را انجام داد، به تقلید از دیگران انجام می‌دهد. البته شیوه تقلید از دیگران حتی در بزرگسالی نیز بیش‌و کم در افراد وجود دارد.

فضاسازی معنوی

فرزندانی که در خانواده‌ای لبریز از یاد و محبت خدا به دنیا می‌آید، به صورت طبیعی به نماز کشش پیدا

می‌کند؛ زیرا از همان آغاز تولد، در گوشش اذان و اقامه را زمزمه کرده‌اند که با آنها او را به "نماز (صلوه)" و "رستگاری (فلاح)" و "خیر العمل" دعوت کرده‌اند. در خانه‌ای که والدین به مناجات شبانه بر می‌خیزند و اهل خانه همگی معتقد و پایبند به آداب دینی هستند، کمتر پیش می‌آید فرزندشان از خدا و عبادت او روی‌گردان باشد.

پاسخ مناسب به کنجکاوی‌های کودک

از ویژگی‌های طبیعی کودک کنجکاوی اوست که سبب می‌شود از هر چیزی بپرسد از جمله دربارهٔ خدا. پاسخ مناسب و صحیح به پرسش‌های کودک ضمن ایجاد آرامش روحی و روانی در او، فرصت مناسبی را برای والدین به وجود می‌آورد تا رفتارهای مناسب و مطلوب را در او پرورش دهد.

آموزش تدریجی در حد توان

پدر و مادر باید بدانند همان‌گونه که نسبت به تأمین نیازهای مادی کودک مسئولیت دارند، در برابر تأمین نیازهای معنوی نیز وظیفه دارند. امام باقر علیه السلام در گفتاری حکیمانه، مراحل تربیت معنوی فرزندان را شرح داده و چگونگی تربیت آنان را در سنین مختلف بیان می‌کند. طبق رهنمود آن حضرت، والدین باید در سه سالگی کلمهٔ توحید "لا اله الا الله" را به کودک یاد دهند؛ در چهار سالگی کلمهٔ رسالت "محمد رسول الله" را به او بیاموزند و در پایان پنج سالگی او را آزمایش کنند، اگر راست و چپ را می‌شناسد، صورتش را به سوی قبله متوجه ساخته و به او بگویند که رو به سوی قبله سجده کند؛ در شش سالگی اجزاء نماز مانند رکوع و سجدهٔ صحیح را به او بیاموزند و وقتی به پایان هفت سالگی رسید، به او بگویند دست‌ها و صورتش را بشوید و به نماز بایستد.^۱

حضور در مجامع و محافل نماز

مشاهدات انسان، یکی از عوامل مؤثر در تربیت اوست. قرآن کریم در آیات متعدد، انسان‌ها را به "دیدن" و "اندیشیدن" دعوت می‌کند، زیرا بین "دیدن" و "باور کردن" رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ از این رو باید کاری کنیم که فرزند ما با صحنه‌های گوناگون نمازخوانی مواجه شود. در این راستا، همراهی فرزندان با والدین در نمازهای جماعت مسجد محله، نماز جمعه و... می‌تواند نقش مؤثری در تقویت روحیهٔ نماز خواندن فرزندان داشته باشد.

■ زیباسازی نماز

خداوند ویژگی زیبادوستی را در وجود انسان قرار داده است و به دلایلی کودکان و نوجوانان بیش از بزرگسالان زیبایی‌ها را می‌بینند و دوست دارند. می‌توانیم با هدیه دادن یک سجدهٔ زیبا و چادرنمازی قشنگ به دخترمان یا جانماز و لباسی زیبا برای پسرمان، اشتیاق آنها را به نماز خواندن و حضور در جمع نمازگزاران بیشتر کنیم. به هر اندازه که والدین بتوانند زیبایی‌ها را با نماز خواندن پیوند بزنند، به همان اندازه موفق‌تر خواهند بود.

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۱.

تشویق

همان‌طور که قرآن انسان‌ها را از ارتکاب اعمال زشت بر حذر می‌دارد، انسان‌ها را به انجام اعمال پسندیده، تشویق می‌کند. والدین و مربیان نیز باید این شیوه را از قرآن بیاموزند. جای‌جای قرآن کریم، بهشت به تصویر کشیده شده است و خداوند انسان‌ها را به سوی آن دعوت کرده و راه رسیدن به آن را نشان داده است.

پدر و مادر نیز با روش‌های مختلف و برآورده ساختن نیازهای فرزند، همچون اسباب بازی، رفتن به سینما، پارک و... می‌توانند او را به نماز تشویق کنند. البته این تشویق نباید به‌گونه‌ای باشد که روحیه تعبد در آنها کم‌رنگ شود و نماز را فقط برای رسیدن به جایزه و پاداش بخوانند. یکی از راهکارهای جلوگیری از پدید آمدن چنین روحیه‌ای این است که والدین از همان آغاز با او شرط نکنند که مثلاً اگر نماز خواندی فلان جایزه را به تو می‌دهم؛ بلکه برخی اوقات، بعد از نماز یا انجام کار درست، او را با دادن هدیه‌ای تشویق کنند.

■ چگونه همسرم را به نماز دعوت کنم؟

در این زمینه، چند راهکار عملی پیشنهاد می‌شود:

یاری جستن از خدا

حالات انسان متفاوت است. بسیاری اوقات پیش آمده که ما از هدایت و نجات کسی مأیوس می‌شویم؛ ولی برخلاف تصور ما، شرایطی فراهم و آن فرد متحوّل می‌شود. تجربه و تاریخ شواهد زیادی را نشان می‌دهد که به طور غیرمنتظره کسی دگرگون گشته و سرنوشت دیگری پیدا کرده است. در عین حال اگر آثار مثبت چندانی مشاهده نکردید، نگران تأثیرپذیری از ایشان نباشید. شاید در آینده نزدیک یا دور، خداوند باب هدایت را به روی او باز کند و بنده شایسته خدا شود.

اصلاح و تقویت مبانی اعتقادی

برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی زیر بناهای فکری همسران را بررسی کرده و در صورت دیدن اشتباه‌ها یا احیاناً انحراف‌هایی، در برطرف کردن آن بکوشیم؛^۱ زیرا دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان و معاد، به‌طور مستقیم بر اخلاق و رفتار او تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، دادن اطلاعات مفید و تصحیح اندیشه‌های نادرست فرد درباره نماز، مؤثر و لازم است تا از این طریق انگیزه خودجوش در فرد پدید آید یا تقویت شود و او را به سمت عبادت عاشقانه خداوند رهسپار کند.

بازخوانی و شناساندن فلسفه نماز

نماز، عملی است دارای حکمت‌ها و اسرار فراوان. از طرفی به‌طور طبیعی وقتی ارزش و اهمیت چیزی برای انسان روشن باشد، به آن توجه می‌کند و به قول معروف به آن دل می‌دهد. برعکس یکی از عوامل مهم کوتاهی کردن بعضی از افراد در به‌جا آوردن شایسته نماز، ناآشنایی با حکمت‌ها و اسرار آن است. امام

۱. در این زمینه بسیار خوب است که از کارشناسان مذهبی کمک گرفت.

علی علیه السلام می فرماید: "الناس أعداء ما جهلوا"؛ انسان دشمن چیزی است که به آن آگاهی ندارد^۱ از این رو لازم است با استفاده از آیات و روایات و گفتار عالمان وارسته، او را با فلسفه نماز آشنا کنید. در این راه می توان متناسب با سن و سواد همسران، کتاب های مفیدی را که در این زمینه وجود دارد، به او معرفی کنید و در اختیار او بگذارید.

کتاب های زیر، نمونه های مناسبی هستند: *از ژرفای نماز* (از حضرت آیت الله العظمی خامنه ای)، *پرتوی از اسرار نماز*، (از استاد قرائتی)، *صلاة الخاشعین*، (از شهید دستغیب)، *اسرار الصلاة*، (از مرحوم ملکی تبریزی)، *آداب الصلاة*، (از امام خمینی رحمته الله علیه)، *اسرار صلاه*، (از علامه جوادی آملی) و

راه های اختصاصی تأثیر بر هر فرد

زن و شوهر می توانند تأثیرات مثبت زیادی بر یکدیگر داشته باشند. البته چگونگی و میزان اثرگذاری و اثر پذیری ها متفاوت است. آنچه در اینجا اهمیت دارد، شناخت کافی از شخصیت و ویژگی های روحی همسر است. هر شخصی یک نقطه پذیرش و به قول معروف، رگ خوابی دارد. سعی کنید آن را بفهمید و از کانال آن وارد شوید و هدف خود را تعقیب کنید تا نتیجه مطلوب را به دست آورید.

به بیان دیگر باید راه های نفوذ و تأثیرگذاری بر همسر خود را به صورت دقیق بشناسید و متناسب با آن برنامه ریزی کنید. بدون داشتن چنین درکی، چه بسا بسیاری از کوشش های شما بی ثمر یا کم ثمر شود. اگر همسر شما منطقی پذیر است، باید با زبانی بسیار منطقی و مستدل او را قانع سازید. اگر فردی پند و نصیحت پذیر است و از عذاب های الهی بیمناک، باید بیشتر بر مجازات های ترک نماز و روایات و حکایت های مربوط به آن، با او سخن بگویید. اگر احساس می کنید با محبت، بیش تر می توانید او را به سوی خدا بکشانید، باید از همین راه وارد شوید و

پرورش عواطف دینی

به موازات آموزش تعالیم دینی، لازم است عواطف دینی را پرورش دهید. شرکت در مراسم مذهبی از قبیل نماز جماعت مسجد، نماز جمعه، مراسم اعیاد مذهبی و مراسم سوگواری در ماه محرم و جلسات دینی در پرورش عواطف دینی افراد بسیار مؤثر است. حضور در این قبیل برنامه ها پیوند قلبی را با دین و معنویات افزایش می دهد و زمینه را برای شکوفایی ایمان فراهم می سازد.

برقراری ارتباط دوستی با افراد نمازخوان، در بازسازی شخصیت افراد نقش حیاتی دارند. بر این اساس برای تشویق همسر، می توان از دوستان او نیز کمک خواست و اگر دوست شایسته ای ندارد، باید زمینه ارتباط با افراد نمازخوان و مؤمن را فراهم کرد.

تشویق

در روزهای اول نمی توان توقع داشت همه افراد، با انگیزه عالی به نماز و انجام تکالیف عبادی دیگر بپردازند. بیشتر مردم به چنان مرحله ای از کمال نرسیده اند که به تحسین و ستایش محتاج نباشند؛

۱. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳.

از این رو لازم است همسران را با تشویق گفتاری یا عملی به نماز خواندن تشویق کنید.

استفاده از روش انذار و ترساندن

بیان تأثیرات منفی ترک نماز در دنیا و آخرت که در آیات و روایات بیان شده است، بسیار مؤثر است، به ویژه اگر به روش غیرمستقیم ارائه گردد.

چند نکته

- در همه مراحل ارشاد و راهنمایی، از برخورد نیک و ملاحظت‌آمیز بهره بگیرید. با فشار و اجبار کسی را نمی‌توان هدایت نمود و چه بسا نتیجه معکوس دهد.

- جدی گرفتن نماز در محیط خانه. اگر انجام وظایف دینی از جمله نماز خواندن را جدی بگیرید، در همسران نیز تأثیر مثبت می‌گذارد.

- تبلیغ عملی را بسیار مهم بدانید؛ یعنی ضمن جدی گرفتن نماز در محیط خانه، باید آثار نماز خواندن مانند دوری از گناهان، داشتن اخلاق نیکو، کمک به دوستان، وفاداری، فداکاری، پاکیزه بودن در ظاهر و باطن و... در رفتار و کردار و گفتار خود شما نمایان باشد و این خود بهترین روش تبلیغ نماز و تشویق دیگران به آن است.

- تمام راهکارهای گفته شده، هم به صورت جداگانه و هم به همراه یکدیگر می‌توانند در دعوت همسر به نماز مؤثر باشد.

■ آیا از تشویق یا تنبیه در دعوت کودکان و نوجوانان به نماز می‌توان استفاده کرد؟

تشویق و تنبیه از لوازم ضروری تربیت هستند، به گونه‌ای که بدون یاری گرفتن از این دو نمی‌توان متربی را به مقصد رشد و کمال رساند. تشویق و تنبیه به منزله دو بال برای تربیت هستند که با کمک آن تربیت به پرواز درآمده و مسیر تربیت را با موفقیت طی می‌کند و به هدف فلاح و سعادت می‌رسد. چنان که کنار گذاشتن تشویق و تنبیه یا تکیه بر یکی از این دو به معنای زمین گیر شدن و توقف تعلیم و تربیت است! تشویق در لغت به معنای ایجاد شوق و میل و تنبیه به معنای آگاه کردن و توجه دادن است. در آثار تربیتی این دو واژه کاربردهای مختلفی دارند که پرداختن به همه آنها مناسب این مقال نیست. در این نوشته تعریف مقبول ما از تشویق این است: "تشویق عملی است که مربی یا والدین معمولاً پس از انجام رفتار صحیح متربی انجام می‌دهند تا موجب تداوم رفتار صحیح گردد". بر اساس این تعریف هدف تشویق تداوم و تثبیت رفتار صحیح متربی است.

تنبیه نیز در زبان فارسی کاربردهای متعدد و گاه متضاد دارد که پرداختن به آنها در اینجا ضرورتی ندارد. تعریف مورد نظر این نوشته از تنبیه این است: "تنبیه عملی است که مربی یا والدین پس از ارتکاب خطا و رفتار ناشایست متربی، انجام می‌دهند تا مانع تداوم آن گردد". بر این اساس، هدف تنبیه بازداشتن متربی از تداوم عمل ناشایست است و پس از ارتکاب خطاست که تنبیه صورت می‌گیرد. روی ترش کردن به فرزند هنگامی که نماز ظهرش را نخونده و قضا شده، نمونه‌ای از این تنبیه است. تنبیه هیچ‌گاه

پیش از ارتکاب خطا صورت نمی‌گیرد و اگر فعالیتی به منظور جلوگیری از انجام خطا پیش از ارتکاب خطا انجام شود نه تنبیه، بلکه تهدید و هشدار یا انذار است.

الف. اشاره‌ای به انواع تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه اقسام گوناگونی دارد که آگاهی از آنها به منظور استفاده به‌جا از آنها ضرورت دارد. تشویق، مادی یا غیرمادی است. تشویق مادی آن است که برای ایجاد انگیزه در متربی برای تداوم در خواندن نماز، شیرینی، شکلات، دوچرخه، اسباب بازی، لباس و مانند آن را در اختیار او قرار دهیم. تشویق غیرمادی آن است که به‌جای موارد فوق او را مورد محبت و توجه ویژه خود قرار دهیم، از او تعریف و تمجید کنیم، او را الگو معرفی کنیم، نمایندگی کلاس را به او بدهیم و مانند آن. البته برای تعریف اقسام دیگری بیان شده است که در این مختصر نمی‌گند.

ب. شرایط تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه در هدایت دیگران، به‌خصوص فرزندان به نماز در صورتی مؤثر و کارآمد است که با رعایت شرایط آن اعمال گردد. در غیر این صورت، نه تنها مفید نیست، بلکه می‌تواند ما را از هدف دور کند.

مهم‌ترین شرایط تشویق و تنبیه به این شرح است:

شروط اول. تقدم تشویق بر تنبیه

در هدایت به نماز استفاده از تشویق در اولویت قرار دارد؛ زیرا تشویق است که متربی را به‌سوی نماز سوق می‌دهد و به حرکت وا می‌دارد و تنبیه تنها بازدارنده است نه به حرکت درآورنده. البته می‌توان از تنبیه برای واداشتن به نماز استفاده کرد؛ اما تا جایی که امکان دارد باید از تنبیه کمتر استفاده کرد.

دوم. تشویق و تنبیه رفتار

باید رفتار و عمل را تشویق یا تنبیه کرد، نه شخصیت فرد را. در مقام تنبیه باید به‌گونه‌ای عمل کرد که تنبیه شونده احساس کند به علت ترک نماز تنبیه شده است؛ نه به علت شخصیتش. حتی گاهی لازم است این مطلب را صریح به او خود گوشزد کنند تا عزت نفس و شخصیت او آسیب نبیند. به عبارت دیگر، تنبیه شونده باید مطمئن باشد که شخصیتش، صرف نظر از نوع اعمال و رفتارش، برای ما محترم و محبوب است و اگر آزرده‌گی و تنبیهی مطرح است مربوط به رفتار خاص او (بی‌توجهی او به نماز) است نه شخصیت وی.

ج. تناسب با عمل

نوجوانی که نماز را کامل و در اول وقت می‌خواند با آنکه نماز را با عجله و آخر وقت می‌خواند یکسان نیستند. همچنین نوجوانی که تازه به نماز رو آورده با نوجوانی که چند سالی است که در مسیر نماز قرار دارد یکسان نیستند. هر کدام از اینها باید به نوع و اندازه خاص تشویق شوند. کسی که نمازش را در اول وقت می‌خواند در مقایسه با کسی که نمازش را در آخر وقت می‌خواند، باید بیشتر تشویق شود. همچنین

فرزندى که تازه به نماز رو آورده، هرچند نماز را ناقص و در اول وقت به جا نياورد، در مقايسه با فرزندى که دو سال از او جلوتر است، بايد بيشتر تشويق شود؛ چرا که او فعاليت بيشترى انجام داده و پيشرفت بيشترى داشته است. اين مطلب در مورد تنبيه هم صادق است.

چهارم. به هنگام بودن

فرزند خردسال ما هنگامى که براى اولين بار نماز پدر يا مادرش را تقليد مى کند، اگر بلافاصله تشويق شود، اين رفتار در او تثبيت مى شود؛ اما اگر با فاصله و مثلاً بعد از دو روز تشويق شود، از تأثير اين تشويق کاسته خواهد شد.

تنبيه نيز همين گونه است. فرزندى که نماز خود را مرتب مى خوانده، در صورتى که عمداً و بدون دليل موجهى نمازش را ترک و به آن بي توجهى کند، اگر در همان هنگام به او تذکر داده شود، اين تذکر مى تواند مؤثر باشد؛ اما اگر فاصله زياد شد، به همان ميزان از تأثير آن کاسته خواهد شد.

شيوه هاى تنبيه

چنان که پيش از اين گفته شد، تنبيه بازدارنده است و براى جلوگيرى از رفتار نادرست و تثبيت آن استفاده مى شود. همچنين تنبيه لزوماً به معنای تنبيه بدنى نيست و تنبيه بدنى آخرين مرحله است. به هر حال، در مسير آموزش و درونى کردن نماز ممکن است در مواردى فرزند در انجام نماز کوتاهى کند يا حتى عقب گرد داشته باشد و براى مثال، اگر قبلاً نماز را در اول وقت مى خوانده، اکنون در اول وقت نخواند؛ يا گاهى نماز صبحش قضا بشود؛ يا نماز را در برخى موارد نخواند. در اين گونه موارد براى جلوگيرى از تکرار اين رفتارها که در واقع نوعى انحراف و عقب گرد است بايد از تنبيه استفاده کرد. در اينجا برخى از مراحل و شيوه هاى تنبيه را بيان مى کنيم.

تغافل و چشم پوشى

اولين گام و شيوه در اصلاح رفتار نادرست به ويژه اگر براى نخستين بار انجام شده باشد، چشم پوشى و نادیده گرفتن است. حرکت در مسير تربيت و پايبندى به نماز براى خردسالى که تا به حال آزاد بوده و محدوديتى نداشته، همراه با دشوارى و مشقت است؛ به همين جهت ممکن است در برخى موارد از آن طفره برود. اما پس از آن ممکن است به خود بيايد و به مسير صحيح بازگردد. بنا بر اين، لزومى ندارد به محض مشاهده اولين سستى در امر نماز به او هجوم برد و تنبيه کرد. علاوه بر اين که اين کار مانع اصطکاک و برخورد والدين با فرزند هم مى شود. بنا بر اين در تنبيه، اولين شيوه اى که بايد استفاده شود تغافل است. البته، اگر تغافل مؤثر واقع نشد، نوبت تذکر است.

تذکر

تذکر به معنای يادآورى است. تذکر نيز مراتبى دارد. در گام اول بايستى به صورت عمومى و بدون اشاره به شخص خطا کننده درباره ضرورت نماز و لزوم پايبندى به آن سخن بگوئيم. اگر تذکر عمومى مؤثر واقع نشد، نوبت تذکر خصوصى است. بايد بسيار نرم و با محبت يادآورى کنيم که نماز دستور الهى است و در هيچ وضعيتى نبايد تعطيل شود. اگر تذکر مخفيانه کارگر نيفتاد، مى توان به صورت آشکار تذکر داد.

قهر کردن

قطع رابطه و قهر کردن یکی دیگر از شیوه‌های تنبیه است. قهر در واقع نوعی محروم کردن است، محروم کردن از ارتباط و محبت. در این شیوه نیز لازم است به تدریج و گام‌به‌گام اقدام کرد. در مرحله اول باید روی ترش کرد و چندان با روی باز با ترک کننده یا سبک‌شماره نماز برخورد نکرد و حتی جواب سلام او را درست نداد.

روایت شده است که مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و سلام کرد؛ اما پیامبر ﷺ جواب سلامش را نداد. مرد با ناراحتی به منزل رفت و ماجرا را برای همسرش بیان کرد. همسرش گفت: پیامبر ﷺ لباس ابریشم و انگشتر طلایی تو را دیده است. این دو را از خود دور کن و نزد ایشان برگرد. مرد چنان کرد و نزد پیامبر ﷺ رفت. رسول خدا ﷺ جواب سلامش را داد.^۱

در مرحله بعد، اگر متنبه نشد، با او برای مدتی کوتاه قطع رابطه کنند. در آموزه‌های دینی نیز قطع رابطه توصیه شده است: یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام از فرزند خود نزد امام شکایت کرد. امام علیه السلام فرمود: "لَا تَضْرِبُهُ وَ أَهْجُرُهُ وَ لَا تُطِلْ"؛^۲ او را نزن، با او قهر کن ولی طولانی نباشد! البته اجرای این شیوه برای غیر از فرزندان، ظرافت‌های خودش را دارد و با دقت خاصی باید صورت گیرد.

■ من مربی مهد کودک هستم و با کودکان ۳ تا ۷ سال سروکار دارم. لطفاً من را در برخورد صحیح تربیتی اسلامی با آنها راهنمایی کنید.

کودک در این دوره ویژگی‌های خاصی دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند. او در این دوره استفاده از نماد و زبان را آغاز می‌کند و در سن ۶ و ۷ سالگی گفتار او به بزرگسالان شبیه می‌شود؛ کلیه بخش‌های گفتار و قواعد صحیح دستوری را به کار می‌برد و می‌تواند جمله‌های پیچیده و مرکب بسازد.^۳ توانایی ذخیره‌سازی در حافظه کوتاه مدت در این دوره محدود است؛ اما در دوره دبستان افزایش می‌یابد و کامل می‌شود.^۴

کودکان از سن سه سالگی به دوستی با دیگران رو می‌آورند. این دوستی‌ها گرچه در ابتدا سطحی و موقت است، به تدریج گزینشی‌تر، عمیق‌تر و بادوام‌تر می‌شود. دوستان معمولاً با یکدیگر به بازی می‌پردازند.^۵ بیشتر وقت کودک در این دوره به بازی می‌گذرد و به همین جهت، در روایات توصیه شده است مانع بازی او نشوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ"؛^۶ بگذار فرزندت هفت سال بازی کند!

۱. داودی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ج ۲؛ تربیت دینی، ص ۲۳۰.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹.

۳. رایس، رشد انسان، ص ۱۶۶.

۴. همان، ص ۱۸۳؛ یریا و دیگران، روانشناسی رشد، ج ۲، ص ۶۴۰.

۵. همان، ص ۲۶۶ و ۲۶۷.

۶. "دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ أَلْزَمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَلْفَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ." (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳،

ص ۴۹۲)

با توجه به ویژگی‌های پیش گفته، روشن می‌شود که کودک در این دوره قابلیت تعلیم و تربیت منظم و برنامه‌ریزی شده را ندارد و یادگیری‌های او بیشتر در ضمن بازی و فعالیت‌های روزمره حاصل می‌شود. بنابراین، در این دوره بیشتر باید به فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای تعلیم و تربیت دینی او و اهل نماز شدنش همت گماشت. در آموزه‌های دینی نیز به این مطلب تصریح شده که هفت سال اول دوران بازی است. با این وجود، این به معنای رها کردن کودک نیست و در همین دوره هم بایسته است تا حد امکان فرزند با مسجد و نماز آشنا شده و به آنها گرایش پیدا کند.

روش‌های تربیتی این دوره

برای فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای هدایت فرزند به نماز راهکارهایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از تغذیه حلال، انتخاب نام نیکو، محبت به فرزندان، مقید بودن والدین به نماز، ارتباط با خانواده‌های متدین و پایبند به نماز، و پرورش عادت‌های مناسب. در این دوره آنچه مهم است فراهم آمدن زیرساخت‌های لازم برای گرایش فرزند به نماز است. همچنین دور نگه داشتن فرزند از تأثیرات سوء موانع گرایش به نماز مانند دوستان و خانواده‌های بی‌نماز و رسانه‌های فاسد اهمیت بسیاری دارد.

تلقین اعتقادات

چنانچه در روایت پیشین آمد:

"آنگاه که پسر سه ساله شد به او می‌گویند هفت بار بگو: "لا إله إلا الله". وقتی سه سال و هفت ماه و بیست روزه شد، به او می‌گویند: هفت بار بگو: "محمد رسول الله". وقتی چهار ساله شد به او می‌گویند: هفت بار بگو "الله صلی علی محمد و آل محمد" آنگاه که پنج سالش تمام شد از او می‌پرسند: دست چپ تو کدام و دست راست تو کدام است؛ اگر جواب صحیح داد او را رو به قبله می‌کنند و می‌گویند: سجده کن و رهائش می‌کنند تا شش ساله شود... هرگاه وضو و نماز را آموخت، خداوند والدینش را مشمول رحمت خود می‌کند.^۱

مطابق این روایت قبل از آنکه آموزش نماز به صورت مستقیم شروع شود، باید مبانی اعتقادی که عبارتند از توحید و نبوت پیامبر اسلام به کودک تلقین شود. شاید راز تأکید بر تلقین عقاید اسلامی به فرزند در این دوره، با اینکه توانایی درک و فهم آنها را ندارد، این است که کودک در این دوره بسیار تلقین‌پذیر است و این آموزه‌ها را می‌پذیرد و زمینه‌ای برای درک و فهم آن در بزرگسالی می‌شود. افزون بر این، کودک به میزان درک و فهم خود این آموزه‌ها را می‌فهمد و همین مقدار برای این دوره کفایت می‌کند.

ایجاد انس والفت به نماز

در این مقطع سنی اولین و مهم‌ترین گامی که والدین و مسئولان تربیتی باید بردارند این است که

۱. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۴، ح ۳.

فرزندان را نمازپذیر بار بیاورند و کاری نکنند که آنان نمازگریز یا حتی نمازستیز شوند. برای تحقق این هدف، فراهم آوردن فرصت مشاهده نماز و تقلید از آن ضرورت دارد و به هیچ وجه نباید از او بخواهیم مانند بزرگسالان نماز بخواند.

فراهم آوردن فرصت مشاهده و تقلید نماز

افزون بر این، در این دوره ضرورت دارد او با نماز آشنا و نسبت به آن گرایش مثبت پیدا کند؛ اما از آنجا که عمده یادگیری‌های فرزند در این دوره از راه مشاهده و تجربه است، این آشنایی باید از راه مشاهده و تجربه صورت بگیرد نه آموزش‌های نظری و رسمی. بر این اساس، یکی از راهکارهای رسیدن به این مقصد فراهم آوردن فرصت مشاهده نماز والدین و دیگران برای کودک است. هنگامی که فرزند نماز والدین را مشاهده می‌کند، به آن علاقه‌مند و از آنها تقلید می‌کند. البته، این تقلید کامل نیست و متناسب با شرایط سنی کودک است.

پیامبر ﷺ، حسنین □ را بر دوش خود سوار می‌کردند و به مسجد می‌آوردند. روزی یکی از ایشان در حالی که پیامبر در سجده بودند، بر دوش پیامبر رفت و پیامبر برای مراعات حال او سجده را طولانی کردند.^۱ نقل است که روزی پیامبر ﷺ دو رکعت آخر نماز را سریع خواندند وقتی از ایشان پرسیدند چه اتفاقی افتاده بود که نماز را کوتاه کردند، ایشان فرمودند مگر صدای گریه کودک را نشنیدید.^۲ اینها همگی نشان می‌دهد که در زمان پیامبر ﷺ مسلمانان فرزند خود را به مسجد می‌بردند. البته از طرفی باید مراقب باشند فرزندانشان نظم مسجد را مختل نکنند و مانع حضور قلب و آرامش نمازگزاران نشوند و از سوی دیگر نباید آزادی کودکان چنان محدود شود که آنان احساس اسارت و خستگی کنند.

■ من معلم دبستان دخترانه هستم. البته پسر خودم نیز دبستانی است. لطفاً راهنمایی بفرمایید که در این دوره چگونه می‌شود آنها را با نماز آشنا کرد؟

در این دوره یعنی کودکان ۷ تا ۱۲ سالگی (که به آن کودکی دوم می‌گویند)، به تدریج تعداد واژگان و درک و فهم کودک از سخنان دیگران افزایش می‌یابد. آداب سخن گفتن مانند رعایت نوبت دیگران و قطع نکردن سخن دیگران را می‌آموزد. همچنین می‌تواند موضوع گفتگو را حفظ کند و آن را تغییر کودک در این دوره آمادگی تعلیم و تربیت منظم و برنامه‌ریزی شده را پیدا می‌کند و به همین جهت باید برای تعلیم و تربیت دینی فرزند و دعوت و هدایت او به نماز برنامه‌ریزی کرد و فعالیت‌های لازم را انجام داد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ؛" پسر بچه هفت سال بازی می‌کند، هفت سال قرآن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام الهی را فرا

۱. "رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ سَجَدَهُ أَطَالَ فِيهَا، فَقَالَ النَّاسُ عِنْدَ انْقِضَاءِ الصَّلَاةِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ سَجَدْتَ بَيْنَ ظَهْرَائِي صَلَاتِكَ سَجَدَةً أَطَلَّتْهَا حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ قَدْ حَدَثَ أَمْرٌ، أَوْ أَنَّهُ أَتَاكَ وَحْيٌ. فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ: "كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ، وَ لَكِنَّ ابْنِي هَذَا ارْتَحَلَنِي، فَكَرِهْتُ أَنْ أَعْجَلُهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ"، وَ

كَانَ الْحَسَنُ أَوْ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَدْ جَاءَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ فِي سَجْدَتِهِ، فَامْتَنَطَى ظَهْرَهُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۸۱).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ □: "صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَحَقَّقَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ قَلَمًا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ حَدَّثٌ قَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالُوا حَقَّقْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صِرَاحَ الصَّبِيِّ" (كلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۸).

۳. رایس، رشد انسان، ص ۱۶۸.

می‌گیرد.^۱

روش‌های ویژه دوره کودکی دوم: آموزش و درونی کردن

تحقیقات جدید درباره رشد مذهبی کودکان نشان می‌دهد که آنان قادر به درک مفاهیم انتزاعی دینی مانند خدا و پیامبر و معاد هستند. ولی آنچه مانع درک و فهم صحیح این مفاهیم توسط کودکان می‌شود استفاده از زبان و واژگان و مفاهیمی است که برای کودکان ناآشنا هستند. به عبارت دیگر، کودکان در این دوره به زبان و مفاهیم و واژگان بزرگسالان آشنا نیستند. هنگامی که بزرگسالان با زبان خود با کودک سخن می‌گویند و با همین زبان می‌خواهند مفاهیم و معارف دینی را به آنان بیاموزند، کودکان معانی و مطالب را درک نمی‌کنند و آموزش عقیم می‌ماند. اما اگر بزرگسالان با استفاده از زبان و واژگان مأنوس و مفهوم برای کودک با وی سخن بگویند و مطالب دینی را در قالب این زبان به وی بیاموزند، به‌خوبی آنها را درک می‌کند و می‌فهمد. بنابراین، در این دوره می‌توان آموزه‌های دینی حتی آموزه‌های انتزاعی را به کودک آموزش داد. البته باید توجه داشت که "بزرگ‌ترین خطر برای خردسالان... این است که در طول آموزش به مجموعه لغات مذهبی دست یابند که اساساً هیچ مفهومی برای آنها ندارند."^۲

کودک در این سن برخی مفاهیم از قبیل عدالت و پاداش و جزا را می‌تواند به‌صورت عینی و تجربی بیاموزد؛ این از آن جهت بسیار مهم و اثرگذار است که کودک در دوره عملیات عینی است.

چند نکته

نکته اول. دعوت کودک به مشاهده نعمت‌های خداوند مانند آسمان، زمین، باران، رویش گیاهان و غیره به همراه بیان ظرافت‌ها و عظمت‌های این نعمت‌ها با زبان کودکان برای آموزش صفات الهی بسیار مناسب است.

دوم. قصه‌گویی و خاطره‌گویی نیز از قالب‌های مناسب آموزش در این سنین است. مثلاً بیان داستان‌های انبیا و امامان علیهم‌السلام هم می‌تواند جنبه خداشناسی داشته باشد و هم راهنماشناسی. در این میان قصه‌های قرآنی اثرگذارتر است؛ چون در ضمن آن، کودک با قرآن نیز آشنا می‌شود. مثلاً داستان موسی علیه‌السلام و فرعون بیانگر قدرت و عظمت خدا، معرفی ویژگی‌های پیامبر او و معرفی ویژگی‌ها و خواری و سرانجام دشمنان خداست.

سوم. استفاده از شعر و مثال‌های ساده مؤثر است.

آموزش اقامه نماز، احکام، آداب و فلسفه نماز

در این دوره، آموزش نماز به فرزند شروع می‌شود؛ در روایات نیز بر این مطلب تأکید شده است. در این دوره اهدافی که باید محقق شود عبارتند از:

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷.

۲. همان، ص ۱۶۸.

آموزش احکام نماز

او در این دوره باید با احکام ضروری نماز مانند رو به قبله بودن، با وضو بودن، طهارت لباس و بدن و مانند آن آشنا شده باشد.

دوم. آموزش قرائت و اذکار نماز

در این دوره باید مقدمات ضروری برای اقامه نماز مانند حمد و سوره، اذکار رکوع و سجود، تشهد و سلام را آموخته باشد.

سوم. آشنایی با برخی آداب ظاهری و فلسفه نماز

باید برخی از مهم‌ترین آداب نماز و مسجد را آموخته باشد.

نیز باید مقداری با فلسفه و حکمت نماز در حد توان خود آشنا شده باشد.

چهارم. تمرین نماز و در نهایت ملکه شدن و درونی شدن اقامه نماز.

■ در دوره نوجوانی چگونه با فرزند باید برخورد کرد که او به‌سوی نماز تشویق شود؟

نوجوانی عبور از مرحله کودکی به بزرگسالی است. این به آن معناست که نوجوانان باید جنبه‌های کودکانه را کنار بگذارند و الگوهای رفتاری و نگرشی جدیدی را بیاموزند. در این مرحله انتقالی، وضع و جایگاه او مبهم بوده، نوعی سرگردانی و گم‌گشتگی درباره نقش‌هایی وجود دارد که انتظار می‌رود نوجوان آنها را ایفا کند. نوجوان در این زمان نه کودک است، نه بزرگسال. اگر مانند کودکان رفتار کنند، به آنها گفته می‌شود که متناسب با سن خودشان عمل کنند و اگر سعی کنند نظیر بزرگسالان عمل کنند، اغلب مورد سرزنش واقع می‌شوند.

دوران نوجوانی حساس‌ترین و مهم‌ترین دوره زندگی است. در این سن تغییر و تحولات بسیاری هم از نظر جسمی و هم از جهت عاطفی و روانی برای نوجوان ایجاد می‌شود. نوجوان به سرعت رشد کرده، شاهد تکامل جسمانی و نیرومندی بدنی خویش است و همزمان عواطف و احساسات او دچار تحول اساسی می‌شود و افکار و آرزوها و نگرش او درباره افراد و محیط اطراف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این دوران گذار، تمایلات و خواهش‌های متضادی در او خودنمایی می‌کند؛ خودخواهی کودکانه با نوع پرستی خیرخواهانه درمی‌آمیزد و او را در برزخی میان کودکی و بزرگسالی رها می‌سازد و دچار نوعی بی‌ثباتی عاطفی و روانی و فکری می‌شود که از آن به "بحران بلوغ" یاد می‌کنند. این بحران، نوجوان را در وضعیت مبهم و پیچیده‌ای قرار می‌دهد که نمی‌داند چه باید بکند و همین عدم اطمینان نسبت به نقش خود، موجب پیدایش مشکلات زیادی برای نوجوان می‌شود و او را زودرنج و دو دل و بی‌ثبات می‌سازد.

در این دوره که مصادف با دوره رشد و بلوغ جسمی کودک است، دیگر ابعاد او نیز رشد می‌کند. در این دوره توانایی تفکر کودک رشد کرده، توانایی استدلال کردن، منظم کردن عقاید و فرضیه‌پردازی را به دست می‌آورند و می‌توانند فرضیه‌های خود را به روش منطقی آزمایش و متغیرهای متعدد را بررسی کنند. در این دوره تفاوت میان واقعیت و احتمالات برای نوجوان روشن می‌شود و به همین جهت، آرمانگرایی و

در نتیجه آن، نارضایتی از وضع موجود و سعی در تغییر وضع موجود در نوجوانان بسیار برجسته می‌شود.^۱ در این دوره الگوهای پاسخ‌های هیجانی به رویدادها و اشخاص^۲ و نیز خودپنداره و عزت نفس در نوجوانان تثبیت می‌شود.^۳ نوجوان دوست دارد دیگران به‌ویژه پدر و مادر او را به چشم بزرگسالی مستقل ببینند و به او اعتماد کرده، آزادی بدهند.^۴ در متون دینی نیز این دوره را دوره وزارت نامیده‌اند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: "الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ"؛ فرزند هفت سال آقا و رئیس، هفت سال بنده و مطیع و هفت سال وزیر است. برای نوجوانان دوستی و داشتن دوست بسیار اساسی است و به تدریج روابط با دوستان جایگزین بخشی از رابطه آنها با والدینشان می‌شود. همچنین دیدگاه‌ها، تأییدها و راهنمایی‌های دوستان برای نوجوانان اهمیت می‌یابد. افزون بر این، نوجوان دوست دارد دیگران او را بپذیرند و مورد توجه واقع دهند.^۵

بر اساس ویژگی‌های پیش گفته، این دوره دوره بازنگری، تثبیت و تعمیق نماز در روح و روان نوجوان است. در این دوره نماز خواندن باید برایش کاملاً ملکه و با احکام، فلسفه، آثار و برکات و آداب نماز به صورت کامل آشنا شود. همچنین در این دوره باید با شبهه‌هایی که درباره نماز مطرح است آشنا شود و بی‌پایه بودن آنها را درک کند. بنابراین، این دوره دوره تعمیق و تثبیت نماز و شکل‌گیری هویت دینی در فرزند است.

روش‌های ویژه دوره نوجوانی در دعوت به نماز

۱. تحکیم و تعمیق بنیان‌های اعتقادی

با توجه به تحولاتی که در این دوره در توانایی فکری و زبانی نوجوان به‌وجود می‌آید، او در این سن آمادگی لازم برای ادراکات انتزاعی را پیدا می‌کند. از لحاظ تفکر و استدلال انعطاف‌پذیرتر و ماهرتر می‌شود و می‌تواند موضوعات را از دیدگاه‌ها و نظرات مختلف ببیند؛ علاوه بر مسائل واقعی درباره مسائل فرضی می‌تواند استدلال کند؛ در نتیجه، به موضوعات انتزاعی و نظری مختلف از جمله موضوعات فلسفی و سیاسی مانند عدالت و آزادی فردی، زیبایی و زیباشناسی، مذهب و ایدئولوژی‌های اخلاقی علاقه‌مند می‌گردد. غالب نوجوانان همه چیز از جمله دانش، افکار و عقاید خود را می‌آزمایند و ارزیابی می‌کنند؛ در تمامیت، نگرش‌ها و عقاید خود تردید می‌کنند و در جستجوی ثبات و ارزش‌ها و فلسفه‌های جدیدی برای زندگی برمی‌آیند؛ سخت در برابر آرمان‌های دروغین نگران می‌شوند و درباره آینده به فکر فرومی‌روند.^۶

بنابراین، بازنگری و بازسازی و تعمیق اعتقادات یکی از ضروریات این دوره است. والدین و معلمان باید

۱. رایس، رشد انسان، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.

۲. همان، ص ۳۵۶.

۳. همان، ص ۳۶۵.

۴. همان، ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

۵. همان، ص ۳۸۹ و ۳۹۱.

۶. ماسن و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

در این دوره به نوجوان کمک کنند تا بتواند به سلامت این مسیر را طی کند.
در این راستا توجه به این نکات ضروری است:
نکته اول. گسترش دادن میزان اطلاعات و آگاهی او درباره موضوعات اعتقادی؛
دوم. ارائه مطالب به صورت مستدل، همراه با تبیین‌های روشن و قوی و پرهیز از ارائه مطالب ضعیف و بی‌پایه؛

سوم. توجه به شبهات و پاسخ به موقع و مناسب به شبهات او؛
چهارم. سیر و سفر و مشاهده آیات خداوند^۱ در درون و بیرون خودش.^۲

اهداف تحکیم و تعمیق بنیان‌های اعتقادی
چنان‌که پیش از این گفتیم، با توجه به ویژگی‌های روانشناختی نوجوان این دوره، دوره بازنگری و تعمیق و تثبیت است.

اهداف تثبیت، تعمیق و تحکیم نماز، این است که:
اول. آگاهی و شناخت فرزند ما از آداب و احکام نماز گسترش و عمق پیدا کند؛
دوم. آگاهی و شناخت وی از فلسفه و آثار و فواید نماز گسترده و عمیق شود؛
سوم. با شبهات و موانع نماز برخورد کرده و راه حل آنها را پیدا کرده باشد؛
چهارم. اقامه نماز برای او کاملاً درونی و بخشی از هویت دینی او شده باشد.

روش‌های تحکیم و تعمیق بنیان‌های اعتقادی فرزندان نسبت به نماز
برای تحقق این اهداف، استفاده از این روش‌ها مؤثر است:

■ بروش اول. تشکیل جلسات بحث و گفتگو

در این مرحله باید دانش گسترده‌ای درباره احکام مورد نیاز نماز و آداب نماز مانند خضوع و خشوع، نماز در اول وقت، و آراستگی در اختیار فرزند قرار گیرد. همچنین باید درباره حکمت نماز، آثار و فواید و برکات نماز نیز بینشی کاملاً عمیق در او ایجاد شود. در این مرحله آموزش‌ها باید از حالت تلقینی و خطابی خارج شده و متقن و محکم و مستدل باشد. تشکیل جلسات بحث و گفت‌وگو درباره نماز روش بسیار خوبی برای تحقق این اهداف است. در این جلسات والدین یا معلمان می‌توانند درباره ابعاد مختلف نماز بحث و موجب رشد فرزندان خود شوند.

■ دوم. تدوین برنامه مطالعاتی

یکی دیگر از روش‌های تعمیق و تثبیت دانش مربوط به نماز تدوین برنامه مطالعاتی است که در طی آن نوجوان با مطالعه منظم کتاب‌های مربوط می‌تواند بینش و دانش خود را در این زمینه تکمیل کند. اگر بعد از مطالعه هر کتاب درباره آن بحث نیز بشود تأثیرش پایدارتر خواهد بود. ترغیب و ترهیب، انذار و تبشیر، تشویق و تنبیه

۱. "قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" (عنكبوت: ۲۰).

۲. "سَرَّيْهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّهُمْ أَنَّهُ حَقٌّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ" (فصلت: ۵۳).

این روش‌ها در ایجاد انگیزه و تثبیت نماز در نوجوان مؤثر است؛ اما باید توجه داشت که در این دوره محور ترغیب و تبشیر و تشویق، امور معنوی و تأثیر نماز در رشد و کمال انسانی انسان باشد.

۲. معرفی الگو

الگوهایی که در این دوره معرفی می‌شوند، باید متناسب با دوره نوجوانی الگوهایی باشند که نماز در آنها تثبیت شده و با معارف نماز به صورت کامل آشنا هستند. بنابراین، در معرفی الگوها باید به خضوع و خشوع آنها در نماز، رعایت آداب نماز، لذت بردن آنان از نماز و نماز شب و نوافل آنها بیشتر توجه شود.

انتخاب دوستان مناسب

چنان که پیش از این گفتیم، دوست‌گرایی و گروه‌گرایی یکی از ویژگی‌های دوران نوجوانی به شمار می‌رود. وفاداری به خانواده جای خود را به وفاداری به دوست می‌دهد. تأثیر خانواده در کنش و منش نوجوان کم‌رنگ می‌شود و تأثیر دوست پررنگ. به همین جهت در این دوران همراهی با دوستان نمازگذار و فاصله‌گیری از دوستان بی‌نماز بسیار مهم است. بنابراین خانواده باید سعی کند، همراهی و صمیمیت بیشتری را با فرزند داشته باشد و در عین حال نوجوان خودشان را در دوست‌یابی و نحوه تعامل با دوست، راهنمایی و کمک نمایند.

شرکت در اجتماعات مذهبی و متعهد

استفاده از ویژگی گروه‌گرایی نوجوان در دعوت به نماز نیز فرصت خوبی است در نهادینه سازی نماز در فرزندان است. شرکت در هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های انقلابی همچون بسیج و کانون‌های فرهنگی دینی و یا گروه‌های ورزشی سالم و فاصله‌گرفتن از گروه‌ها و احزاب ناسالم نیز باید مورد توجه والدین و مربیان قرار گیرد.

نکات مهم

والدین و معلمان در این دوره باید به این نکات توجه کنند:
نکته اول. گسترش دادن میزان اطلاعات و آگاهی‌های فرزند؛
دوم. به رسمیت شناختن قدرت استدلال و درک و فهم فرزند؛
سوم. ارائه مطالب به صورت مستدل، همراه با تبیین‌های روشن و قوی و پرهیز از ارائه مطالب ضعیف و بی‌پایه؛

چهارم. برنیاشفتن در مقابل انتقادات و اشکالات او و ارائه پاسخ‌های مستدل و متقن؛

پنجم. توجه به شبهات و دادن پاسخ به موقع و مناسب به شبهات او؛

ششم. پرورش روحیه مطالعه و تحقیق؛ چرا که خودیابی بهتر از پاسخ‌های دیگران او را قانع می‌کند؛

هفتم. گفتگوهای صمیمانه والدین و مربیان با نوجوان نقش مهمی در ارتقا و تعمیق ایمان نوجوان دارد.

■ من روحانی یک مسجد هستم و در مسجد با نوجوانان و جوانان بسیاری در ارتباط هستم؛ لطفاً اصول دعوت آنها به نماز را بیان فرمایید؟

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

دعوت به نماز، امامت و راهنمایی به سوی خداست و راهنما و دعوت کننده در اولین قدم باید از خود شروع کند. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: "مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا - [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ فَلَئِنَّمَا يَتَعَلِّمُ نَفْسَهُ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ]"^۱ به بیانی دیگر، دعوت به نماز، دعوت به ارتباط با خداوند است؛ کسی که خود این ارتباط را ندارد، اگر بخواهد دیگران را بدان دعوت کند، مستحق این آیات است که: "اتَّأَمَّرُونَ النَّاسَ بِأَلْبٍ وَتَسَوَّنَ أَنْفُسَكُمْ"^۲ و "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ"^۳.

پس اولین اصل در این دعوت، این است که مربی و دعوت کننده از تکمیل نماز خود شروع کند.

اصل زمینه سازی

هدایت به سوی نماز یک فعالیت است. این فعالیت مانند هر فعالیت دیگر نه در خلأ، بلکه در یک محیط و موقعیت اتفاق می افتد. اگر این محیط و موقعیت برای انجام این فعالیت آماده شده باشد، زحمت ما مفید واقع می شود و ثمر می دهد و در غیر این صورت، به احتمال زیاد به هدر می رود و به هدف مورد نظر نمی رسد.

اصل جامعیت

نماز عملی عبادی است دارای ابعاد گوناگون. نماز یک رفتار است و رفتار، چنان که روانشناسان گفته اند، سه بعد دارد: شناختی، گرایشی و رفتاری. عمل نماز از کسی صادر می شود که بهره ای هرچند کم از شناخت، گرایش و توانایی عمل نسبت به آن را برده باشد. هر چه شناخت بیشتر و عمیق تر و هر چه گرایش قوی تر باشد، فرد به این عمل پایبندتر خواهد بود؛ مشروط به اینکه توانایی و مهارت برای انجام آن را دارا باشد. اگر کسی کاملاً به نماز آگاه و به آن گرایش هم داشته باشد اما فاقد توانایی و مهارت های لازم باشد، برای مثال، حمد و سوره و اذکار را نداند یا نتواند رکوع و سجود را به صورت صحیح انجام دهد، نمی تواند نماز را به صورت صحیح انجام دهد.

بدین ترتیب، در دعوت و آموزش نماز باید به هر سه بعد آن توجه داشت. بایسته است شناخت و باورهای لازم، گرایش ها و انگیزه های صحیح و توانایی ها و مهارت های لازم را در آنان ایجاد کرد و پرورش داد. اصل جامعیت بدین معناست که در هدایت به نماز نباید تنها به بعد شناختی، بعد گرایشی یا بعد رفتاری بسنده کرد؛ بلکه باید به هر سه بعد به اندازه لازم توجه کرد و پرورش داد.

۱. سید رضی، نهج البلاغه، کلمات قصار ۷۳.

۲. "آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید" (بقره: ۴۴).

۳. "ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوید که عمل نمی کنید؟! (صف: ۲).

اصل تدریج

اصل تدریج بیانگر این مطلب است که در آموزش نماز به دیگران، نباید یکباره کل نماز و معارف و مهارت‌های مربوط به آن را ارائه کرد؛ بلکه باید آنها را به تدریج آموزش داد. برای مثال، در مورد کودکان، نخست باید اصل سجده را به وی آموخت و او را رها کرد تا آن را انجام دهد. پس از مدتی باید وضو را به وی آموزش داد. پس از مدتی باید از او خواست صورت نماز را انجام دهد و رعایت شرایط نماز را از وی نخواست.

در تصریح به این مطلب، در روایتی آمده است:

"آنگاه که پسر سه ساله شد به او می‌گویند هفت بار بگو: "لا إله إلا الله". وقتی سه سال و هفت ماه و بیست روزه شد، به او می‌گویند: هفت بار بگو: "محمد رسول الله". وقتی چهار ساله شد به او می‌گویند: هفت بار بگو "صلى الله على محمد وآل محمد". آنگاه که پنج سالش تمام شد از او می‌پرسند: دست چپ تو کدام و دست راست تو کدام است؛ اگر جواب صحیح داد او را رو به قبله می‌کنند و می‌گویند: سجده کن و ره‌ایش می‌کنند تا شش ساله شود. زمانی که شش سالش تمام شد، رکوع و سجود را به او می‌آموزند و به نمازش وامی‌دارند تا هفت ساله شود. وقتی هفت سالش تمام شد به او می‌گویند: دو دست و صورتت را بشوی، آنگاه به او می‌گویند: نماز بخوان، تا نه سالش تمام شود. در آن هنگام، وضو به او می‌آموزند و نماز را به او می‌آموزند... هرگاه وضو و نماز را آموخت، خداوند والدینش را مشمول رحمت خود می‌کند!"^۱

اصل اعتدال

اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط یکی از مصادیق اصل رفق و مداراست. افراط و تفریط خواه از طرف مربی و فرزند خواه از طرف مربی و والدین هر دو مذموم است.

اصل اعتدال اقتضا می‌کند که دعوت کننده به نماز، انتظاراتی بیش از اندازه از مخاطب خود نداشته باشند. چرا که انتظار بیش از اندازه، به‌ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، چنان که در سخنان پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام آمده است، موجب خستگی و دلزدگی و در نهایت بی‌میلی و بی‌علاقگی به نماز شده، او را از نماز دور می‌کند و چه بسا به ترک نماز بینجامد.

انتظار بیش از اندازه دو پیامد منفی دارد: اگر نوجوان مطابق انتظار ما عمل کند، از نماز بیزار و دلزده می‌شود و اگر مطابق نظر ما عمل نکند، موجب ناراحتی و تنش میان ما با او می‌شود؛ این تصور در او به وجود می‌آید که در عمل به وظایف دینی‌اش کوتاهی می‌کند و همین موجب می‌شود اعتماد به نفس

۱. عبدالله بن فضالة عن أحدهما □ قال: "إذا بلغ الغلام ثلاث سنين، يقال له سبع مرّات: قل لا إله إلا الله. ثم يترك حتّى يتمّ له ثلاث سنين و سبعة أشهر و عشرون يوماً. فيقال له: قل محمد رسول الله ﷺ سبع مرّات، و يترك حتّى يتمّ له أربع سنين. ثمّ يقال له سبع مرّات: قل صلى الله على محمد و آل محمد. ثمّ يترك حتّى يتمّ له خمس سنين. ثمّ يقال له: أيّها يمينا و أيّها شمالك؟ فإذا عرف ذلك حوّل وجهه إلى القبلة و يقال له: اسجد. ثمّ يترك حتّى يتمّ له ستّ سنين. فإذا تمّ له ستّ سنين صلى و علم الركوع و السجود حتّى يتمّ له سبع سنين؛ فإذا تمّ له سبع سنين قيل له: اغسل وجهك و كفّيك، فإذا غسلهما قيل له: صلّ. ثمّ يترك حتّى يتمّ له تسع. فإذا تمّت له علم الوضوء و ضرب عليه و علم الصلاة و ضرب عليها و فإذا تعلّم الوضوء و الصلاة غفر الله لوالديه" (عاملي، وسائل الشيعه، ج ۲۱، ص ۴۷۴، ح ۳).

فرزند ضعیف گردد. از سوی دیگر، نباید سطح انتظارات خود را بسیار پایین بیاوریم که نتیجه آن سهل‌انگاری و بی‌توجهی به نماز یا ترک نماز خواهد بود.

اصل تداوم و استقامت

مداومت و استقامت در دعوت و تربیت، سیره انبیای الهی علیهم‌السلام و نشأت گرفته از سفارش‌های مکرر خداوند به آنهاست؛ "فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُمْ وَمِن تَابِ مَعَكُمْ"^۱. این امر به‌ویژه در مورد نماز اهمیت و ضرورت بیشتری می‌یابد؛ زیرا چنان‌که پیش از این گفتیم، یادگیری نماز و تثبیت و درونی شدن آن در دیگران نیازمند گذشت زمان است و با یک روز و یک هفته و یک ماه به سرانجام نمی‌رسد. بنابراین، باید در هدایت دیگران به نماز خود را برای فعالیتی پیوسته آماده سازد و روشن است که فعالیت مداوم و پیوسته نیاز به استقامت و پایداری دارد!

اصل کرامت

در میان مخلوقات الهی، خداوند به انسان عنایت ویژه داشته، استعدادها و توانایی‌های ویژه‌ای به او عطا کرده که برجسته‌ترین آنها عقل و اختیار است. آنچه انسان را از دیگر موجودات متمایز کرده و به او این امکان را داده است که بتواند در مسیر رشد و کمال، گوی سبقت را از دیگر موجودات این جهانی و حتی فرشتگان مقرب الهی برآید، عقل و اختیار است. "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا"^۲؛ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم، و آنان را بر مرکب‌های آبی و صحرائی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری افزون دادیم. بدین ترتیب، انسان به‌واسطه برخورداری از عقل و اختیار دارای کرامت است و بر دیگر موجودات برتری دارد.

اصل کرامت بیانگر آن است که والدین، معلم و مربی و دعوت‌کننده به دین باید متربی خود را گرامی بدارند و کرامتش را پاس بدارند. آنها حق ندارند حتی در مقام تربیت، مخاطب را تحقیر و کرامت انسانی او را لگد مال کنند. بنابراین، باید در هدایت به نماز به‌گونه‌ای عمل کنند که شخصیت و احترام و کرامت متربی و مخاطبشان حفظ شود.

۱. هود: ۱۱۲

۲. "ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم" (اسراء: ۷۰).

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ۸ جلدی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳، ۱۳۸۸ ق.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۳۰ جلدی، نشر آل البیت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه وفاء، چ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چ دوم ۱۳۶۳ ش.
۷. شریعتی، محمدامین، پیمانی، عبدالرسول، نهج الفصاحه، نشر پرهیزگار، قم، ۱۳۸۵ ش.
۸. شیخ طوسی، الامالی، نشر دار الثقافه، قم، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۹. الیثی الواسطی، علی بن محمد، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، عیون الحکم والمواعظ، قم، دارالحديث، چ ۱.
۱۰. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، دارالحديث، قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، نشر آل البیت، چ ۱، ۱۴۰۸ ش.
۱۳. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ق.
۱۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۴ ق.
۱۵. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضاء، ۷، بیروت، نشر اعلمی، چ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۷. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، نجف، نشر حیدریه، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. ابن بابویه، علی، فقه الرضا علیه السلام، نشر المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام.
۱۹. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نشر حیدریه، نجف، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. خمینی، سید روح الله، آداب الصلاه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام □، سال نشر ۱۳۷۲ ش.
۲۱. خمینی، سید روح الله، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی □، چ پنجم، ۱۳۷۳ ش.
۲۲. شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و اتمام النعمه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ش.
۲۳. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، نشر دار الکتب الاسلامیه، [بی جا]، [بی تا].
۲۴. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، [بی تا].
۲۶. شیخ تاج الدین محمد بن محمد بن حیدر شعیری (قرن ششم)، جامع الاخبار، یک جلدی، عربی، نشر رضی، قم ۱۳۶۳ ش.
۲۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، التوحید، نشر جامعه مدرسین حوزه، قم، ۱۴۱۶ ق.
۲۸. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. ابن فهد حلی، احمد، عدّه الداعی و نجاح الساعی، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. قرائتی، محسن، تفسیر نماز، ستاد اقامه نماز، قم، ۱۳۷۴ ش.

۳۱. مقدم، محمدتقی، سرمایه سخنوران، کتابفروشی اسلامیة، تهران، [بی تا].
۳۲. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، ثقلین، قم، ۱۳۸۲ ش.
۳۳. میرخلف زاده، علی، داستان‌هایی از نماز اول وقت، انتشارات محمد و آل محمد علیه السلام، قم، ۱۳۸۴ ش.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، [بی تا].
۳۵. داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹ ش.
۳۶. رایس، فیلیپ، رشد انسان: روان شناسی از تولد تا مرگ، نشر ارجمند، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۳۷. بی‌ریا، ناصر، روانشناسی رشد، نشر سمت، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۸. ماسن، پاول هنری، رشد و شخصیت کودک، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۳۹. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵ ش.